

اختران فروزان
خوانسار

مؤلف: حمید رضا میر محمدی



ISBN : 964-92176-1-4

شابک : ۹۶۴-۹۲۱۷۶-۱-۴

قیمت : ۹۰۰ تومان

اختران فروزان خوانسار

مؤلف: حمید رضا میر محمدی



۷۹۲۴۶

اسکن شد

اختران فروزان خوانسار

(تذکرۃ القبور)

تألیف : حمید رضا میر محمّدی

اختران فروزان خوانسار (تذكرة القبور) تأليف حمید رضا میر محمدی
خوانسار : ارمغان قلم ، ۱۳۷۸ .
(۱۹۳) ، ص ، (۱۶) . تصویر .

ISBN 964 - 92176 - 1 - 4

فہرست نویسی براساس اطلاعات فیما۔

کتابنامه: ص. (۱۹۱-۱۹۲)؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. خوانسار. سرگذشتنامه. ۲. خوانسار. آرامگاهها.

الف. عنوان : ب. عنوان : تذكرة القبور.

900 / 9500

DSR ٢٠٨٥ / ٩٤ م ٨٨

٧٨ - ١٧٠٤٢

کتابخانه ملی ایران



اختران فروزان خوانسار (تذکرۃ القبور)

مؤلف : حمید رضا میر محمدی

ناشر: انتشارات ارمغان قلم ۲۳۳۳۸ - ۳۷۱

تیراژ: ۲۰۰۰

تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۷۸

نوبت چاپ : اول

چاپ : نور خوانسار ۲۳۱۹۳ - ۳۷۱۰

لیتوگرافی : تصویر ۲۱۷۶۲۱ - ۳۱۰

ISBN : 964 - 92176 - 1 - 4 شابک: ۹۶۴-۹۲۱۷۶-۱-۴

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
----	-------

بخش اول

۱۵	مجموعه مقالات
۱۷	بقعه پیر (شیخ اباعدنان) و موقوفات آن
۲۸	مسجد آقااسدالله خوانسار و موقوفات آن
۳۷	مسجد جامع خوانسار و موقوفات آن
۵۸	مروری بر زندگانی و آثار صدرالمشایخ خوانسار
۶۶	مروری بر زندگانی و آثار محمدجواد ولایی (افسر)
۷۵	سید محمد واعظ - وهاج خوانساری

بخش دوم

۸۷	تذکره القبور خوانسار
۸۹	مقدمه

قبرستان شرقی خوانسار

۹۶	سید حسین خوانساری
۹۷	سید ابوالقاسم ابن سید حسین
۹۸	سید محمود ابن آقا میرعظیم
۹۹	ملا محمد حسن (حاج آخوند جلالی)
۱۰۱	سید محمد واعظ (وهاج)
۱۰۲	آخوند ملا محمد علی حکیم ایمانی
۱۰۳	آخوند ملا علی اسراری

-
- | | |
|-----|--------------------------------|
| ۱۰۳ | ملاً حسن مقدّس |
| ۱۰۴ | ملاً حسین |
| ۱۰۵ | آخوند ملاً حسن |
| ۱۰۵ | آخوند ملاً محمّد اسماعیل قاضی |
| ۱۰۶ | آخوند ملاً صادق سمیعی |
| ۱۰۸ | آقا میرزا یوسف صدری |
| ۱۰۹ | شیخ محمّد مهدی فاضل |
| ۱۱۰ | آقا سیّد جمال الدّین محمودی |
| ۱۱۲ | حاج میرزا آقا واعظ زاده برهانی |
| ۱۱۳ | آقا میرزا محمّد مهدی علوی |
| ۱۱۴ | محمّد حسین شفیع - صدرالمشایخ |
| ۱۱۵ | شیخ جواد بن شیخ حسین |
| ۱۱۶ | میرزا رضا ملقب به نظام الشریعه |
| ۱۱۷ | آقا صدرا عظیمی |
| ۱۱۹ | شیخ ابوالقاسم معلّی |
| ۱۱۹ | شیخ میرزا احمد (مهدویان) |
| ۱۲۰ | آقا میرزا آقا |
| ۱۲۱ | محمّد حسن نجفی زاده |
| ۱۲۱ | سیّد محمّد باقر ابهری |
| ۱۲۲ | سیّد میرزا محمّد باقر مهدوی |
| ۱۲۲ | حاج میرزا یوسف مدرسی |
| ۱۲۳ | سیّد کمال الدّین نبوی |

۱۲۴	میرزا یوسف حمیدی
۱۲۴	محمّد باقر طبیب
۱۲۵	میرزا ابوالقاسم طبیب
۱۲۶	میرزا محمّد باقر (طبیب)
۱۲۷	آقا میرزا محمّد علی
۱۲۷	دکتر احمد حکیم باشی
۱۲۸	آقا میرزا ابوالقاسم علوی
۱۲۸	سایر بزرگان مدفون در قبرستان شرقی
۱۳۲	قبرستان پاقلعه (قبرستان غربی خوانسار)
۱۳۲	آقاسید محمود موسوی (میراشرفی)
۱۳۳	آقا میرزا محمود ابن الرضا
۱۳۵	آقا میرزا رضا ابن الرضا
۱۳۵	آخوند ملا محمّد صادق شاکریان
۱۳۶	آخوند ملا محمّد حسن شاکریان
۱۳۷	حاج شیخ محمّد صادق شاکریان
۱۳۸	آخوند ملا حسن - کامران
۱۳۹	آخوند ملا اسماعیل کامران
۱۳۹	آخوند ملا علی شجاع الذاکرین
۱۴۰	سید هاشم غضنفری
۱۴۰	سید محمّد تقی غضنفری
۱۴۱	محمّد شیخ الاسلام
۱۴۳	ملا محمّد حسن جناب

-
- | | |
|-----|-------------------------------------|
| ۱۴۴ | محمد جواد افسر |
| ۱۴۵ | محمد رضا رفعتی (خاضع) |
| ۱۴۷ | سایر بزرگان مدفون در قبرستان پاقلعه |
| ۱۵۳ | بزرگان مدفون در مساجد |
| ۱۵۳ | مسجد جامع |
| ۱۵۳ | آقا صانع |
| ۱۵۴ | صادق خان |
| ۱۵۴ | محمد صادق (مطرب) |
| ۱۵۵ | میرزا کاظم طبیب (افلاطون) |
| ۱۵۷ | مسجد آقا میر عظیم |
| ۱۵۷ | آقا میر ابوالقاسم مجاب |
| ۱۵۸ | آقا سید علی مجتهد |
| ۱۵۹ | حاج سید حسین علوی |
| ۱۶۱ | مسجد سنگ شیر |
| ۱۶۱ | سید علی اکبر مجتهد |
| ۱۶۳ | سید مصطفی سجادی |
| ۱۶۳ | مسجد جامع خم پیچ |
| ۱۶۴ | شیخ محمد تقی (صدر اراکی) |
| ۱۶۵ | مقابر سایر بزرگان |
| ۱۶۵ | شیخ زین الدین ابن عین علی خوانسار |
| ۱۶۷ | بقعه بابا ترک |
| ۱۶۸ | حسینیه دوراه |

۱۶۸	میرزایحیی خان معتمد
۱۶۹	سید عبدالغفار
۱۷۰	سید تاج الدین حسن (صحابی)
۱۷۱	ملاً حیدر ابن محمد
۱۷۲	آخوند ملاً عبدالمبین
۱۷۲	قبرستان مجاور گلستان شهدا (قبرستان غریب)
۱۷۴	محلہ پایتخت
۱۷۴	سید احمد صفایی خوانساری
۱۷۶	آخوند ملاً علی اکبر حاج شریفی
۱۷۸	بقعه پیر (شیخ اباعدنان)
۱۷۸	محمد حسن فاضلی
۱۷۹	گلزار شهدای سنگ شیر
۱۸۱	آخوند ملاً محمد بیدهندی خوانساری
۱۸۲	امامزاده سید صالح قصیر (ع)
۱۸۴	بابا سلطان
۱۸۴	پیر جلال الدین سلطان خوانسار
۱۸۶	قودجان
۱۸۶	سید ابوالقاسم جعفر بن حسین
۱۸۷	حاج آقا حسین روحانی
۱۸۸	نکته ای در خور توجه
۱۹۱	ماخذ
۱۹۴	ضمایم

پیش گفتار ناشر

انتشارات ارمغان قلم مفتخر است که اولین اثر منتشره خویش را در زمینه شهر زیبا و کهن خوانسار تقدیم علاقمندان نماید. امید است ان شاء الله از طریق چاپ و نشر این اثر تا حدودی غنای فرهنگی گذشتگان را یاد آور، تا هم نسل کنونی نسبت به گذشته خود شناخت بیشتری کسب نموده و هم نسلهای آینده با مطالعه این اثر اطلاعات ارزنده‌ای بدست آورند.

انتشارات ارمغان قلم ضمن اعلام آمادگی جهت نشر هرگونه اثری از مؤلفان مترجمان و نویسندگان، از ناشرین محترم انتظار دارد با مساعدت خود موجب رونق این حرکت فرهنگی گردیده و همچنانکه خوانساریها در کشور بعنوان مردمی فرهنگ دوست مطرح بوده، نه تنها گذشته پربار خود را تداوم دهیم بلکه گامهای استوارتری در این زمینه برداریم که تأسیس مؤسسه انتشاراتی در مجاورت چاپخانه نور با سابقه‌ای در حدود ۴۰ سال بعنوان دومین مؤسسه در شهرستانهای استان خود می‌تواند گامی در این راه باشد.

لازم می‌دانیم از تلاشهای نویسنده و مؤلف این اثر نیز یادی داشته باشیم که تاکنون با آثار ارزشمند خود نه تنها همشهریان خوانساری را به موطن و شهر خود بیشتر آشنا نموده، بلکه شهرهای مجاور نیز از تلاش ایشان بی بهره نبوده‌اند. در پایان از همه عزیزانیکه مشوق ما بودند کمال تشکر و سپاسگزاری را داریم و امید آن که با رهنمودهای خود ما را در این راه همچون گذشته یاری نمایند.

خوانسار - انتشارات ارمغان قلم

مقدمه

برگزاری کنگره بزرگداشت علامه آقا حسین و آقا جمال خوانساری - رحمه الله علیهما - فرصتی را فراهم نمود تا مطالعات انجام شده در خصوص خوانسار را تنظیم و بخشی از آن را تحت عنوان جغرافیای خوانسار - جلد دوم - تقدیم علاقمندان نموده و برخی دیگر را در قالب مقالاتی چند ارائه نمایم. از بهمن ماه ۱۳۶۶ که نگارنده اولین اثر خویش را در زمینه خوانسار منتشر نمود^۱ تاکنون تلاش وسیعی را در جهت انجام تحقیقات و مطالعات در زمینه‌های مختلف خوانسار انجام داده و امید است ان شاء الله با تکمیل سایر مطالعات مجلدات دیگری در این خصوص را تقدیم علاقمندان نمایم. کتاب حاضر در دو بخش تهیه و تنظیم گردیده است، بخش اول شامل مجموعه مقالاتی در زمینه خوانسار می‌باشد، بخش دوم کتاب شامل تذکرة القبور خوانسار است و در پایان ملحقات بخش اول و دوم ارائه گردیده است. در جهت تکمیل برخی از مطالعات نگارنده بارها مجبور به مراجعه به قبرستانهای متروکه واقع در داخل شهر گشته و در پی این امر به عینه دریافتیم که: قبرستانهای هر شهر و دیاری درواقع یکی از منابع موثق تدوین تاریخ و فرهنگ

۱ - اطلاعات هفتگی، مورخه ۱۲ بهمن ۱۳۶۶ فرهنگ مردم، نغمه خوانساری

هر جامعه بشمار می‌روند و بسیاری از نکات مبهم تاریخ و فرهنگ جامعه را با مطالعه الواح قبور موجود در قبرستانها می‌توان دریافت. از آنجایی که بسیاری از بزرگان، علماء، صلحاء و اتقیاء، شعرا و خوشنویسان و خیرینی که برگهای متعددی از تاریخ را به خود اختصاص داده‌اند در قبرستانهای کهن شهر در جوار رحمت حق آرمیده‌اند، و به واسطه قداست و ارزش معنوی، تاریخی و ادبی چنین قبرستانهایی از جمله کارهای جنبی برگزاری کنگره بزرگداشت علامه خوانساری بازسازی و احیاء قبور بزرگان مدفون در خوانسار بوده است که مقدمات انجام این امر فراهم و امید است با همت و تلاش همگانی جامه عمل پوشد. در این خصوص تدوین **تذکره القبور** گامی است هر چند کوچک در جهت ارج نهادن به مقام شامخ این بزرگان. در این رابطه تذکر چند نکته لازم است:

۱- ممکن است در این مجموعه نام برخی از بزرگان سهواً فراموش گشته و یا آنگونه که بایسته است از مقام شامخ آنان سخن نرفته است و یا احتمالاً برخی را بیش از آنچه لایق او بوده ستوده باشم در این موارد قطعاً هیچگونه قصد و غرضی نبوده و مطمئناً این امر سهوی است.

۲- قبور بسیاری از بزرگان و مشاهیر فاقد سنگ نوشته بوده و برخی از وابستگان آنان در دسترس نبوده و در برخی از موارد نیز وابستگان آنان نیز از بزرگان خویش بی اطلاع و غافل بوده‌اند؟! در اینگونه موارد به ذکر نام آنان اکتفا گردیده است و امید است در مطالعات بعدی کامل گردد.

۳- در بازدیدهای متعدد از قبرستانها بویژه قبرستان شرقی شهر به قبوری برخورد نمودم که با وجود داشتن سنگ نوشته تنها به ذکر نام مدفون اکتفا گشته و

در الواح جملات :

ناد علیاً مظهر العجائب تجده عوناً لك فی النوائب
کل هم و غم سینجلی بعظمتک یا الله بنیوتک یا محمد و بولایتک یا علی یا علی
و الحسن و الحسین و السجّاد و الباقر و الصادق و الکاظم و الرضاء و التقی
و النقی و العسکری و المهدی.

و یا: «ولاية علی ابن ابیطالب حصنی فمن دخل حصنی آمن من عذابی» آمده است.
اغلب این قبور مربوط به قرن دهم و یازدهم هجری و دارای سنگ‌های بسیار
قطوری است. در برخی از موارد نیز قبور فاقد نام و نشان بوده و به ذکر چند بیت شعر
اکتفا گردیده است. نمونه‌ای از اشعاری که در قبرستان مجاور گلستان شهداء محله
سنگ شیر بدون ذکر نام و نشان نقش بسته بود چنین است:

در جهان از سیل اشکم خانه‌ای آباد نیست

شمع امید مرا پروانه‌ای جز باد نیست

لاله را نازم که با داغ تو می‌روید ز خاک

خاک بر سر باد عشقی را که مادر زاد نیست

متأسفانه قبور برخی از بزرگان در اقدامات عمرانی شهرداری از بین رفته و
اثری از آنان باقی نمانده است و این عملی است ناپسند و حفظ قبور بزرگان امری
است لازم و بر مسلمین است تا آثار بزرگان و صلحاء خویش را به نابودی نکشند.

لازم به ذکر است که در برخی موارد به سبب تشابهات اسمی و تمیز نام بزرگان
ناچار ذکر نام خانواده‌های وابسته به آنها صورت گرفته است و از سویی دیگر اغلب
نسل جوان نسبت به بزرگان خویش ناآگاهند ذکر نام خانواده‌های وابسته به بزرگان

موجبات توجه به این بزرگان را فراهم نموده و در نهایت امکان احیاء آثار این
مفاخر را فراهم خواهد نمود ان شاء الله .

خوانسار - حمیدرضا میرمحمدی

شهریور ۱۳۷۸

بخش اول

مجموعه مقالات

بقعه پیر

و موقوفات آن

در شهر زیبا و کهن خوانسار سه بقعه متبرکه به نامهای بقعه پیر (شیخ اباعدنان) بقعه پیر جلال الدین سلطان و بقعه بابا ترک موجود است. بقاع متبرکه فوق در کنار امامزاده‌هایی همچون امامزاده احمد علیه السلام، امامزاده سید صالح قصیر علیه السلام و امامزاده حلیمه و نرگس علیهما السلام و... از جمله مراکز زیارتی شهر خوانسار و اطراف و اکناف آن بشمار می‌رود. بقعه پیر خوانسار که به نامهای بقعه شیخ اباعدنان و بقعه بابا پیر نیز شهرت دارد از جمله آثار تاریخی سرزمین کهن خوانسار است که در ضلع جنوب غربی شهر واقع است. این بقعه در اوایل سلطنت صفویه بنا به امر پادشاه وقت ساخته شده است. بقعه فوق دارای گنبدی دوپوش و نمای خارجی منشوری است که دارای قاعده دوازده ضلع است. (دوازده ضلع نشانه‌ای از دوازده امام و دوازده ترک **TARK** کلاه صفویه بوده است.)

صاحب بقعه یکی از عرفای قرن هفتم هجری است. اطلاعات موجود در ارتباط با صاحب بقعه بسیار اندک است. در صندوق چوبی بقعه به سال ۹۵۴ نقر شده چاکر و بنده ائمه دین شیعه پاک صدر دین حسین و در طرف دیگر نوشته شده مشایخ العظام الکرام شیخ نظام الدین حیدر و شیخ شرف الدین هدایت اله و شیخ فتوحا الدین عبدالفتاح و شیخ

کمال‌الدین عارف و شیخ اباعدنان و شیخ شمس‌الدین محمد و شیخ زین‌الدین علی و شیخ تاج‌الدین حسن خدام هذه البقعة المتبرکه^۱

صندوق فوق در حدود دهه ۱۳۳۰ که بقعه پیردچار خسارت و ظاهرأ در یک مرحله در اثر روشن نمودن شمع دچار آتش سوزی گردیده بود به بقعه بابا‌ترک واقع در ضلع شرقی شهر منتقل گردیده بود. در سالهای اخیر پس از نوسازی و انجام تعمیرات لازم بقعه پیر با هدف انتقال به مکان اولیه (بقعه پیر) از بقعه بابا‌ترک خارج و در یکی از اتاقهای کتابخانه آیه‌الله فاضل خوانساری قرارگرفت.

بقعه پیر به نام بابا پیر و بقعه شیخ اباعدنان نیز نامیده می‌شود بدین سبب که شیخ اباعدنان نیز در بقعه مدفون و بیشتر موقوفات بقعه به نام او و به خاطر او وقف شده است. در سال ۱۲۵۵ قمری دو نفر از فرزندان شیخ اباعدنان به نام شیخ علی و شیخ صادق به مرمت بقعه اقدام نمودند. محمد صادق خوانساری^۲ از شعرای قرن سیزدهم متخلص به «مطرب» قطعه‌ای را برای تعمیر این بقعه به نظم آورده است بخشی از قطعه فوق قبل از انجام تعمیرات بر سر در ورودی بقعه نقش بسته بود. اییاتی از این قطعه چنین است:

حبذالبقعه‌ای که ایوانش	سایه افکننده بر سر کیوان
مشعل افروز روضه‌اش خورشید	جبهه سای درش مه تابان

۱- جغرافیای خوانسار، جلد اول، ص ۹۰

۲- مرحوم محمد صادق متخلص به مطرب دارای طبعی روان و قریحه سرشاری بوده است و در سال ۱۲۵۶ ق به سرای جاودان شتافته و در گوشه مسجد جامع مدفون است.

مهبط رحمت است این منظر	قبله حاجت است این ایوان
چشمه هایش نمونه کوثر ^۳	نهرهایش نشانه عمان
بود این بقعه بهشت آیین	مدفن پاک شیخ اباعدنان
ساعی آمد برای تعمیرش	شیخ صادق ملاذ اهل زمان
متفق با جناب شیخ علی	هر دو از نسل شیخ خلد مکان
از شرافت ملایک ملکوت	بر درش سر نهاده جاویدان
گفت مطرب زبهر تاریخش	«مژده این بابی از ریاض جنان» ^۴

۱۲۵۵

بقعه پیر در اثر گذشت زمان و بی توجهی برخی از متولیان چندین بار از آغاز تا اکنون دچار خسارت و مجدداً نوسازی گردیده است. در سالهای اخیر نیز پس از تعیین هیأت امناء و متولی اقدام به انجام تعمیر و مرمت به نحوی مطلوب توسط مرحوم حاج محمدحسن فاضلی (مدفون در بقعه پیر) صورت پذیرفت و در پی آن اطلاعیه‌ای درخصوص صاحب بقعه منتشر گردید. نگارنده نقدی بر اطلاعیه فوق را در مجله خدیو خرد شهریور و مهرماه ۱۳۷۸ منعکس نموده است.

از جمله موقوفات بقعه فوق باغستان سرچشمه خوانسار است که اکنون موسوم به

۳- در اطراف بقعه واقع در پارک سرچشمه خوانسار چشمه‌های متعددی جاری است از جمله چشمه آبی که موسوم به چشمه پیر است و از زیر بقعه پیر جریان می‌یابد و بخش عمده‌ای از آب کشاورزی شهر خوانسار را تأمین می‌نماید.

۴- جغرافیای خوانسار، جلد اول، ص ۹۱

پارک سرچشمه در آن واقع و در اختیار شهرداری است و متأسفانه عایدات آن بنحویکه واقف قراردادده صرف نمی‌شود. سندی در دست است که نشان می‌دهد تا تاریخ ۱۳۱۱ ه‍.ق یعنی حدود یکصد و ده سال قبل موقوفات بقعه به مصرف واقعی می‌رسیده و درختستان سرچشمه از جمله موقوفات بقعه بوده این سند اجاره نامه‌ای است که در سنه ۱۳۱۱ تنظیم و باغستان سرچشمه به مدت پنجاه سال در اختیار متولی وقت یعنی مرحوم **ثقة الاسلام والمسلمین حاج میرزا ابوالقاسم** (ره) قرار گرفته تا ضمن احیاء باغستان سرچشمه مخارج بقعه از این طریق تأمین گردد.

متن وقفنامه بقعه پیر خوانسار

المقرر آنکه جناب معدلت پناه امارت مآب آمراعظم اکرم اعدل ملک الامراء الزمان، خاقان الاوان اکمل و اعدل دوران مشید معاقه الدولة مّمّحد قواعد الملّه...^۵ المطوطه بصائر... الدولة الامیر ظهیر الحق و الدولة آقای ابراهیم شاه امیرالاعظم الاعدل اجلال الدولة... حسنتمور الطغائی خُلد ایام دولته در حال صحت نفس و کمال عقل و دین و فکر همگی باغی درختستان که مشهور است به باغ سرچشمه واقع بصحرَاء **خانیسار**^۶ بناحیه **جربادقان**^۷ و کوره^۸ **اصفهان** محل وطریق مراح وقف مزارو

۵- مواضع نقطه چین خوانده نشد.

۶- رسم الخط کلمه خوانسار در گذشته بصورت «خانسار» و «خانیسار» بوده است. یاقوت حموی در معجم البلدان - جلد دوم - چاپ بیروت آن را بصورت «خانسار» آورده و حمدالله مستوفی در نزهة القلوب تصحیح لیست راجح ص ۲۲۰ بصورت «خانیسار»، خواند میر در حبیب السیر - جلد سوم - ص ۵۱۶ به صورت «خانسار» آورده و مرحوم قزوینی در 

باغ بر محمود و شرکائه او و ورثه خواجه مرتضی و محمد ابراهیم و طریق و خانه و ممر و مدخل همگی توابع و مضافات و جوزات و غیره وقف کرد بر مزار متبرکه قطب الاولیاء و المحققین حجة الله تعالى بین الخلائق اجمعین **شیخ اباعدنان القرشی** قدس الله روحه و نَوَّرَ ضریحه تا محصولات آن را به موجب شرط واقف صرف کند بمایحتاج صادرین و واردین و سفره درویشان و مجاوران مزار متبرکه و تولیت آن تفویض کرده بر خدم شیخ محمد بن شیخ امامه مکرم عزالدین جمال محمد بن حامد المشهور به **پیروزاده** که بعد از او باولاد ذکور ما تناسلو و تعاقب که هر یک از خداوندان که در وقفیه معلوم کرده اند و محقق نموده اند بقلم گوهر بار خود موشح و مُحلی فرموده اند مکرراً بقلم شریف خودشان مقرر فرمایند تا خداوندان در وی از روی افتخار ملکی بر کسی اعتماد نمایند و حق در مرکز خود قرار فرمایند تا ثواب آن

❧ یادداشت‌های خود - جلد چهارم - می‌نویسد «قطعاً خوانسار حالیه اصلش «خانیسار» یعنی چشمه سار بوده است تفصیل این بحث در جغرافیای خوانسار - جلد اول - صص ۸۲ - ۷۱ آمده است.

۷- جرفادقان - مستوفی در نزهة القلوب گوید «جرفادقان از اقلیم چهارم است همای بنت بهمن کیانی ساخت و بنام خود سمره خواند که در اول همایرا سمره گفتندی دخترش آنرا تجدید عمارت کرد و گلبادگان گفت عرب معرب کرد جربادقان خواندند» نزهة القلوب، ص ۶۸ اکنون جربادقان را گلبایگان گویند.

۸- کوره، بخش و قسمتی از مملکت حره و خوره هم گفته شده (فرهنگ عمید ص ۹۹۱) ظاهراً از نظر وسعت معادل استان امروزی بکار می‌رفته است و تقسیمات کوچکتر آن ناحیه بوده است.

روزگاری به همگنان عائد گردد. فی عَشْرَ اَوَّائِلِ ذی حِجَّةِ الحرام سنه ۹۲... والصلوة
علی نبی محمد و آله^۹ (گواهان وقف)

۱- اشهدنی الواقف لامر جمیع مافیہ کتب الفقیر حامد الله...

۲- بر این موجب اقرار کردم ابراهیم طغائی

۳- هو مضمون این سواد وقف نامچه نیست جز آنکه محصول موقوفات
مزبوره را متولیان مزبوران به نحوی که واقف قرار صرف مایحتاج صادران و واردان و
سفره درویشان و مجاوران مزار مزبور گردانند و ان الاقل محمد باقر بن اکمل و وقف
باید به همان نحو که واقف قرار داده همان نحو صرف شود و غیر آن نشود و ان الاقل
محمد باقر بن اکمل^{۱۰} محل مهر

۴- تولیت موقوفات مزبوره به مقتضای این سواد حق اولاد ذکور است و غیر
اولاد ذکور هر چند اولاد اناث شیخ محمد مذکور باشند مدخلیت در این تولیت ندارند

۹- تاریخ انشاء وقف نامه متأسفانه سیاه گشته و از بین رفته است و تنها عدد ۹۲ آن با
دقت زیاد قابل تشخیص است. احتمال قریب به یقین عدد صحیح ۱۰۹۲ یا ۱۱۹۲ می باشد،
چون ابراهیم شاه مذکور در وقفنامه (برادرزاده نادرشاه) تا سال ۱۱۶۲ ق حیات داشته است.
۱۰- محمد باقر بن محمد اکمل (استاد اکمل بهبهانی - ۱۱۱۸ - ۱۲۰۶ هـ) فاضل،
امامی، محقق، متولد در اصفهان ساکن در بهبهان و کربلا متوفی در حائز. نزد سید صدرالدین
قمی و شیخ جعفر قاضی و ملا میرزا شیبانی و علامه مجلسی تلمذ نمود از آثارش: تعلیقات
علی متهج المقال و حاشیه علی مفاتیح الاحکام را می توان نام برد. رجوع کنید به: اعلام ۶ -
۲۷۳ و اعیان الشیعه ۹ - ۱۸۲ الذریعه ۴ - ۲۲۳، ریحانة الادب ۱ - ۵۱ و مکارم الآثار ۱ - ۲۲۰

اصلاً و تصرفشان نامشروع است جزماً باید به اولاد ذکور گذارند تولیت را و تصرف در آنها را و ان الاقل محمد باقر بن محمد اکمل محل مهر

۵- بسم الله... وقفنامه چه آن که متولی و ناظر وقف که اولاد ذکور پیرزاده مزبور باشند و دریافت نماید و محصولات در مصالح و مواقف اما یجب موقوف علیهم به اصل برسانند حره الاقل محمد مهدی طباطبایی^{۱۱} محل مهر

۶- نظربه عین سواد وقف نامه چه بنحویکه واقف قراردادده محصول و منافع وقف باید متولی وقت با رعایت حدود و صدور و ورود سفره درویشان برسانند نمایند کتب العبد...

۷- بسم الله این وقف اولاد ذکور دون اناث موروثی نیست والله يعلم کتب الاقل محمد مهدی فتونی محل مهر يوم الثالث عشر من شهر الشعبان ۱۲۲۲
بسمه تعالی

۸- اصل این ورقه که مشتمل بر خطوط شریفه و خاتم شریفه حضرات آیات الله العظام استاد اکمل بهبهانی و سید بحر العلوم و شیخ مهدی فتونی رضوان الله تعالی علیهم می باشد معتبر است من الاحقر (صفایی) خوانساری^{۱۲} محل مهر مصطفی الحسینی

۱۱- محمد مهدی بن مرتضی (۱۱۵۵ - ۱۲۱۲ هـ) علامه سید مهدی طباطبایی معروف به سید بحر العلوم اعلی الله مقامه فقیه امامی، عالم، اصلاً بروجردی، متولد و متوفی در نجف نزد آقای بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و سید حسین قزوینی کسب علم نمود از آثارش: الدرّة المنظوم و تحفة العابدین را می توان نام برد. رجوع کنید به: الاعلام ۷ - ۳۳۴، اعیان الشیعه ۱۰ - ۱۵۶، الذریعه ۱ - ۲۶۹....

۱۲- آیه الله سید مصطفی فرزند آیه الله سید احمد صفائی خوانساری از شاگردان

بسمه تعالی

۹- با تأیید حضرت آیة الله صفائی که آشنا به خطوط قدیمه هستند این وقفنامه معتبر است.

سید مهدی غضنفری امام جمعه خوانسار محل مهر محل مهر
متن سندی که در سنه ۱۳۱۱ هـ ق تنظیم و به موجب آن به مدت پنجاه سال مرحوم
حاج میرزا ابوالقاسم متولی موقوفه بقعه شیخ ابا عدنان گردیده است بدین شرح
است:

هو

غرض از تحریر این ورقه انیقه^{۱۳} آن که چون یک قطعه زمین واقع در سرچشمه
خوانسار سمت پایین حوض مدعیه (نهر) بکرکخان که دو طرف آن زمین ابتدا دو نهر
کرکخان و کرچ است و دو طرف دیگر آن مرز آب نهر بین موقوفین مزبورین است.
زمین مزبور را متولیان و مدعیان تولیت بقعه مبارکه متبرکه شیخ اباعدنان علیه
رحمة الله الملك المنان مالک و متصرف گردیده بعنوان آنکه آب بقعه مبارکه مرقومه و
از ملحقات بقعه مرقومه می دانسته چنانچه بنظر خبرت و بصیرت چنین می نماید بهر

معروف مرحوم آیة الله حائری یزدی و از اطرافیان و مشاوران مرحوم آیة الله بروجردی
بوده و در سال ۱۴۱۳ بدرود حیات گفت و در مسجد بالا سر حرم مطهر حضرت معصومه
سلام الله علیها به خاک سپرده شد. رجوع کنید به مقدمه کتاب فهرست هزار و پانصد نسخه
خطی، آیة الله رضا استادی

۱۳- انیقه - بارزش

حال در این وقت حاضر شد بالطوع و رقبه جناب مستطاب فخرالحاج والمشایخ حاج شیخ محمد صالح المنتسب بالحفاده الی الشیخ اباعدنان المذكور و مصالحه صحیحه شرعیه کرده در حق جناب مستطاب سلالة السادات الاستجاب خیرالناسکین و المعتمرین حاج میرزا ابوالقاسم نجل مرحوم مغفور السید السعید الصالح السید هاشم حسبه الله تبارک و تعالی ملاحظه للصرفه والغبطه للبقعة المتبركة المرقومة همگی و تمامی نصف منافع زمین مزبور را از حال تحریر الا پنجاه سال تمام شمسی دیگر هرنوع منفعت و مداخل که فرض شود بمال الصلح مبلغ یکصد دینار فلوس رایج ایرانی و پنجاه درم^{۱۴} گندم صاف و پاک و قبول این مصالحه نمود جناب حاجی میرزا ابوالقاسم معزی الیه حسبه الله ذنوبه الی الله و بملاحظه صرفه و غبطه از برای مسجد واقع در محل سرچشمه مرقومه سمت پایین بقعه مبارکه مشروط به آنکه آنچه لازم دارد زمین مرقومه از غرس نهال چه از بید و غیره و غیر غرس نهال از سایر توجّهات از بستن سنگ بند و ریختن خاک و غیرها آنچه وارد آید در مدت مزبوره عهده جناب حاجی میرزا ابوالقاسم معزی الیه نموده باشد و آنچه عاید می شود از زمین مزبوره هر نوع فواید که باشد بالسویه تقسیم نمایند و بعد از تقریظ صرف مایحتاج موقوفه خود سازد و صحیحه شرعیه علی النحو المسطور فی الورقه جاری و شرایط صحت بتحقیق گردید. پس گردید نصف منافع زمین مزبور در مدت مزبور پنجاه سال موصوف ملک مسجد مزبور و نصف دیگر آن حق بقعه مبارکه مرقومه و بر

۱۴- درم - واحد وزن معادل شش دانگ (هردانگ معادل دو قیراط). فرهنگ

متولیان مشارالیهما و من بعد هما است آنکه منافع مرقومه را صرف موقوفین مرقومین نمایند بهر نوع که صلاح دانند بحسب ازمه و اوقات و بذلک کُلّه و فی الاشتهاد و ذلک التحریر الشهر الله الاصح رجب المرجب مطابق سنه ۱۵۱۳۱۱ یکهزار و سیصد و یازده من الهجرة.

مقرر آن که مخارج غرس نهال آنچه وارد آید در هر زمان به عهده هر دو نفر متولین معزّی الیهماست بالمناصفه و کذلک بعید هذا الزمان ان کان کذلک و ذلک فی التاريخ - مهر الراجی ابوالقاسم بن محمد هاشم رضوی
 لاریب من وقوع المرقوم مهر محمد محسن بن محمد باقر رضوی
 وقعها رقم فی المتن الحاشیه لدی الاحقر و صرفها مهر حسن بن اسماعیل رضوی
 لا خلاف فی وقوع ما زبر و سطر فی المتین و الهامش
 مهر علی بن ابوالقاسم الرضوی
 وقع لا شتراک لدی الاحقر و حرّه اقل السادات مهر محمد بن هاشم رضوی
 هو فی اشتراک مخارج فیه لدی ذمه - العبد - مهر حسین بن هاشم رضوی
 بسمه تعالی

هویت و شخصیت مهرهای هامش ورقه را که آنها را دیده بودم و از سادات رضوی سرچشمه خوانسار بودند می شناسم. حسین علوی مهر حسین العلوی

بسمه تعالی

امهار در ظهر ورقه چهار نفر آنها را می شناسم جناب ثقة الاسلام والمسلمین
مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم (ره) جد امی احقر بودند و مرحوم ثقة الاسلام آقای
آسید حسین اخوی ایشان بودند و مرحوم ثقة الاسلام آقای سید محسن از بنی اعمام
ایشان بودند و مرحوم حجة الاسلام آقای آ میرزا سید علی آقایی بودند و اهالی
خوانسار آقایان نامبرده را از هر جهت مورد اعتماد می دانستند بلکه مستجاب الدعوه
می دانستند من الاحقر خوانساری

مهر مصطفی الحسینی

مسجد آقا اسدالله و موقوفات آن

مسجد آقا اسدالله مجاور میدان مرکزی شهر خوانسار واقع شده، این مسجد در سال ۱۲۵۸ قمری توسط مرحوم اسدالله خان رحمة الله علیه بنیاد نهاده شد و قسمت دیگری از آن پس از ده سال به کوشش فرزندش محمدباقر خان ساخته شده و بخش دیگر آن توسط احمد خان نوه آقا اسدالله تکمیل گردیده است. اسدالله خان یکی از بزرگان خوانسار بوده است به علت کسب قدرت در منطقه و هراس فتحعلیشاه قاجار از وی به دستور مستقیم شاه از دو چشم نابینا گردیده است. آورده‌اند که فتحعلیشاه با ارسال یک جلد کلام الله مجید برای اسدالله خان و نوشتن این بیت شعر در ابتدای کلام الله که «به قرآن مجید کارت ندارم» به وی امان داده و از وی درخواست ملاقات حضوری بدون همراهی سواره نظام را نموده بود. در پایان کلام الله این بیت را آورده بود که «به کیزد آرم و چشم در آرم» اسدالله خان که از این حربه غافل بود بادر یافت کلام الله از فرستادگان شاه راهی ملاقات به منطقه کیز (قهیز) گشته و سرانجام وی را از دو چشم نابینا ساختند. این ملاقات به احتمال قوی در فریدن صورت گرفته و کیز به حدود آبادی «دامنه» فعلی واقع در شهرستان فریدن اطلاق می‌گردد^۱.

۱- میرمحمدی حمیدرضا، جغرافیای خوانسار، جلد اول، ص ۹۷

هر چند صحیح‌تر آن است که در واقع ملاقاتی صورت نگرفته است و اهداف عمال دولتی قبل از ملاقات برآورده گردیده است. برخی نیز معتقدند که بر سر در مسجد به پاس قدرشناسی از آقااسدالله این بیت شعر آورده شده بود:

اسدالله خان شهریار عجم مسجدی ساخته چون خلد ارم
ظل السلطان حاکم اصفهان از عنوان شهریار عجمی ایشان آشفته گردیده و لذا امر به درآمدن چشمان آقااسدالله می‌نماید. مداح از شعرای قرن دوازدهم خوانسار قطعه‌ای در این باب ساخته است که یک بیتش این است:

بگرد کاسه چشمش فلک به خط غبار نوشته فاعتبروا منه یا اولی الابصار
وی همچنین قصیده‌ای در مورد بنای مسجد سروده است که ابیاتی از آن چنین است:
قمر خدو، بنی جدو، علی قد موسوی آباء

ضیاءالحق، جمال الدین پی ترویج دین آمد
بنای یک بنایی از دو بانی گشت مستحکم^۲
که از بنای قدرت بهر طرحش آفرین آمد
طواف کعبه گر خواهی مکش رنج بیابان را
که از بهر طوف بیت الله ما روح الامین آمد
بگو مداح تاریخش بعهد ناصرالدین شه

«ز محراب دو ابروی مه منبر نشین آمد»^۳

۲- اشاره به بنای مسجد توسط مرحوم آقااسدالله و مرحوم محمدباقرخان

۳- پیشین، ص ۹۸

مسجد آقا اسدالله در سنه ۱۳۷۴ قمری برابر با ۱۳۳۴ شمسی در مسیر خیابان واقع و تقریباً نصف آن بطور مثلث از بین رفته و نصف دیگر آن پس از یک سال در اثر سیل عظیم مردادماه ۱۳۳۵ خراب، در نتیجه بکلی منهدم گردید. لذا در تاریخ ۱۳۳۶ شمسی به سعی و اهتمام جمعی از مؤمنین خیراندیش و نیکوکار تجدید بنا گردیده است.

مرحوم محمدجواد ولایی متخلص به افسر از شعرای قرن اخیر خوانسار^۴ در سال ۱۳۳۴ در جریان تخریب مسجد آقا اسدالله جهت احداث خیابان و تصاحب حسینیه موسوم به «دوره» از سوی عمال دولتی جهت ایجاد مدرسه چکامه‌ای سروده است که ابیاتی از آن چنین است:

دو دیده همچو مهر و ماه پرنور	در این خوانسار ما هر دو شدند کور
حسینیه مه و مسجد چو خورشید	مهرش تابنده مهرش می درخشید
مهرش سفیانیان ویرانه کردند	ز مولا خویش را بیگانه کردند
فتادی مهر چشمانش چو بر خاک ^۵	ملک گفت ای تفو بر ذات ناپاک

۴- مرحوم محمدجواد ولایی متخلص به افسر از شعراء معاصر خوانسار در سال ۱۲۷۰ متولد و مدار زندگانی وی بر نویسندگی لوایح و اسناد گذشته و تقریباً تمامی اشعار سروده شده وی در بیان مداخله ائمه اطهار و مراثی ایشان بوده است مجموعه اشعار ایشان را بالغ بر یکصد و بیست هزار بیت قلمداد کرده‌اند مرحوم افسر در سال ۱۳۴۷ دار فانی را وداع و به سوی معبود شتافت. رحمه الله علیه

۵- اشاره به گلدسته‌های مسجد آقا اسدالله که تخریب گردیده بود.

خیابانی که از مسجد گذر کرد	به ما چون بوم اعلام خطر کرد
که‌ای اصحاب فیل آید ابابیل	که در منقار دارند بمب سجیل
دو چشمان را چو از کف داده باشید	دگر خوانساریان آماده باشید
شود ابر غضب بر ما بلا بار	گلستانت شود خوانسار پر خار
تمام آب تو آتش فروزد	تر و خشکت همه با هم بسوزد
دگر ای خو برو خوانسار، زشتی	به باطن دوزخ و ظاهر بهشتی
بدل شد روح و ریحانت به گلخن	نشستی بوم ناپاکت به گلشن ...
زبامت مرغ غیرت کرد پرواز	در بی غیرتی کن بعد از این باز...
نگوید کس که دارالمؤمنینی	از این پس دار قوم الفاسقینی
سرت بادا سلامت مرد نامت	ز تو رفتی دگر مرغ سلامت
چه شد خوانسار برگردید بخت	چرا شد واژگونه بخت و تخت
به است دیگر نخواند کس بهشت	بدوزخ کن مبدل نام زشت
دعا کن افسرا بر بی نوایان	بدرگاه خدا همچون گدایان
خداوندا بحق آل اطهار	تو ما از این حوادثها نگهدار ^۶

چکامه فوق در سال ۱۳۳۴ سروده شده است همچنانکه مرحوم افسر عنوان نموده بود تخریب مسجد موجب نزول عذاب الهی گردید و ابر غضب بر خوانسار بلا بارید و در مردادماه ۱۳۳۵ یعنی یک سال بعد سیلی عظیم در خوانسار جاری و ربی از شهر را به ویرانه‌ای تبدیل نمود چنانکه خود (افسر) در مثنوی مشتمل بر چهل و

یک بیت شرح سیل فوق را به نظم آورده است.^۷

همچنین در سال ۱۳۳۷ که بخشی از مسجد پس از سیل ۱۳۳۵ بازسازی گردیده بود مرحوم افسر قطعه‌ای سروده بود که بر سر در ورودی مسجد نقش بسته بود. بدین قرار: مسجد که در او ز نور حق آثاری است در دیده حق بین ز عمل انوار است این بیت که هست همچو بیت المعمور معمار بنایش حسن معماری است^۸ جواد افسر خوانساری ۱۳۳۷

مرحوم محمدتقی خان حکیم در گنج دانش در بیان مساجد خوانسار تنها ذکری از این مسجد به میان آورده است و گوید: «از میان مساجد (خوانسار) مسجد آقااسدالله نامی که مسجد خوبی است و دایم آب روان می‌گذرد»^۹ و این در حالی است که مسجد جامع خوانسار از جهت وسعت و قدمت سابقه‌ای بیش از مسجد آقااسدالله داشته است اما واقع شدن مسجد آقااسدالله در مجاورت میدان مرکزی شهر اهمیت ویژه‌ای را بدان بخشیده است.

نکته‌ای که ذکر آن ضروری است اینکه مرحوم محمدحسن فاضلی در مقدمه

۷- مثنوی فوق تحت عنوان خوانسار سیل زده در سال ۱۳۳۵ در چاپخانه فروردین

ازاک چاپ و منتشر گردیده است.

۸- اشعار فوق تا سالهای اخیر قبل از تخریب مسجد جهت نوسازی بر سر در ورودی

مسجد نقش بسته بود.

۹- حکیم محمدتقی خان، گنج دانش، جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، انتشارات

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله فاضلی خوانساری اشتباهاً محمدباقر خان فرزند آقا اسدالله را که بخشی از مسجد نیز به اهتمام او تکمیل گردیده است را جد پدری خود محسوب و لذا موقوفات و اقدامات ایشان را از فعالیت‌های خیرخواهانه پدر خود انگاشته است.^{۱۰} این در صورتی است که در اسناد خطی موقوفات مسجد آقا اسدالله، محمد باقر خان فرزند اسدالله خان عنوان گردیده و محمدباقر جد پدری مرحوم فاضلی فرزند حاج ملک بوده است بنا براین هیچگونه ارتباطی بین این دو وجود ندارد. مسجد فوق دارای موقوفات بسیار بوده است که قسمت عمده آن در اثر سوء استفاده برخی از اشخاص فروخته شده و از بین رفته است. لازم به ذکر است که بخش اعظم موقوفات مسجد مربوط به زمان محمدباقر خان می‌باشد. در سیل مرداد ماه ۱۳۶۶ مسجد آقااسدالله دچار آب گرفتگی شد و اخیراً به سبب آنکه در حریم رودخانه قرار گرفته و احتمال تخریب مجدد آن بر اثر سیل وجود داشت بطور کلی تخریب و اقدام به بازسازی آن با طرح و نقشه‌ای نوین گردیده است.

در این میان متأسفانه سنگ نوشته موقوفات آن که تنها اثری است که موقوفات مسجد بر آن حک شده است به علت عدم دقت در هنگام تخریب شکسته شده و لذا به جهت آنکه موقوفات حفظ گردد عین رونوشت سنگ که نگارنده در سال ۱۳۶۷ موفق به نگارش آن گردیده است را در پی می‌آوریم.

بسم الله الرحمن الرحيم. بر ارباب بصیرت و اهل تحقیق مخفی نماند که مسجد مرحوم آقااسدالله رحمة الله تعالى علیه که در سال ۱۲۵۸ یک قسم آن به

۱۰- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله فاضل خوانساری، دفتر اول، ص ۱۶

اهتمام آقااسدالله و قسمت دیگر آن پس از ده سال به کوشش فرزندش مرحوم محمدباقر خان ساخته شده بود و در سنه ۱۳۷۴ قمری برابر ۱۳۳۴ شمسی در مسیر خیابان واقع و تقریباً نصف آن بطور مثلث از بین رفت و نصف دیگر آن پس از یک سال در اثر سیل عظیم خراب و در نتیجه به کلی منهدم گردید لذا در تاریخ ۱۳۳۶ ش و ۱۳۷۶ قمری بسعی و اهتمام جمعی از مؤمنین خیر اندیش و نیکوکار به مهندسی آقای لرزاده^{۱۱} تجدید بنا شد و به این صورت فعلی درآمد و ناگفته نماند که مسجد مزبور دارای موقوفاتی بوده که قسمت عمده آن در اثر سوء استفاده بعضی از اشخاص فروخته و از بین رفته و فعلاً فقط ۹ قلم آن بدین تفضیل باقی است:

۱- همگی و تمامی یک قطعه زمین پلاک شماره ۲۷۵ که تقریباً چهار جریب و در آخر نهر افیونچه جنب زمین حسینیّه واقع است.

۲- تعداد ۹ اصله درخت گردو و پلاک ش - مغروسه در کنار نهر زراغوش فوق زمینهای جوادی معروف بدور حاج صانع

۳- یک اصله درخت گردو و پلاک ش - مغروسه در کنار نهر کولان روبروی شهرداری فعلی^{۱۲}

۴- همگی و تمامی سه دانگ و نیم مشاع از آسیای پلاک ش ۱۶۴۶ معروف به

۱۱- طراحی و معماری بسیاری از مساجد کشور را مرحوم حسین لرزاده بعهدہ داشته است. رعایت اصول معماری اسلامی و لحاظ هنر دینی در ساختمان سازی مساجد از اصول طراحی ایشان بوده است رحمۃ الله علیه

۱۲- در محل ساختمان شهرداری مورد اشاره ساختمان نوساز «سازمان تأمین اجتماعی» بنا گردیده است.

آسیای شیرین با سهمی از منابت اطراف به نسبت مذکور

۵- همگی و تمامی یک باب دکان نبشی پلاک ۹۷۱ واقع در بازار بالا

۶- همگی و تمامی یک باب دکان پلاک جزوفلکه شده پشت دفترگاراژ شجاعی

۷- همگی و تمامی یک باب دکان پلاک شماره ۱۳۵۹ پشت کاروانسرای حاج

محمدجواد

۸- همگی و تمامی یک باب دکان پلاک شماره ۱۴۷۸ مقابل دکان پشت سرای

حاج محمدجوادنامبرده سمت رودخانه بابالاخانه آن که پس از خرابی سیل مجدداً ساخته شده است.

۹- یک دانگ از شش دانگ دکان پلاک شماره ۱۶۸۶ واقع در بازار پلگوش

مشترکاً با حاج آقا حسین تقوی و پس از تجدید بنای مسجد تا این تاریخ که اقدام به تهیه این سنگ گردید موقوفات مفصله درذیل به همت و کوشش امام راتب موروثاً عن آباء و اجداد حضرت آقای حاج آقا محمد فخرائی^{۱۳} دامت افاضاته اضافه گردیده :

۱- همگی و تمامی ۳ باب دکان جدیدالبنای کنار فلکه متصل به مسجد پلاک

۱۳- مرحوم حاج آقا محمد فخرائی مدّتی امام جماعت مسجد را به عهده داشته

است. قبل از مرحوم فخرائی که پیشه خیاطی داشت مرحوم آقا سید جمال الدّین محمودی

امام جماعت مسجد آقا اسدالله را عهده دار پس از رحلت مرحوم محمودی در سال ۱۳۲۶

مرحوم آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری مرحوم فخرائی را به امام جماعت مسجد

برگزید. قبل از مرحوم محمودی مرحوم آخوند ملا مهدی (پدر مرحوم آخوند ملاحسین قاضی)

در زمانی که در خوانسار سکونت داشته در مسجد آقا اسدالله به اقامه نماز جماعت 

۱۷۰۹ - ۱۷۰۸ - ۱۷۰۷ چهار باب بالا خانه‌های آن و پله و مستراح همگی.

۲- تمامی ۶ باب دکانهای پشت مسجد که از داخل دیوارهای مسجد استفاده شده و پلاک آن پلاک خود مسجد است.

۳- همگی و تمامی دو باب دکان پلاک ش ۱۶۹۱ - ۱۶۹۰ فرعی و اصلی که از محل در قدیم مسجد میان بازار که مسیر خیابان واقع گردید ساخته شده با بالاخانه‌های فوق آن با پله اختصاصی.

همگی و تمامی یکباب دکان مثلث کوچک پلاک شماره ۲ فرعی از ۱۶۹۰ سمت شمالی ۲ دکان قبلی که از باقی مانده دیوار مسجد قبلی استفاده شده و یک باب دکان پشت همین مثلث بسمت بازار آنها جزو موقوفه است.

برای اینکه تعمیر و تبدیلی در این موقوفات رخ ندهد - چنانکه در بقیه موقوفات مسجد واقع شده - این قطعه سنگ نگارش یافت تا عموم از آن اطلاع داشته باشند.

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ وَالسَّلَامُ عَلَى
مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى مَوْرخه بیست و دوم - ۲۲ - رجب المرجب ۱۳۸۳ مطابق با هجدهم آذر
ماه یک هزار و سیصد و چهل و دو . مسجد فوق در سال ۱۳۶۶ در اثر سیل آسیب دید
لذا در سال ۱۳۷۷ با اضافه نمودن مقداری از زمینهای اطراف با تلاش حضرت
حجة الاسلام حاج سید مهدی ابن الرضا حفظهم الله بنای جدید آن در دست
ساختمان است.

می‌پرداخته است و پس از مرحوم فخرانی حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج

سید مهدی ابن الرضا زیده عزّه و عمره این مهم را عهده دار است.

مسجد جامع و موقوفات آن

مسجد بعنوان نخستین پدیدهٔ جغرافیایی برخاسته از اندیشه اسلامی بعنوان یک کانون عبادی - سیاسی در اکثر شهرهای کشورهای اسلامی جایگاهی ویژه دارد. بنای مسجد به منزلهٔ سندی است-گرانها در پژوهشهای جغرافیای تاریخی اکثر سرزمین‌ها و بررسی صورگوناگون کمی و کیفی آن در طول زمان حقایقی از نوسانات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را می‌نمایاند. وجود تاریخ پایان بنا یا تاریخ تعمیر و نام سازنده یا تعمیرکنندگان در کتیبه‌های بخش‌های بارزی از مساجد رهگشای خوبی برای پژوهشگر و جوینده وقایع تاریخی می‌باشد. معمولاً مساجد جامع از مهمترین و معتبرترین آثار معماری شهرها بشمار می‌آیند به نحوی که آوازه برخی از شهرها به مسجد جامع آنهاست.

مساجد قدیم خوانسار

مسجد جامع خوانسار واقع در جنوب شرقی شهر با سیصد سال قدمت قدیمی‌ترین مسجد خوانسار است. این مسجد با مساحتی در حدود سه هزار متر مربع و گچ بریهای بسیار نفیس بویژه در محراب از جمله آثار گرانبهای خوانسار است. مسجد جامع خوانسار فاقد گنبد بوده و تنها دارای یک گلدسته کوچک (حدود ۳ متر) جهت اقامه اذان است. این گلدسته بر سر در ورودی سمت شمال مسجد قرار دارد.

قبل از بنای مسجد جامع، مسجد کوچکی در محل مسجد جامع به نام «مسجد چهارراه» وجود داشته است و مسجد جامع در محل آن مسجد بنا گردیده است. تنها اثر بجای مانده از مسجد چهارراه یک عدد رحل بزرگ قرآن کریم است که بر یک روی آن جمله «وَقَفَّ مَسْجِدَ الْچَهَارَرَاهِ» و بر روی دیگر آن آیه شریفه «وَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۱ به طرز زیبایی حک شده است.

همچنین «در» شمالی مسجد جامع نیز از مسجد دیگری (احتمالاً از مسجد چهارراه) به مسجد جامع منتقل گردیده است. در فوق دارای ارزش تاریخی و هنری بسیار است و دارای منبت‌های بسیار نفیس می‌باشد از جمله مطالب حک شده بر آن عبارتست از (در قسمت بالای لنگه راست) آیه شریفه «وَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۲ و در قسمت بالای سمت چپ آیه شریفه «لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادُهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ»^۳ و در قسمت میانی «در» اشعار ذیل حک شده است:

بسندہ آل علی فضلی کہ شد روز ازل

فتح باب الشرف را ساعی لطفش ضمان

۱- سورة مبارکه جن آیه شریفه ۱۷ «و اینکه مساجد برای خداست پس نخوانید با خدا احدی را» لازم به ذکر است که رحل فوق اکنون در مسجد جامع نگهداری می‌گردد.

۲- سورة مبارکه جن، آیه شریفه ۱۷

۳- سورة مبارکه زمر، آیه شریفه ۱۶، «و بر آنها از بالا وزیر سایبان آتش دوزخ است آن آتشی که خدا از آن بندگان را می‌ترساند که ای بندگان از آتش قهر من بترسید»

چون از این در خلق عالم را گل شادی شکفت

فتح باب کعبه حاجات شد تاریخ آن^۴

روی لنگه راست در داخل مربعی به طرز زیبایی الله و محمد و علی حک شده و در ذیل آن آمده است «عمل محمود ابن المعروف میرزا علی» و نیز در داخل مربعی در مقابل آن در لنگه چپ چنین آمده است «نمقه انا العبد عمل محمد بن خضر شاه» همچنین در فاصله اندکی از مسجد چهارراه - قبل از بنای مسجد جامع فعلی - مسجد جامع قدیم خوانسار قرار داشته است که به نام مسجد حاج رضا مشهور بوده است این مسجد از بناهای حاج رضا ابن حاج قواس بوده است که متأسفانه اکنون اثری از آن باقی نمانده است. تنها نمونه‌ای از کاشی‌های آن در موزه لندن نگهداری می‌گردد. ابعاد این کاشی با زمینه گل و بوته جمله «لِیَدْخُلِ الْمُؤْمِنِینَ» بر روی آن نقش بسته است ۴۵ در ۶۰ سانتیمتر است و مربوط به قرن هفتم هجری (۱۴ میلادی) می‌باشد.^۵ همچنین مسجد جامع روستای تیدجان خوانسار نیز بر اساس نظر ماکسیم سیروی فرانسوی مربوط به قرن هفتم هجری بوده است که متأسفانه این مسجد نیز بطور کلی تخریب گردیده است.^۶

سایر مساجد قدیم خوانسار نیز همچون مسجد آقااسدالله و مسجد آقا نظر

۴- میر محمدی حمیدرضا، جغرافیای خوانسار، جلد اول، ص ۹۴

۵- جغرافیای خوانسار - جلد دوم - ص ۴۹، برگرفته از امل اسین، مکه مکرمه و مدینه

منوره ترجمه احمد آرام، امیر کبیر ص ۶۴

۶- رک: جغرافیای خوانسار - جلد دوم - صص ۴۷ - ۴۸

و... بدون توجه به ارزش تاریخی و هنری آنان تخریب و نوسازی گردیده و آثار موجود در بنا و تعمیرات آنان و سایر جنبه‌ها بکلی از بین رفته است.

مسجد جامع

مسجد جامع فعلی خوانسار در محل مسجد موسوم به «چهارراه» بنا گردیده است. این مسجد توسط مرحوم آقا صانع بنا نهاده شده است. این امر بعد از حمله افغانه به خوانسار صورت گرفته است و طبق سنگ نوشته سر در ورودی مسجد (سمت شمال) در سنه ۱۱۰۱ هـ ق ساخت آن پایان یافته است. جملات سنگ نوشته چنین است:

هو الباقی

«این مسجد بسعی و اهتمام عالیحضرت شهریارالملکی آقا صانع به اتمام

رسید فلسنه ۱۱۰۱» لازم به ذکر است که سنگ نوشته فوق اخیراً به سرقت رفته است و بر محل آن سنگ نوشته‌ای با همان ابعاد و عین عبارات اولیه تهیه و نصب گردیده است. سنگ نوشته‌ای نیز بر سر در ورودی مسجد (سمت جنوب) وجود دارد که عبارات آن چنین است:

«چون عالیحضرت شهریار آقا صانع این مسجد شریف را به

اتمام رسانید و قدری معین از عین المال خود به شرح وقف نامچه

و علاحده وقف آن نمود لهذا تغییر دهنده آن و خلاف کننده به لعنت

ابدی گرفتارگردد و قد سعی اتمام محمداً باقر اخوه فی ۱۱۱۵.

قبور مرحومین حاج محراب جده آقا صانع و حاج صادق پدر ایشان در گوشه ضلع شمال شرقی مسجد قرار دارد و این شاید دلیلی باشد بر اینکه بنای مسجد در زمان

حیات حاج محراب آغاز گردیده و در زمان مرحوم آقا صانع به اتمام رسیده است. مسجد فوق در دو طبقه بنا نهاده شده طبقه زیرین که در زیر شبستان غربی قرار دارد دارای دیوارهای قطور، پنجره‌های کوچک جهت تأمین نور و تهویه هوا و سقفی کوتاه است. شبستان شرقی مسجد توسط فرزند مرحوم آقا صانع، مرحوم صادق خان بنا گردیده است. وی همچنین جهت تأمین آب مسجد اقدام به حفر دو قنات کوچک به نام قنات «گنگ» نمود و توسط لوله‌های سفالین که در گویش خوانساری به آنها «گنگ» گویند آب را از فاصله حدود ۲ کیلومتری به داخل مسجد آورده است.^۷ به همین سبب دو قنات فوق را «گنگین» گویند. قنات فوق از جمله موقوفات مسجد است از دیگر اقدامات وی احداث حوض نسبتاً بزرگی در محوطه مسجد است که دارای سنگهای قطوری است. تاریخ اتمام حوض توسط رضا بدیع^۸ از شعرای خوانسار به نظم آمده است که چند بیتی از آن چنین است:

چو آب اندر میان مسجد آمد گفت تاریخش

«بکعبه گشت پیدا زچاه زمزم آب»

به توفیقات ربانی و لطف خواجه عالم

محمد صادق آقا...^۹ ۱۱۳۴

۷- تسبیحی محمد حسین، گویش خوانساری، راولپندی، پاکستان ۱۳۵۴ ص ۱۴۹ و

نیز فرهنگ معین ج ۳، ص ۳۴۱۹ در معانی گنگ به همین مفهوم اشاره دارد.

۸- رضا بدیع از شعراء و خوشنویسان قرن اخیر همچنین ماده تاریخی در بنای

مسجد جامع ساخته است که متأسفانه بدست نیامد.

۹- متأسفانه بعضی از اشعار فوق در انجام تعمیرات از بین رفته است.

بر روی بدنه شرقی حوض نام سازنده آن **استاد رضا اصفهانی** حک شده است. قبر مرحوم **حاج صادق خان** در داخل مسجد واقع و تاریخ وفات ایشان سنه ۱۱۸۵ هـ ق می باشد که در دوران جوانی به رحمت ایزدی پیوسته است. در داخل مسجد در اطراف محراب و بخش مرکزی شبستان غربی بخشی از سوره مبارکه جمعه به خط کوفی به طرز زیبایی گچ بری و زینت بخش مسجد گشته است. گچ بریهایی که در اطراف محراب صورت گرفته است خبر از انجام تعمیراتی در سال ۱۳۳۴ هـ ق می دهد. در سمت شمالی محراب چنین آمده است: تعمیر این بنا بسعی و اهتمام عالیجاه مجدت همراه عمدةالاعیان آقا محمود و در سمت جنوب محراب چنین آمده است:

«خادم بیت الله محمد عبدالله. عمل استاد محمد بنا ۱۳۳۴»

قبر مرحوم حاج صانع بنیانگذار مسجد نیز در داخل مسجد قرار دارد. ابیاتی از اشعاری که بر سنگ قبر وی حک شده است چنین است:

روی حاجی صانع از دار جهان	رفت و در خلد برین کرد آشیان
گلبن عزّ و شرف افسرده شد	گشت چون خون دل زبهر بلبلان
پشت نخل دولت و جود و کرم	خم شد از فقدان آن جنت مکان
طایر روحش چو در طیران فتاد	رفت و داخل شد به روح قدسیان
چون زسعیش گشت این مسجد تمام	باشد او از زائرین بیت الامان
سال فوتش ز خرد کردم سؤال	شد گریبان چاک و آمد در فغان
کین خطاب از عالم بالا رسید	«شو محل وی بهشتی جاودان»

قرآنهای خطی مسجد

در مسجد جامع تعداد قابل توجهی از قرآنهای خطی موسوم به «شصت پاره» موجود است که علاوه بر ارزش معنوی اغلب از نفایس هنر خط و تذهیب به شمار می‌روند و لازم است در حفظ و نگهداری از آنها نهایت سعی و دقت بعمل آید. براساس برخی از وقفنامه‌های قرآنی موجود، تولیت مصاحف به امام جمعه مسجد جامع واگذار شده است.

با توجه به تاریخ برخی از این وقفنامه‌ها که اغلب سابقه‌ای بیش از دویست سال دارند^{۱۰} معلوم می‌شود که تقریباً از زمان بنای مسجد جامع تا سال ۱۳۱۴ که مرحوم آیه‌الله سید محمد تقی غضنفری خوانساری در محل حسینیه مرکزی شهر موسوم به حسینیه «دوراه» نماز جمعه را اقامه کردند نماز جمعه در مسجد جامع اقامه می‌گردید و به همین سبب درآمد موقوفات آن صرف مسجد می‌شد. امروزه متأسفانه قسمتهای مختلف مسجد دچار خسارت شده و نیازمند تعمیرات اساسی است. امید است در تعمیر و نگهداری آن توجه بیشتری مبذول شود و با توجه به اینکه خوانسار فاقد مصلّاست مسجد فوق بدین منظور استفاده و از انهدام آن جلوگیری بعمل آید، ان شاء الله.

۱۰- جهت مطالعه تفصیلی وقفنامه‌های قرآنی مساجد خوانسار به جغرافیای

خوانسار، جلد دوم صص ۱۵۲ - ۱۵۶ مراجعه شود.

سواد مصدق وقف نامچه مسجد جامع خوانسار

هو الواقف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على السرائر والخفيات، وعلى الضمائر والنيات

والصلوات الساميات والتحيات التامات...

چون مرحمت مآب، رضوان تراب، غفران مناب، خیرالحاج حاج صانع، بانی مسجد جامع خوانسار، صانه الله من البوار، بعضی از عقارات را وقف مسجد مزبور نموده و وقف نامچه قلمی نموده بود که صورت آن این است که مرقوم خواهد شد:

و بعد، سبب از تسطیر این کتاب مبنی بر خیر و صواب آن است که حاضر شد

عالی حضرت ستوده منقبت مستغنی الاوصافی (کذا) آقا محمد صانع خلف مرحمت مآب آقا محمد علی، در حالت صحت بدن و کمال عقل، که جمیع اقاویر شرعیه از او نافذ و معتبر بود، وقف مخلد و حبس مؤبد نمود همگی و تمامی سه دانگ از جمله شش دانگ مزرعه مسمی به مزرعه آش که محدود است به مزرعه باغکل و سه دانگ مشاع از جمله شش دانگ مزرعه مسمی به مزرعه غیبی من مزارعات (کذا) واقعه در قصبه خوانسار، هر یک با شرب و مشارب و صحاری دایر و بایر، عیون و قنوات قدیماً کان أم جدیداً او غیره از ملحقات شرعیه، و تمامی یک دانگ از جمله شش دانگ یک باب خان واقعه در محله علی زرین که خود واقف مشارالیه ساخته، و تمامی دو باب دکان واقعه در خان مزبوره واقعه در جنب یکدیگر که یکی از آنها دکان خبازی است هریک با ممر و مدخل و غیره از ملحقات. بر مسجد جامع واقع در قصبه مزبوره که

واقف مشارالیه بانی بنای آن بوده، مشروط به آنکه اولاد ذکور ارشد متولی باشد نسلأ بعد نسل و مزرعتین را هر ساله زراعت نموده محصول آن را صرف تعمیر و آبادی مسجد مزبور نموده نگذارند که منهدم شود و هر ساله یک صد من به وزن شاه گندم وظیفه، تسلیم خادمی که خدمت مسجد می نماید نمایند و وجه اجاره یک دانگ خان و دکا کین را هر ساله خرج بوریا و روشنایی مسجد نمایند بشرط آن لا بیعوه و لایهبوه و لا بغیره. و صیغۀ شرعیه جاری شد (فمن بدله بعد ما سمعه فأثمه علی الذین یبدلونه) تاریخ ذلک فی شهر ذی (ال) قعدة الحرام سنۀ ۱۱۵۵.

و آنچه قلمی شد عین عبارت وقف نامچه حاج صانع بود که ختم شده بود به مهر ایشان. و چون در این سنوات به جهت طول زمان، اغتشاش در یک دانگ خان وقفی مزبور به هم رسیده بود به جهت تصرف بعضی احفاد واقف، که خان مزبور در دست او بود و اسناد وقف را به حصۀ دیگر می داد، از جمله می نمودند که نیم دانگ آن در میان حصۀ مرحمت مآب آقا محمد بود که احد احفاد بود که هر ساله منافع آن صرف مسجد مزبور می شد و می نمودند که بعد از موت آقا محمد، نیم دانگ را واگذاشتند که قسمت میان ورثه نشده است به جهت مسجد مزبور که وقف بر او می باشد و چون عالی شأن، آقا حسن خلف آقا محمد مزبور، که دو دانگ خان در دست او بود و ادعای حقیقت تصرف می نمود و می نمود که این جانب علمی و اطلاعی ندارم که نیم دانگ وقف مزبور در میان حصۀ ما باشد لکن این جانب قریۀ الی الله همان نیم دانگ را که وقف می باشد وقف می نمایم، لهذا آقا حسن مزبور نیم دانگ از خان مرقوم را از دو دانگ خود به تجویز و امضاء و توکیل باقی ورثۀ آقا محمد وقف نمود بر مسجد مزبور که هر ساله منافع آن بعد از وضع اخراجات آن، خرج بوریا و

روشنایی مسجد مزبور نموده باشند چنانچه در اصل وقف نامچه قلمی شده است و تولیت آن را قرار داد برای جناب فضایل و معارف اکتساب، عمدة الفضلاء العظام مولانا محمد صادق، خلف الصدق مرحمت مآب خیرالحاج و المعتمرین حاج علی اکبر غفرالله له و بعد از او با امام جمعه مسجد جامع و صیغه شرعیه جاری شد و قبول از من له القبول و قبض از من له القبض، بعد از تخلیه ید واقف مأذون و وکیل به عمل آمد (فمن بدله بعد ما سمعه فأنما أثمه على الذين يبدلونه)

غَبَ ذلك، چون مسجد مزبور قدری دیگر موقوفات داشته است که از طرف متولی، در تصرف خادم مسجد بوده است و منافع آن را صرف مسجد می نموده اند و در وقف نامچه مرحوم حاج صانع قلمی نشده چون متولی امام جمعه بوده است، بنا شد که در این صحیفه قلمی شود که موجب احیای آن باشد و به مرور دهور از میان نرود، لهذا تفصیل آن قلمی شده است که معلوم مؤمنان بوده باشد:

دکاکین: دو باب واقع در طرفین مسجد که میان بازار است و دو باب جنب مسجد و جنب احد دکانهای مزبور. أيضاً یک باب واقعه در بازار قریب مسجد که حال ندافی می باشد، جنب دکان ندافی آقا عزیزالله کلاغ.

جوزات: اصله واقعه در میان بازار پل گوش قریب به پل.

اصله واقعه در صحرای درمتان میان زمین نجف قوچی که فروعات آن می رسد به باغ آقا میرزا حسین آقا احسان و به شارع.

اصله واقعه در سر چیتگاه فوق ساقبند تحت نهر ترنقان و شارع خانه حاج محمد اکبر.

دو اصله واقعه در میان باغ حاج صادق آقا شکره که فروعات آن می رسد مسجد

به طاق نما.

اصلهُ واقعه در میان باغ اسماعیل زمان تحت نهر ترنقان که فروعات آن می‌رسد به شارع و خانه حاج اسماعیل محراب بیک.

سه اصلهُ واقعه در میان زمین محمد کاظم سلّاح در صحرای چهارباغ که فروعات آن می‌رسد به زمین حاج جواد و نهر یسارج که جنب یکدیگر است. دو اصلهُ واقعه در میان باغ آقا حسن ندّاف در صحرای نقوفیانه که فروعات آنها می‌رسد به زمین ورثه آقا ابوالقاسم.

اصلهُ واقعه در صحرای نقوفیانه میان باغ تقی سعید که فروعات آن می‌رسد به شارع واقعه در صحرای ارسور در میان باغ صادق کندلی که فروعات آن می‌رسد به در خانه عباس ولد علی بیک.

اصلهُ واقعه در صحرای چشمه آخوند میان باغ حاج حسین تقی تحت نهر ارسور که فروعات آن می‌رسد به رودخانه.

اصلهُ واقعه در صحرای درمنان میان باغ آقا محمد علی آقا مؤمن که فروعات آن می‌رسد به شارع و نهر مزبور، که الحال باغ ملا اسماعیل کامران مشهور است.

اصلهُ نابته در میان باغ معنّب ورثه حاج میرزا بابا تحت نهر زراغوش که بعضی فروعات آن می‌رسد به باغ حاج محمد نصیر مشهور به درخت عمونبی.

قطعه زمین واقعه در یسارج تحت نهر یسارج محدود به شارع و به زمین ورثه آقا کریم از سه طرف.

قطعه باغ واقعه در صحرای لازر تحت نهر ارسور محدود به باغ رحیم عبدل و باغ ورثه سلطان علی و به شارع و به باغ اسماعیل زینل بیک.

و آنچه در این اوان و در این زمان، عالی شأن رفیع مکان آقا نصرالله، نصره الله تعالى، حسب الوصیة والد خود، مرحمت مآب، رضوان تراب مهر علی خان، وقف بر مسجد مزبور نمودند به اذن تجویز باقی ورثه مرحوم مشارالیه، که آن عبارت از تمامی نیم دانگ از مزرعه غیبی می باشد، ایضاً با جمیع توابع شرعیه از آبی و دیمی و غیره از ملحقات که با سه دانگ وقفی مرحوم حاج صانع سه دانگ و نیم می باشد از مزرعه غیبی و تولیت آن را نیز با امام جمعه خوانسار واگذاشتند و صیغه شرعیه جاری گردید و شرایط لزوم علی کل وجه متحقق گردید و قبول از من له القبول و قبض از من له القبض بعد از تخلیه ید ورثه به عمل آمد (فمن بدّله بعد ما سمعه فأنما أثمته علی الذین یبدّلونه)

و کان ذلک تحریراً فی تاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۴۶ (ست و اربعون و مأتین بعد الالف من الهجرة النبویة) و بعد ذلک در سنه ۱۲۸۲ (یکهزار و دو یست و هشتاد و دو هجری) عالی جاه رفیع جایگاه، عمدة الأشراف و الأعیان آقا محمد هاشم ابن مرحمت مآب، رضوان تراب، آقا محمد، طاب ثراه، مباشر و متصدی امورات موقوفات مسجد جامع مسطورة المتن گردیدند من قبل الأمام العامل و الفاضل الكامل أفضل الفضلاء و الراشدين و زبدة العلماء و المحققين و زین الفقهاء و المجتهدين المقتدی المعظم، أمام الجمعة و الجماعة الحاج میرزا جمال الدین - مدّ ظلّله علی رؤوس المسلمين و زید فضله و علمه حتی یتنفع منه الطالب و المحصلین - و به جهت توجه عالی جاه معزّی الیه کما ینبغی علی ما هو علیه، وجه موقوفات آن بعد از صرف تعمیر خرابی آن باقی مانده بود، لهذا من باب غبطه و صرفه، جوزات و املاکات ذیل از وجه مسطوره عالی جاه مشارالیه و به استصواب و حسب الفرموده (کذا) جناب

معظم الیه ابتیاع فرموده در تحت موقوفات مسجد درآوردند که منافع آنها در ضمن مخارج مسجد مزبور صرف شود، علی ای نحو کان، لکن الأولى فالأولى. و تولیت آنها را مفوض فرمودند بر خود و بعد با امام جمعه قصبه مزبوره باشد و تفصیل آنها این است:

اصلۀ درخت جوز نابتہ در میان باغ آقا رضا قشونی تحت چشمه علی.
 ایضاً دو اصلۀ نابتہ کنار باغ مرقوم کہ فروعات آن می رسد بہ رودخانہ.
 اصلۀ نابتہ در باغچہ بند کنار زمین ورثہ مرحمت مآب آخوند ملا احمد شیخ الاسلام کہ فروعات آن می رسد بہ باغ ملا علی نقی قشونی و این اصلہ و اصلۀ اولی بہ ازاء درخت جوز مقطوعہ فوق ابتیاع شدہ است.
 دو اصلۀ نابتہ در کنار باغ ورثہ میرزا اسماعیل خیاط واقعہ در لارز قریب بہ باغچہ وقفی مسجد مسطور کہ فروعات آن می رسد بہ شارع عام.
 اصلۀ نابتہ در کنار باغ آقا محمدرضا عصّار تحت نہر نقویانہ کہ فروعات آن می رسد بہ شارع خاص.
 اصلۀ نابتہ در کنار زمین عالی جاہ محمّد مهدی خان واقعہ در محلّہ جوزچہ ابتیاعی از صبیئہ مرحمت مآب آقا عباس زوجہ آقا ہاجر صیاد.
 دو اصلہ نیز نابتہ در میان زمین باغ حاج محمّد لہی کہ زمین مرقوم داخل موقوفات است غنیّاً عن الحدود.
 و تفصیل املاکات مرقومہ این است:

زمین واقعہ در جوزچہ تحت نہر کولان ۲۵ قفیز و کسری محدود بہ نہر مزبور و طرفی بہ زمین آقا سید اسماعیل ابتیاعی آسید علی سراج و طرفی بہ زمین عسکری

شهره مع منبت بید و... کل اشجار.

زمین واقعه در نقوفیانه محدود به شارع و به زمین خیر الحاج حاج عبدالله که سه جریب دیگر آن نیز وقف است جهت نیمه متعارفی آقا میرزا حسین ابن حاجی میرزا عبدالکریم ابتیاعی از ورثه حاجی میرزا عبدالکریم.

زمین واقعه در صحرای دزفیانه محدود به زمین آقا محمد صادق آقا حسین و به زمین حاج میرزا شفیع و زمین حاج محمد شفیع و به نهر ابتیاعی از خدیجه خانم بنت مرحوم آقا حسین حاج رفیع ۸ قفیز.

باغ و خانهای آقا حسین مهر علی خسرو واقعه در جوزچه تحت نهر کولان محدود به نهر و به لاشویه و به باغ حاج علی اکبر آقا حمید که تقریباً ۲۶ قصبه و نیم است.

زمین ابتیاعی از ورثه آقا اسماعیل جاموس لقباً جنب باغ آقا حسین مرقوم محدود به باغ حاج علی اکبر و به نهر کولان و به زمین بابعین و به شارع خاص. از مزرعه غیبی ابتیاعی از عالی جاه محمد مهدی خان، ۴ شعیر از مزرعه غیبی ابتیاعی از آقا محمد صادق بن مرحمت مآب آقا محمد علی... و أيضاً چهار شعیر از مزرعه غیبی ابتیاعی از ورثه مرحوم سیف الله خان که الحال چهار دانگ و نیم از مزرعه مرقومه وقف است بر مسجد مرقوم.

و تمامی و جملگی یک دانگ و نیم مشاع از جمله شش دانگ طاحونه شیخ زین الدین.

و همگی سه دانگ مشاع از جمله شش دانگ طاحونه گدول شهره.

و تفصیل املاکات و جوزات سابقی و جدیدالابتیاعی هر یک از آنها قلمی

شد که به مرور زمان و دهور و ایام باقی بوده باشد و باعث احیاء آنها بشود و موقوفی هر دو طاحونه به قدر مسطور داخل در ابتیاعی عالی جاه معظم الیه نیست و از سابق است واضح باشد.

امحل مهر مرحوم حاج محمد هاشم: «محمد هاشم بن محمد»

مجدد ایک جریب از جمله یک قطعه زمین واقع در صحرای بیدهند تحت نهر دزفیانہ کل آن تقریباً هفت جریب اراضی است ابتیاعی از عالی شأن آقا محمد جعفر ابن مرحمت مآب آقا حسین ابن غفران ایاب حاجی رفیع، محدود به شارع و از دو طرف به دو زمین ورثه آقا مطیع و به زمین أخ آقا محمد مهدی أخ آقا محمد جعفر مزبور. ایضاً تمامت سه جریب و هفت قفیز به مساحت مرقومه قطعه ابتیاعی از ورثه مرحوم آقا میرزا رحیم ابن مرحوم آقا بابا واقع در بالا ده تحت قنات کیده محدود به زمین ورثه مرحوم ملا عبدالله ذاکر و به زمین ورثه مرحوم آقا میرزا احمد ابن مرحوم آقا حسین و به نهر حاجی صائب شهرة و به نهر قنات مزبوره.

ایضاً قطعه دیگر ابتیاعی از ورثه آقا میرزا رحیم مرقوم که تقریباً یک جریب و هشت قفیز و یک قصبه می باشد واقع در بالا ده تحت قنات مزبوره محدود به زمین ورثه آقا عبدالحسین حاجی میرزا حسین و به زمین ورثه مرحمت مآب آخوند ملا صادق شیخ الاسلام و به نهر حاجی صائب و به نهر قنات مزبوره.

مع یک ربع آب از این دو قطعه مرقومه.

چنانچه در رشنامه مرقوم است قطعات مرقومات هر یک با توابع شرعی و عرفیه آنهاست کائناً ما کان و این دو قطعه مزبوره، ملکی خود عالی جاه آقا محمد هاشم بوده است وقف نمودند.

و تمامت یک قطعه زمین واقعه در محله جوزچه که کل آن تقریباً دو جریب به مساحت مرقومه است تحت نهر کولان مشهور به زمین عسکری محدود به زمین آقا سید علی - که داخل در موقوفات است - و به نهر مرقوم و به زمین حاج محمد قاسم حداد و به شارع عام.

و أيضاً قطعه دیگر واقعه در محله مرقومه که تقریباً یک قفیز است جنب زمین آقا سید علی مزبور و محدود به ارض موات و طرفین به مخروبه جنب آن .

و تمامت دو ثلث از یک قطعه زمین مشهور به باغ ورثه حاج محمد نبی تحت نهر نقویانه که آن قطعه تقریباً به مساحت مرقومه است محدود به نهر مرقوم و به زمین ورثه حاج صادق آقا بابا - که الحال ملکی آقا اسماعیل ابن مرحوم آقا احمد است - و به زمین ورثه حاج محمد نبی مرقوم و به زمین ورثه شاهی.

و تمامت یک قطعه زمین مشهور به باغچه آقا ایمن تحت نهر «لا» قریب به مسجد مرقوم یعنی مسجد آقا ایمن که کل آن تقریباً پنج قفیز به مساحت مرقومه است غنیاً عن الخد و الوصف و کان فی یوم بیست و نهم محرم ۱۲۹۷.

محل مهر مرحوم فردوس مقام حاج محمد هاشم است: «محمد هاشم بن محمد» و دو اصله نهال جوز واقعین در میان باغ آقا محمد جعفر واقعه در لبرود محاذی مدرسه بالا، تحت نهر لا که آقا محمد جعفر ابن مرحوم آقا صادق وقف نمود که در وقف نامچه او مرقوم است.

هو

اعتراف عالی جاه آقا محمد هاشم بما رقم فيه لدی فی خامس شهر صفر سنه ۱۲۹۷.
جمال الدین مهدی الموسوی [که مرحوم فردوس و ساده آقای امام جمعه

خوانسار باشد] بسم الله خير الأسماء

عالی جاه آقا محمد هاشم به تمام مرقوم در متن و هامش اعتراف نمودند. به تاریخ سیم شهر صفر سنه ۱۲۹۷ سبع و تسعين و مأتين بعد الألف من الهجرة المقدسة النبوية .

محمد جعفر بن محمد تقی الموسوی [که مرحوم سیدالعلماء آقای آقامیرزا جعفر مجتهد باشد].

بسم الله أشرف الأسماء

قد أقرّ عالی جاه المصطور فی المتن بتمام ما نمی اليه متناً و هامشاً لدی و حرّرها الأحقر فی يوم الاثنين السادس من صفر المظفر ۱۲۹۷، أسدالله بن محمد صادق موسوی. [که مرحوم سیدالعلامة (کذا) آقای حاج میرزا اسدالله مجتهد بوده باشد] بسم الله تعالى

لقد اعترف عالی جاه آقا محمد هاشم بما فی المتن و الهامش فی الثانی عشر من صفر المظفر ۱۳۱۷ و حرّرها علی بن أبی القاسم الموسوی [که مرحوم آقای آقا سید علی مجتهد است]

بسم الله تعالى

عالی جاه آقا محمد هاشم اعتراف نمودند به تمامی ما رقم فی المتن و الهامش فی ۵ شهر صفر سنه ۱۲۹۷ (سبع و تسعين و مأتين بعد الألف من الحقيرة) ابن جمال الدین ابوطالب الموسوی که مرحوم آقا میرزا ابوطالب مجتهد است.

هو

اعتراف عالی جاه المعزى اليه و هو الآقا محمد هاشم بما فی المتن و الحاشية و هی

ثلاثة و ثلاثون سطرًا لدى في ٦ من شهر صفر ١٢٩٧ محمود بن عبدالعظيم الموسوى
(كه مرحوم آقاى آقا ميرزا محمود مجتهد بوده باشد).

اعترف على جاه آقا محمد هاشم بتمام ما رقم فيه متناً و هامشاً لدى الحقيق الراجى
ابوالقاسم بن هاشم رضوى.

اعترف على جاه المعظم اليه بما رقم فيه لدى العبد الأقل فى الثامن عشر من شهر صفر
المظفر ١٢٩٧ محمد صادق الموسوى.

بسم الله تعالى

اعترف على جاه آقا محمد هاشم - أصلح الله تعالى أمر داريه - بتمام ما رقم فى
الورقة فى شهر صفر سنة ١٢٩٧.

محمد يوسف الموسوى |كه مرحوم آقا حاج ميرزا يوسف باشد|

بسم الله تعالى

قد ثبت اعتراف على جاه المزبور، بما سطر و رقم داود بن حسن الموسوى. |كه آقا
ميرزا داود مجتهد باشد|

هو

اعترف على جاه آقا محمد هاشم به تمام آنچه در متن و هامش مسطور است فى
الشهر صفر المظفر ١٢٩٧.

الواثق بالله عباس بن احمد |كه مرحوم آقاى آقا شيخ عباس مجتهد باشد|.

هو حسبى

اقرار و اعتراف نمود على جاه آقا محمد هاشم به مراتب مسطوره نزد اين اقل
عبدالكريم الرضوى الموسوى فى ٥ شهر صفر المظفر ١٢٩٧.

ذلك الكتاب لاريب فيه. اسدالله بن مرحوم آقا اسماعيل

هو

قد أقرّ عالي جاه المعظم أليه به تمام ما رُقم فى الكتاب متناً و هامشاً
و أنا الأحقر الجانى محمد قاسم بن حاج ملا احمد بن حاجى ملا قاسم شيخ الاسلام
[محل مهر عالي شأن آقا اسماعيل ابن مرحمت مآب آقا محمد، غفرالله له]

هو

عالي جاه معزى اليه اعتراف به تمام ما فى الورقة نمودند و حرّره العبد الذليل الراجى
عبدالله بن اسماعيل [كه مرحوم آخوند ملا عبدالله قاضى باشد]
عالي جاه رفيع جايگاه آقا محمد هاشم اعتراف نمودند به آنچه كه در متن و هامش
قلمى گرديده. به تاريخ دوم شهر صفر المظفر ۱۲۹۷ و حرّره [در سواد سفيد است زيرا
امضا و مهر اصل خوانده نشده است].

هو

عالي جاه معلّى جايگاه آقا محمد هاشم - زيد عمره اقرار نمودند به آنچه در متن و
هامش قلمى شده ۲ صفر غز صر [غز = ۱۰۰۷، صر = ۲۹۰، ۱۲۹۷ = ۲۹۰ + ۱۰۰۷]
الراجى حسين الموسوى

لقد اعترف عالي جاه آقا محمد هاشم بما فى المتن و الهامش لدى و حرّره ابن على،
ابوالقاسم الموسوى. [كه مرحوم فردوس آرامگاه آقا ميرابوالقاسم عالم جليل باشد].

[مطالب از اينجا به بعد فقط در سواد است نه در اصل] (در حاشيه)

صحّ الوصل و قبول مع أصله الشريف و حرّرها

[مهر] الراجی الی اللہ محمد باقر بن محمد جعفر

[ایضاً طرف چپ صفحہ، مهر]: الراجی الی اللہ محمد باقر بن محمد جعفر

سواد مطابق با اصل است

محمد علی تلگرافی مدیر تلگرافخانہ خوانسار [مهر] تلگرافخانہ خوانسار]

سواد مطابق با اصل است

رحیمی رئیس... خوانسار [مهر]... خوانسار]

سواد مطابق با اصل است

کفیل حکومت خوانسار [مهر و امضای کفیل حکومت خوانسار]

بسمہ تعالیٰ

نظر به اینکه به شہادت شہود رونوشت برابر با اصل است متن وقف نامہ

صحیح و معتبر است. حسین العلوی [محل مهر]

بسمہ تعالیٰ

چون در حاشیہ یکی از علما شہادت بہ مطابقت سواد با اصل دادند متن وقفنامہ

مورد تأیید است. سید مہدی غضنفری متولی و امام جمعہ خوانسار

بسمہ تعالیٰ

این وقفنامہ کہ مطابق بودن رونویس با اصل آن را مرحوم حاج ملا محمد باقر

کہ از معتمدین آقایان خوانسار بودند و سایر شہود مرقوم داشته اند معتبر است و

مرحوم آیت اللہ علوی (رہ) ہم اعتبار و صحت آن را مرقوم فرمودہ اند. خداوند توفیق

عطا فرماید.

فی ۱۷/ج ۲/۱۴۱۲ الأقر خوانساری |مهر| مصطفی الحسینی
|مهر| مصطفی الحسینی

مروری بر زندگانی و آثار اختر

مقدمه

شهر زیبا و کهن خوانسار که بی اغراق ریشه در تاریخ و فرهنگ کهن ایران دارد، ورای زیبایی طبیعی آن که زبانزد خاص و عام گشته است در هر عصر و زمانی مجمع علما، فضلا، حکما، شعراء، خوشنویسان، ظرفا و هنرمندان بسیاری بوده است و در این میان جمعی از بزرگان این خطه کهن را شعرای آن تشکیل می‌داده‌اند سخن در خصوص این بزرگان بسیار و مجال پرداختن بدان اندک و این مهم را به وقتی دیگر وامی‌گذاریم. اجمالی از شرح حال یکصد تن از شعراء پنج قرن اخیر خوانسار در تذکرة الشعراء خوانسار آمده است^۱. البته به این تعداد می‌بایست تعداد قابل توجه دیگری افزود بزرگانی همچون مرحوم سید محمد واعظ متخلص به **وهاج** - شاعر اهل بیت علیهم السلام - **فرسود**، **کامل**، **کمال** و... در این میان برخی از شعراء نیز از مقام شامخی برخوردار بوده‌اند و ذکر آنان صرفاً بعنوان شاعر چندان مناسب نیست

۱- بخشی یوسف، تذکرة الشعراء خوانسار، تهران، مطبوعاتی میرپور ۱۳۳۶

همچون مرحوم علامه آقا حسین خوانساری «رحمة الله علیه» مرحوم حکیم زلالی خوانساری، مرحوم ملا محمد حسن متخلص به «جناب» از فضلالی اهل منبر، حقی از مشایخ عظام و از پیرزاده‌های خوانسار، سید ابوالقاسم معروف به میرکبیر (صاحب مناهج المعارف) و دهها نمونه دیگر. از همین زمره است مرحوم صدر المشایخ متخلص به اختر که به مروری اجمالی بر زندگانی آن بزرگ مرد زهد و علم و ادب بسنده می‌نماییم.

محمد حسین شفیع (اختر)

مرحوم محمد حسین شفیع متخلص به اختر و ملقب به صدرالمشایخ از فضلاء، ادبا، خوشنویسان و شعراء خوانسار بوده است و نسبتش به شیخ ابا عدنان عارف مدفون در بقعه پیر^۲ واقع در محله سرچشمه خوانسار می‌رسد. مرحوم اختر علاوه بر موقعیت ممتاز معنوی و روحانی در زمینه شعر و شاعری و خوشنویسی نیز مهارتی تام داشته است به گونه‌ای که در گفتن ماده تاریخ او را همپایه نصرآبادی و آتش اصفهانی دانسته‌اند.^۳ وی به مناسبت‌های مختلف ماده تاریخ‌های بسیار، بویژه در وصف بزرگان و علماء شهر سروده است که اکثراً بر قبور مؤمنین نقره شده است و از نظر ادبی و تاریخی در بررسی تاریخ خوانسار در خور توجه است. متأسفانه تاکنون مجموعه‌ای از اشعار ایشان جمع‌آوری نگردیده و آنچه بیشتر از ایشان در دست است

۲- بقعه شیخ ابا عدنان (بابیر) از جمله آثار باستانی خوانسار مربوط به قرن ۷ هجری است.

۳- رک: تذکره الشعراء خوانسار، ص ۱۶

همان ماده تاریخهایی است که بر قبور بزرگان شهر نقش بسته است. بجاست تاگردآوری و تدوین حداقل همین ماده تاریخهای بجای مانده بعنوان اثری ماندگار از ایشان صورت پذیرد ان شاءالله.

از میان بیشمار ماده تاریخهای نقر شده بر قبور مؤمنین شهر خوانسار نگارنده ماده تاریخی را که مرحوم اختر در وفات مرحوم نظام الشریعه بدیع از شعراء معاصر خوانسار سروده است ، بعنوان نمونه‌ای از آثار وی نقل می‌نماید این ماده تاریخ مشتمل بر ۱۲ بیت و هر بیست و چهار مصراعش برابر با ۱۳۲۹ وفات بدیع است ده (۱۰) بیت از این ماده تاریخ بر لوح قبر بدیع چنین نقر شده است :

فغان و آه بدیع ادیب زود و جوان

برفت با دل پر درد از این بساط جهان

جهان فضل و کمال، آسمان مجد و جلال

بهین دهر و جهان خرد بدیع زمان

نظام زهد لبیب جهان و بدر ادب

وحید بود و سخن آفرین بسان حسان

کمال علم جهان رفت ، ها زمرگ بدیع

نمود زود رضای^۴ بدیع جا بجنان

نشان نداده عدیلش کسی در این دامن

عیان ندیده قرینش ز مادر این سامان

۴- اشاره به نام بدیع «میرزا رضا» است.

بهر که بنگری از خون دل نموده دوا
 بهر کجا گذری آه و ناله بی پایان
 چو شد به جانب فردوس جای جان گفتم
 شد این مقله ثانی همال جان به جنان
 بجای چاک زد اختر بجود و زد آهی
 شدم وحید که رفت از جهان بدیع زمان
 بگو چه خاک نمایم بسر ز هجر دمی
 که نیست لوح کمالی چنین در این دوران
 ببین بسال وفات از حساب هر مصراع

بدان بخلد برین کرد جا بدیع جوان
 از نظر ادبی آثار پراکنده ایشان شامل اسناد و لوایحی که توسط وی به مناسبت‌های
 مختلفی همچون انشا و قفنامه‌ها، اسناد مربوط به تقسیم آب انهار داخل شهر خوانسار
 تنظیم اجاره نامه‌های موقوفات و... از ایشان به یادگار مانده است هر کدام نشان از
 ذوق ادبی و هنری وی دارد. آنچه اکنون در دسترس نگارنده است مقدمه‌ای است
 ادیبانه که مرحوم اختر بر دیوان خطی سید محمد واعظ (ملقب به صدر الواعظین)^۵
 نگاشته است. ذکر این نکته ضروریست که دیوان خطی سید محمد واعظ از فضلاء و

۵- سید محمد متخلص به وهاج فرزند علی اصغر متوفای سنه ۱۳۱۹ از جمله شعرای
 بزرگ خوانسار است که تقریباً تمام سروده‌های ایشان در مدح ائمه اطهار سلام الله علیهم
 اجمعین و بویژه واقعه غم‌انگیز کربلاست. شرح حال ایشان در صفحات آینده خواهد آمد.

خطباء اهل منبر و از شاعران بنام خوانسار نیز به همت و تلاش وی جمع آوری و به همراه مقدمه‌ای زیبا به صورت اثری ماندگار درآمده است.^۶ بخش هایی از این مقدمه چنین است:

«ستایش کریمی را سزااست که صورت زیبای سخن را چنان بطراز خامه
عذب البیان رطب اللسان مطرز ساخت که عندلیب هزارستان نیز به
گلستان سخنوری شکر تاخت و نوای انا املح در شهرستان فصاحت
انداخت و طوطی شیرین زبان در شکرستان نکته پروری لوای اناافصح
در میدان بلاغت افراشت و عبارات رنگین را به معانی دلنشین و الفاظ
نمکین با ملاحات انباشت و درود نامحدود سید و سروری را مهیاست
که طراح گلشن سخندانست و گلچین گلستان معانی گلشن رسالت از
نشو نهالش رشک روضه رضوان و حوراست و بزم نبوت از شمع جمالش
داغ شعله سینا و طور

آن خواجه که قرب حق بود مایه او

معراج بود پست ترین پایه او

و آل اطهار و عترت اخیار او صلوات الله علیهم اجمعین. اما بعد چنین
گوید بندهٔ احقر این مرحوم حاجی شیخ محمد شفیع خوانساری حسین
متخلص به اختر عفی عنهما که خرمن پر ثمن عرفا و فضلا را خوشه
چین و مجمع ادبا و شعرا را خادمی کمین است... دارالخیار خوانسار

۶- دیوان خطی وهاج در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

مجمع عرفا و فضلا و منبع ظرفا و شعرا است و همچنان که در سوانف
ایام معدن علمای اعلام و مسکن افاضل انام بود در این زمان نیز محل
فحول محققین و مرجع مستعدین و مدققین است و مخزن کنوز علوم و
منزل صاحب کمالات هر مرز و بوم هوایش با طیب و طرب آمیخته و به
شاخ درختانش سیب و رطب آویخته است...»^۷

به مناسبت مقام شامخ روحانی و معنوی مرحوم اختر در بین مردم خوانسار
محضر ایشان همواره ملجأ و مأوای مؤمنین و محل رجوع قاطبه مردم از خوانسار و
اطراف و اکناف بوده و ایشان سعی وافر در رتق و فتق امور مردم داشته و بهمین سبب
اکثر شکوائیه‌ها، دعاوی و مشکلات موجود با درایت ایشان حل و فصل می‌گشته
است. هنگامی که در سنه ۱۳۱۳ مرحوم حاج شیخ جواد صدرالمشایخ خوانسار وفات
یافت مردم از محضرش تقاضای پذیرش رسمی امر قضاوت را نمودند و ایشان به
سبب احتمال آنکه مأموران دولتی وقت در امر قضاوت دخالت نمایند و مانع از
اجرای احکام الهی شوند از پذیرش آن خودداری نمود. این خبر به وسیله بیگلریگی
که یکی از کارگزاران حکومت در گلپایگان و خوانسار بود به گوش ظل السلطان پسر
ناصرالدین شاه حاکم اصفهان و فارس رسید. او دستور داد با فرستادن یک ثوب^۸ عبا
و یک عصا و با صدور حکم صدرالمشایخ وی را به سمت قاضی شرع انتخاب نمایند.
با صدور این حکم آن مرحوم که روحی آرام داشت آنچنان ترس و وحشتی برایش

۷- به نقل از ص ۱ و ۲ دیوان وهاج

۸- ثوب به معنای جامه، لباس و پوشش می‌باشد.

بوجود آمده بود که با وجود دخالت حاکم محل و مأمورین ظل السلطان چگونه می‌توان حکم واقعی برای طرفین دعوا صادر کرد و به همین جهت اختلافات را با حکمیت دوستانه رفع می‌کرد که خبر به بالا نرسد^۹ متن حکم صدرالمشایخ از سوی ظل السلطان چنین است:

چون مرحوم صدرالمشایخ خوانسار فوت شده و مراتب شایستگی و لیاقت جناب فضایل مآب حاجی شیخ حسین عموزاده او توسط مؤتمن السلطان علیخان سرتیپ بیگلربیگی بعرض رسید. بموجب این خطاب مطاب از بدو السنه جناب مشارالیه را بقلب و خطاب صدرالمشایخ ملقب به پیک فوت عباى ماهوت مخلع فرمودیم که با نهایت امیدواری مشغول دعاگوئی دوام دولت جاوید است قاهر باشد. مقرر اینکه عموم اهالی خوانسار جناب مشارالیه را صدرالمشایخ دانسته احترامات لایقه او را بیشتر از پیش مرعی دارند و حسب المقرر در عهده شناسند.

شهر شعبان المعظم ۱۳۱۳

وفات مرحوم صدرالمشایخ

سرانجام مرحوم صدرالمشایخ پس از عمری زهد و تقوی و خدمت بانیک نامی دارفانی رادر سنه ۱۳۳۶ و داع واز دلهزه آلوده شدن به گناه درکار قضایوت آسوده خاطر شد. پیکر مطهرش در قبرستان شرقی خوانسار (مجاور خیابان ۱۳ محرم فعلی) شد.

۹- صدرخوانساری حسین، حکومت‌ها و ملت‌ها، انتشارات عطار، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۲۷

بخاک سپرده شد^{۱۰}. در ماده تاریخی که مرحوم اختر در تاریخ وفات خویش
 سروده و بر لوح قبر ایشان نقش بسته است چنین آمده است:
 از حادثات دهر حسین شد چه ناتوان
 قصد رحیل کرد و همی گفت با فغان
 آن کس که با ولای علی شد چه غم خورد
 زاندیشه حساب که داند شان مغان
 فردا که عاصیان شفیع کنند رو
 دستی بزن بدامن سلطان انس و جان
 اختر برای سال وفات خودت بگو
 «رفتم چه با ولای علی فاش از جهان»
 ۱۳۳۶

۱۰ - قبر ایشان امروزه مقابل کوچه‌ای که موسوم به کوچه «صدری» است قرار دارد
 این کوچه را بمناسبت آنکه محل سکونت خاندان مرحوم صدرالمشایخ بوده است بدین نام
 نامیده‌اند.

مروری بر زندگانی و آثار (افسر)

محمد جواد ولایی (افسر)

محمد جواد ولایی متخلص به افسر از شعراء معاصر خوانسار بوده و در سال ۱۲۷۰ متولد و مدار زندگانی وی بر نویسندگی لوایح و اسناد می‌گذشته است. با آنکه در مکتب خانه‌های قدیم خواندن و نوشتن را آموخته بود لیکن اشعار در خور توجهی را سروده است. تقریباً تمام اشعار سروده شده وی در بیان مدایح ائمه اطهار و مرثی ایشان بوده است. مجموعه اشعار ایشان را بالغ بر دویست هزار بیت قلمداد کرده‌اند^۱ از ایشان آثاری چند تاکنون طبع و منتشر گردیده است که عبارتند از:

کتاب **قیام عاشورا** و کتاب **نهضت عاشورا** که هر دو مجلد شامل مصائب و مرثی ائمه اطهار سلام الله علیهم می‌باشد و کراراً به طبع رسیده است.

اسرار فاطمیه ایشان در مناقب و مصائب حضرت صدیقه کبری فاطمة الزهرا

۱- مجموعه اشعار وی در تذکرة الشعراء خوانسار، ص ۱۹ بالغ بر دویست هزار و در

مقدمه کتاب شمس و قمر عاشورا بالغ بر یکصد و بیست هزار بیت عنوان گردیده است.

(سلام الله علیها) و اخیراً کتاب **شمس و قمر عاشورا** از ایشان طبع و منتشر گردیده است. از آثار منتشر نشده ایشان می‌توان **مصباح العشق حسینی** را نام برد.

علاوه بر مثنویهای بسیاری که از وی موجود است ماده تاریخ‌های بیشماری نیز از وی به یادگار مانده است که هر کدام در تاریخ خوانسار قابل توجه است، بویژه ماده تاریخهایی که در وفات علما، شعراء، حکما، هنرمندان، بنای مساجد، تکایا و حسینیه‌ها سروده دارای ارزشی بسیار است.

افسر بعنوان یکی از شعراء اهل بیت مردی گوشه نشین و غمزده به نظر می‌آمد و با ناملایمات و سختی‌های زندگی دمساز و همراز بوده است و تنها عشق او ائمه اطهار سلام الله علیهم بویژه ارادتی خاص به حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام داشته است خود در این باره می‌گوید:

افسر گمنام به دوران عمر جز الم عشق نیاموخته است^۲

وی در سال ۱۳۴۷ دار فانی را وداع و به سوی معبود شتافت. ماده تاریخی در فوت خود سروده است که چند بیتی از آن چنین است:

یارب جواد همچو سگی بسته بر در است

خاک سیاه معصیتش بر سر است

دستش تهی ز علم و عمل لیکن ای کریم

قلاده برگردنش از مهر حیدر است

۲- تذکرة شعراء خوانسار، ص ۲۱ و نیز شمس و قمر عاشورا، ص پنج

دارد ذخیرهٔ عشق شهنشاه تشنه کام

بر دل ودیعه‌اش ز تو آن درج گوهر است

یارب به قطره قطره خون عزیزان فاطمه

کو قطره‌اش به پیش تو از هرچه بهتر است

بخشا ورا چنانکه سگ را به کھفیان

چون عجز وانکسار وی از او نه کمتر است

افسر به ناله گفت پی تاریخ فوت خود

«قطع وصالی از همسور و به دلبر است»^۳

۱۳۴۷

افسر در طول مدت هفتاد و اندی سال عمر خویش توجهی خاص به مسائل مذهبی، اجتماعی و اخلاقی داشته است و اشعاری نیز در این رابطه سروده که برخی هنوز منتشر نگردیده است.^۴ نمونه‌ای از اشعار وی خطاب به زمین کربلا چنین است:

هاتفی گوید مرا افسر خموش	این نوای جانفزا را دارگوش
کربلا فوق عرش برین است	مرکز لطف جان آفرین است
کربلا کعبه عالمین است	قبله حاجت خانقین است
مصرع شاه بی کس حسین است	خادمش جبرئیل امین است

۳- برگرفته از سنگ قبرایشان واقع در قبرستان موسوم به قبرستان پاقلعه (غرب شهر)

۴- وی همچنین مشاعراتی با شهاب الدین لاهوتی گلپایگانی داشته است که اشعار آن

کربلا فوق عرش برین است مرکز لطف جان آفرین است
 ای زمین مروهات را صفا کن مشعرت را زمین چون مناکن
 نینوا همچو نی این نوا کن کربلا فوق عرش برین است
 کربلا فوق عرش برین است مرکز لطف جان آفرین است
 ای زمین خاک ماتم بسرکن از فرات ای زمین دیده تر کن
 در نجف مرتضی را خبر کن رسم مهمان نوازی چنین است
 کربلا فوق عرش برین است مرکز لطف جان آفرین است
 در تو ای کربلا غم فزون است دامن و دشت تو پر ز خون است
 من ندانم دیار تو چون است آسمان در برت خوشه چین است
 کربلا فوق عرش برین است مرکز لطف جان آفرین است
 کربلا پر ز خونت چمن شد شاه دین را جدا سر ز تن شد
 جسم او از غبارت کفن شد شیوه میزبان کی چنین است
 کربلا فوق عرش برین است مرکز لطف جان آفرین است
 میهمانهای تو تشنه مردند تشنه لب غرقه خون جان سپردند
 جرعه‌ای از فرات نخوردند میهمانداری آخر نه این است
 کربلا فوق عرش برین است مرکز لطف جان آفرین است
 افسر اندر سرش شور و شین است عاشق کربلای حسین است^۵

در اکثر اشعار وی به گونه‌ای اشاره به واقعه کربلا و مصائب حضرت سیدالشهداء علیه السلام

(حتی در بعضی از ماده تاریخها) گردیده است چنانکه خود گوید:

افسر تو دراین خرابه خوانسار چون جغد نشین فراز دیوار
تا هست توان تو را حسین گو گم کرده خود تو از حسین جو^۶

از جمله اشعار منتشر نشده ایشان چکامه‌ای است در تخریب مسجد «آقااسدالله» خوانسار جهت احداث خیابان و تصاحب حسینیّه موسوم به «دوراه» از سوی عمال دولتی وقت که تفصیل آن در مبحث مسجد آقا اسدالله خوانسار ذکر آن گذشت. چکامه فوق در سال ۱۳۳۴ (سه سال قبل از فوت ایشان) سروده شده است همچنانکه پیش بینی کرده بود تخریب مسجد موجب نزول عذاب الهی گردید و ابر غضب بر خوانسار بلا بارید و در مرداد ماه ۱۳۳۵ یعنی یک سال بعد سیلی عظیم در خوانسار جاری و ربعی از شهر را به ویرانه‌ای تبدیل نموده بود چنانکه خود در مثنوی مشتمل بر چهل و یک بیت شرح سیل فوق را به نظم آورده است ابیاتی از آن چنین است:

از بعد هزار و سیصد و سی پنج بوده فزون به سال شمسی
از حق رقمی به ماه مرداد بر سیل روان جان ستان داد
سیل آمد و خانمانمان برد آب آمد و آب و نانمان برد
آب آمد و آتشی برافروخت خشک و تر و سبز و زردمان سوخت
سیل العرمی شدی نمایان سرچشمه او ز قهر یزدان
می ریخت وز چشم آسمان اشک چون آب که ریزد از لب مشک...
این سیل روان ز دشت و کھسار ویرانه نمود ربع خوانسار...

۶- برگرفته از چکامه‌ای که تحت عنوان خوانسار سیل زده در مرداد ماه ۱۳۳۵ سروده است

ای خالق ما خدای سبحان	کردی و کنی به ما تو احسان
شرمنده و زشت و روسیاهیم	افتاده و غرقه در گناهیم
یارب به حسین و عترت او	یارب به مقام و غربت او
یارب به سری که شد ز تن دور	افکنده به کل عالمی شور
یارب به تنی که سر نبودش	جز جامه خون به بر نبودش
ما گشته به تیه معصیت گم	یارب تو نما به ما ترحم ^۷

مسأله دیگر مورد اشاره افسر حسینیّه موسوم به حسینیّه «دوره» خوانسار است که چون در محله «دوره» واقع گردیده بدین نام شهرت یافته است. حسینیّه فوق در سال ۱۲۷۲ قمری توسط میرزا زین العابدین بنیاد نهاده شده است.^۸

حسینیّه دوره یکی از بناهای معظم و با شکوه خوانسار بوده و حدود بیست و پنج سال بعد از بنیاد نهادن به تصرف اداره فرهنگ در آمده و در بخشی از آن مدرسه‌ای تحت عنوان مدرسه شاپور دایر می‌گردد. سال تأسیس مدرسه فوق ۱۲۹۷ شمسی بوده است.^۹ این بخش از حسینیّه تا سال ۱۳۳۶ در اختیار عمال دولتی بوده و بر اثر سیل مرداد ۱۳۳۵ و تخریب بخشی از آن مجبور به ترک آن شدند در این مدت این بنای باشکوه از صورت اصلی خود خارج و آثار تاریخی و با ارزش آن بکلی از بین رفت در این زمان مرحوم آیه‌الله سید محمد تقی غضنفری خوانساری تلاش

۷- متن کامل این مثنوی در سال ۱۳۳۵ در چاپخانه فروردین اراک چاپ گردیده است.

۸- بر اساس تاریخی که بر سقف یکی از حجرهای حسینیّه نوشته شده است.

۹- سالنامه و آمار ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، ص ۶۴

بسیاری را جهت بازگرداندن حسینه به یک مرکز مذهبی و احیاء بازسازی آن بعمل آورده و بخش اعظم موقوفات موجود آن را از اموال شخصی خویش وقف بر آن نمود و سالها تولیت آن را به نحو احسن و اکمل عهده دار و منشأ خدمات بسیاری گردید. (رحمة الله علیه)

مرحوم افسر در سنه ۱۳۴۶ قمری در ابیاتی وصف حسینه دوراه را چنین آورده است:

این بار گهی که رشک رضوانستی	جبریل امین خادم و دربانستی
این صُفّه که سر کشیده بر اوج فلک	نُه چرخ فلک را همه ایوانستی
گلدسته او به از ریاض رضوان	دربان درش حوری غلمانستی
این حسینه که از یاد حسین	فریاد و فغان در او بکیوانستی
افسر ز جمیع همگنان مفتخر است	چون خسرو عشق را شناخوانستی

حسینه دوراه به واسطه اینکه بخشی از آن در حریم رودخانه بنا گردیده بارها مورد هجوم سیل واقع گردیده و مجدداً بازسازی گشته است. در سیل مرداد ۱۳۶۵ بخشی از آن تخریب که مسوولین امر اجازه بازسازی آن را نداده و بخش شرقی آن همچنان به صورت حریم رودخانه رها گشته است.

مرحوم افسر در همه حال پناه بی پناهان و اشعارش زبان گویای مخالفت با کفر بوده است همچنان که خود گوید:

نوای افسر خوانسار نوای بینوایان است

مدادش موج خون آور دو چشمش ابر گریان است

وی اشعاری در مورد به توپ بستن مسجد گوهر شاد مشهد توسط عمال رضا خان

سروده است که به دنبال آن به مدت شش ماه از سرودن و نگارش محروم گردیده است
ابیاتی از آن چنین است:

توپ رضا به ساحت قدس رضا چون شد به جسم ملت بیچاره آشنا
هرقطره خون از تن آنها چکید گفتم یارب مباد عدل رضا از رضا رضا
وی همچنین اشعاری در تحریم کشف حجاب در زمان رضاخان سروده است که
ابیاتی از آن چنین است:

حجاب

غنچه گر پرده نبودی به بر زیبایش
یا که مستوره نبودی قد سرو آسایش
کی توانست بماند به چمن‌ها محفوظ
یا امان بود ز تاراج چمن آرایش
چون که از پرده برون آمد بشکفت پرش
ناظرش چید و برد باد سحر هر جایش
نه دگر منزلت غنچه نشکفته در اوست
نه دگر در چمن است مسکنی و مأوایش
بانوئی نیز که چون غنچه پس پرده رود
در حجابست رخ خدّ و قد بالایش
نه به کس دل بدهد نی زکسی دل ببرد
نکنند بوالهوسی از پی او آوایش

گر که بی پرده برون یا که خیابان رفتی
نستوان کرد دیگر روز و شبان پیدایش
رفت دوشیزه چوبی پرده به کوی و برزن
چون که برگشت به بینش تو دگر هرجایش
افسرا کشور ما کشور حق بینان بود
کرده بیگانه چنین تیره و نابینایش

سید محمد واعظ وهاج خوانساری

در میان انبوه شعراء در هر عصر و زمانی شاعرانی هستند که بواسطه عشق و ایمان به معبود خود بر آستان اهل بیت سلام الله عليهم سر نهاده‌اند و در عرصه زندگی، شعر، ادب و هنر را از سرچشمه زلال و پاک مکتب تشیع سیراب کرده‌اند و روح تقوی، ایمان و خلوص و در یک کلام روح تشیع در شعر آنان جاری است.

فراز و نشیب‌های تاریخ تشیع بیانگر آن است که بسیاری از وقایع زندگانی پر بار ائمه اطهار سلام الله عليهم اجمعین از جمله بیان مصایب اهل بیت و فضایل آن بزرگواران را در برهه‌های خاصی از تاریخ تنها شعرای متعهد بیان و بر مردم می‌خواندند و این یک واقعیت تاریخی است که حتی در مواقعی جان آنان در معرض خطر قرار گرفته و با تحیل سختیها و مشقات زندگانی را سپری نموده‌اند.

کیست که نقش شعرایی همچون دعبل خزاعی، کسیت اسدی و یا سید حمیری و... را در بیان واقعات تاریخ تشیع مد نظر قرار ندهد. از صدر اسلام تا کنون شعرایی اینچنین، نقشی بسزا در زنده نگاهداشتن فضایل و مصایب اهل بیت عليهم السلام بعهدہ داشته‌اند. از همین نمونه است محتشم کاشانی رحمه الله علیه که شعر و ادب را با تاریخ کربلا آمیخته است. در اقصی نقاط جهان اسلام وجود چنین شعرایی نقشی

بسزا در زنده نگاهداشتن روح تشیع علوی داشته و دارد و وهّاج شاعراهل بیت علیهم السّلام نیز از همین زمره است.

سید محمّد واعظ متخلص به وهّاج از جمله شعرای عهد ناصری خوانسار است. وی معروف به سید آقا و متخلص به وهّاج فرزند علی اصغر و نسبتش به امامزاده احمد علیّه خوانسار نوه امام علی النقی علیّه می پیوندد مدار زندگانی اش به خطابه و منبر و مدح ائمه علیهم السلام می گذشته و اغلب به مناطق شمالی کشور به ویژه منطقه «ماسوله» و «نور» و «کجور» مسافرتها می داشته است طبق بررسیهای انجام شده منزل مسکونی ایشان مجاور مدرسه علمیه مریم بیگم صفوی (علوی) واقع و تحصیلات ایشان نیز در همین مدرسه بوده است. مرحوم سید محمّد واعظ در سنه ۱۳۱۹ بدرود حیات گفته و مدفن وی در قبرستان شرقی شهر واقع است بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

کل من علیها فان و یبقی وجهک ذوالجلال والاکرام قد ارتقی من
اسفل عالم طلیعه الی اعلی عوالم الحقیقه السید السند والعالم
المنجد زینه المنبر ماح الاثمه الاثنی عشر، صدرالواعظین و رئیس
المحدثین، آقا سید محمّد بن سید الزاهد الزاکع و العابد و العالم
الساجد الامیر علی اصغر قدس سرهما قد توفی فی السابع و
العشرین من شهر محرم الحرام من شهر سنه ۱۳۱۹.

مرحوم اختر ماده تاریخی در وفات وی سروده است که بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

شد چو سید محمّد از دوران فرش تا عرش پر شد از افغان

قطع شد فیض و نسخ شد احکام مانند منبر تهی ز سحر بیان
چون برون رفت زین سرای غرور سوی فردوس گشت جاویدان
گفت اختر برای تساریخش «او به قصر جنان گرفته مکان»

عمل استاد رضا اصفهانی ۱۳۱۹

دیوان خطی وهّاج به همت و تلاش صدرالمشایخ خوانساری (حسین بن مرحوم حاج شیخ محمد شفیع خوانساری) متخلص به اختر و از شعراء قرن اخیر خوانسار (متوفای ۱۳۳۷ ق) با خطی نیکو نگارش یافته است.^۱ صدرالمشایخ از فضلا و بزرگان علم و ادب این خطه بوده و نسبتش به شیخ اباعدنان مدفون در بقعه پیر خوانسار می‌رسد.^۲ دیوان خطی وهّاج در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۶۰۹۴ موجود است لیکن به غلط به نام وهّاج جیلانی ضبط گردیده است و این شاید بدان سبب است که در صفحه دوم مقدمه دیوان سخن از جیلان و ماسوله رفته است.^۳

مقدمه‌ای که صدرالمشایخ بر دیوان خطی وهّاج نگاشته است (در چهار صفحه) نیز خود دارای ارزش ادبی فراوان و شایان بحثی در خور توجه است. بخشی

۱- مرحوم صدرالمشایخ متخلص به اختر شرح زندگانی و آثارش مذکور آمد.

۲- رجوع کنید به بقعه پیر خوانسار و موقوفات آن

۳- دیوان سید محمد واعظ به نام وهّاج واعظ جیلانی سیدآقامحمد، به شماره ۶۰۹۴ جلد هجدهم فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران آمده است نگارنده در جغرافیای خوانسار جلد دوم اشتباهاً وهّاج را از قریه «ویست» از روستاهای پشتکوه خوانسار خوانده است.

از مقدمهٔ ادیبانهٔ اختر بر دیوان فوق که با ستایش حضرت باری تعالی، جلّ جلاله آغاز و
نثر مصنوع است چنین آورده است:

ستایش کریمی را سزاست که صورت زیبای سخن را چنان بطراز خامه
عذب البیان، رطب اللسان مَطَرَز ساخت که عندلیب هزارستان نیز
به گلستان سخنوری شکر تاخت و نوای انا املح در شهرستان فصاحت
انداخت و طوطی شیرین زبان در شکرستان نکته پروری لوای انا افصح
در میدان بلاغت افراشت و عبارات رنگین را به معانی دل نشین و الفاظ
نمکین با ملاحات انباشت و درود نامحدود سید و سروری را مهیاست
که طراح گلشن سخندانست و گلچین گلستان معانی، گلشن رسالت از
نشو نهالش رشک روضهٔ رضوان و حور است و بزم نبوت از شمع
جمالش داغ شعلهٔ سینا و طور

آن خواجه که قرب حق بود مایهٔ او معراج بود پست‌ترین پایهٔ او
و آل اطهار و عترت اخیار او صلوات الله علیهم اجمعین.

سپس در توصیفی از خوانسار چنین آورده است:

اما بعد چنین گوید بنده احقر ابن مرحوم حاجی شیخ محمد شفیع
خوانساری حسین متخلص به اختر عفی عنهما که خرمن پر ثمن عرفا و
فضلا را خوشه چین و مجمع ادبا و شعرا را خادمی کمین است که در
این عهد و زمان که جهان از فر تخت خسرو فیروز بخت دریا دل، ملک
عادل باذل، منزّه صفات، مقدّس ذات (اغنی شهریار دنیا و دین و خاتم
سلاطین زمان و زمین، تاج و هاج شوکت و دولت بحر مواج نعمت و

نقمت، سایه رأفت و رحمت الله شاهنشاه اسلام پناه ناصرالدین شاه
 قاجار خلدالله ملکه آراسته است و عرصه آفاق از گرد نفاق پیراسته و
 غبار ظلمت زدوده و فروغ ایمان فزوده است) دارالاکسار خوانسار
 مجمع عرفا و فضلا و منبع ظرفا و شعرا است و همچنانکه در سوانح
 ایام معدن علمای اعلام و مسکن افاضل انام بود در این زمان نیز محل
 فحول محققین و مرجع مستعدین و مدققین است مخزن کنوز علوم
 است و منزل صاحب کمالان هر مرز و بوم، هوایش با طیب و طرب
 آمیخته و بر شاخ درختانش سیب و رطب آویخته است. آب
 خوشگوارش زیاده از پنجاه سنگ و باغ لاله زارش مسحون به لاله‌های
 خوشرنگ، آبش از چشمه سار متکثره و بناهای استوارش مختلفی از
 اشعار مثمره است. هوای فرح بخشایش را بنده سرو و بید و سنبل و
 شنبلیله چون فضای ربیع است در تابستان و نسیم روح افزایش شکوه
 شکوفه چون شمیم بوستان مشک افشان است حیث قال و لله درّه:

خوانسار و آن نسیم فرح بخش و چشمه سار

و آن بوستان و سبزه و اشجار و لاله زار

گوئی که قطعه بهشت است آن زمین

یا صفحه‌ای ز باغ جنان است آن دیار

دیوان خطی وهاج (آنچه باقی است) شامل ۱۵۰ صفحه حدود، ۲۳۰۰ بیت و با خطی

زیبا نگارش یافته و برخی صفحات دارای سرلوحه‌های نوشتاری زیبا در مدح

اهل بیت سلام الله علیهم است.

صدر المشایخ در معرفی سید محمد واعظ چنین آورده است:

از خصایص این ملک آن است که پیوسته قریب بیست شاعر سخن سنج نکته پرداز در آن موجود است. و طبایع غیر موزونه در وی مفقود، از جمله جناب حقایق آداب ادیب اریب نیکو خصال و حبیب لبیب شیرین شمایل، مجمع المعارف و الفضایل سیدالافاضل و منبع السعادات، البحر المواجه، آقا سید محمد واعظ متخلص به **وهاج** است که خلفای سلف صاحب مجد و شرف و لآلی فنون فضایل را به منزله صدف است. از نتایج علمای عظام است و در مدارج معرفت و معارج فصاحت به اعلی مقام، مجمع کمالات صوریه و معنویه و منبع فیوضات ظاهریه و باطنیه، الفاظ فصیحش چون انفاس مسیح روح بخشاست و عبارات ملیحش چون صورت تسبیح فرح افزا، فصیحای زمان کسب بلاغت در دبستان براعت او نموده و بلغای جهان جام غروب از شربت خانه فصاحت وی نوشیده اند. هوای بهار از طراوت اشعار آبدارش نمونه است و سبزه زار چمن از خضارت طبع گهربارش شکوفه قصاید و غزلیات و فرایده و منشورات بدیعهایش را چشمه حیوان و روضه رضوان و دیعه است و حضرتش بین الانام صاحب حسب و منبع و نسب رفیع و در منابر به نواهی و اوامر شریعت عزا و ملت بیضا قیام دارد و به مواعظ روح پرور و نصایح حقیقت اثر مفتاح کنوز معارف ربانی است و کشف رموز عوارف سبحانی، مایه معرفت را اویس و مایه فصاحت را امره القیس است به نحوی که فضلالی عصر از فرایده فواید نظم و نثرش سید

اقتباس انوار و اقتناص از هار می نمایند.

نثره المبرور كالبحر العمیق نظمه المعمور كالبيت العتیق
لولا خشیت لقلتّ لیس كمثله فی قدرة الابداع و الایجاد

و من یهوی الوقوف و الاطلاع به نفایس افکاره و عرایس ابکاره و کمال فضله و علوّ مقامه فلینظر علی نتایج طبعه و نسیج اقلامه مع القصه در بدایت حال زبان به بیانش الکن و در قصور سخن و فتور بنان شهره هر انجمن بوده تا به واسطه علوّ فطرت و سمو فکر و حسن اعتقاد و پاکی نهاد و فطانت فطری و لیاقت جبلی به همت عالی نقیب‌های عظام و اجداد کرام علیهم السلام سرآمد نقبای عصر و فصحای دهر گردید. در بیان نحوی اقدام به سرودن شعر چنین آورده است :

در سوائف زمان در قصبه موسومه به «ماسوله»^۴ که از توابع «گیلان»^۵ است و تربت پاک حضرت **عون بن علی عمران** شبی در واقعه دید که در قریه مشهور به «ویست»^۶ که از قرای معروفه «جربادقان»^۷ است.

۴- ماسوله از شهرهای استان گیلان واقع در قلمرو فومن می‌باشد.

۵- گیلان در منابع و مآخذ اسلامی گیلان به گیلان فعلی اطلاق گردیده است.

۶- ویست از جمله روستاهای شهرستان خوانسار، دهستان پشتکوه می‌باشد و سابقاً

از توابع گلیایگان بوده است در تلفظ محلی بدان ویس گویند.

۷- «جرفادقان» حمدالله مستوفی در ذکر عراق عجم درباره جرفادقان گوید

«جرفادقان از اقلیم چهارم است همای بنت بهمن کیانی ساخت و به نام خود «سمره» خواند

که دراول همایرا سمره گفتندی دخترش آنرا تجدید عمارت کرد و گلبادگان گفت عرب معرب 

واقع در سه فرسخی خوانسار فرح آثار در باغی وسیع و ساحتی فسیح مشتمله بر انهار بسیار و اشجار بی شمار و بر منتهای آن قصری از بلور سفید را دیدم که از صفای آن هر لحظه بر حیرتش افزوده و به ناگاه کسی را دید که او را به درون قصر ترغیب نمودی چون داخل شد انجمنی دید آراسته و گلشنی نگرید پیراسته مجمع آل طه و یس و پیشوایان راه یقین ابواب عنایت به رویش گشودند و به ذکر مصیبت مأمورش فرمودند.

شیون از اهل مجمع بلند شد و از خارج انجمن ناله و فریاد زنی نیز به گوش می رسد پس از انجام مجلس مصیبت، غلامی آمد طبقی از نقل درپیش او نهاده و زبان به معذرت برگشاد که خاتون محشر و عصمة الله اکبر این هدیه محقر داده و تحفه مختصر فرستاده فی الحال در همان واقعه دانه ای از آن نقل چشید و پس از بیداری، قلب ماهیت در خود دید و داد سخنوری داده و نیروی زبان آوری بگشاد و به جهت این فتح و فیروزی که به وی رخ نمود تخلص به فیروز نمود و چندی بر این نام که لقب غلام است سخن می گفت و غزل و مرثی می سرود تا در واقعه دیگر ابواب ملاطفت بروی گشودند و او را به تخلص دیگر مأمور فرمودند چنانکه در یکی مخمسات خود می فرماید:

فیروز مرا بود تخلص نخستین در عالم رویا لقبم داد شه دین
فرموده که وهاج لقب ساز پس از این فیروز نزیید لقب داده یس^۸
با دوست تولا کن و از خصم تبرا

۸ کرد جرباد قان خواندند و هوایش معتدل است - نزهة القلوب - ص ۶۸ و اکنون گلپایگان گویند.

۸- به نقل از ص ۵۰ دیوان وهاج که این بیت را چنین نیز آورده است:

«فرموده که وهاج لقب کن تو پس از این».

پس خود را متخلص به وهاج ساخت و علم سخنوری به اوج ثریا
برافراخت و چون اشعار گهربارش را ادیبان چون دیوانه به صحبت
طالب بودند و قصاید آبدارش را ادیبان چون مریض به صحت راغب.
علی هذا به خاطر فاتر رسید که آنچه از قصاید و غزلیات و قطعات و
فراید و رباعیات افکار ابکار این سید بزرگوار که در امواج بحر و ذخایر
طبع دُرر بارش برکنار افتاده به جهت تحفه مجلس احباب در این کتاب
به ترتیب حروف هجی، همه را چون جواهر زواهر در یک سلک منخرط
و در یک رشته مرتبط دارد که سماع اخوان الصفا را لذت بیشتر و مجمع
ارباب وقار را مسرت زودتر حاصل آید. امید از کرم استادان سخن و
ناقدان بصیر این فن را که این ذره ناقابل را به سخنان لطایل ننگرند و در
خلال مقال به دعای خیری حیات تازه کرامت فرمایند و اینک به بخت
خرم و طالع مسعود نوبت رجوع به مقصد و زمان شروع مقصود است.

نمونه از اشعار وی:

فی التوحید (بحرالباء)

ای که بستی بر رخ از حکمت نقاب	رو نهفتی از نگاه شیخ و شاب
پرتو حسن تو چون شد جلوه گر	برد از خلق دو عالم صبر و تاب
شورش عشق تو بنمود از ازل	آشکار از کلک صنعت نه قباب
شاهد مهت پی دلبردگی	بسته اندر گردن دلها طناب
آنچه شد از پنجه صنعت عیان	عقل گوید آنه شیئی عجاب

ناخدای کشتی ایجاد زد	لنگر اندر بحر عرفانت به آب
ساقی میخانه ات کرد از طرب	ساغر عشق تو لبریز از شراب
شحنه بازار عشقت زد خروش	که لدواللموت و انبو اللخراب
عقل هر عاقل به کنهت ره بزد	فکر هر دانا در این ره شد به خواب
از در فرخندگی ، وهاج باش	در هوای قرب جانان کامیاب ^۹

بحر التاء

پرده نشین نظر کاینات	ذکر تو شد مشغله ممکنات
روی نهفتی ز نظرها شدن	خلق جهان در پی ذات تو مات
جلوه حسن تو ز هر سو عیان	پرتو مهرت به دل کاینات
عشق تو زاید سه موالید را	کرد پدید از رحم امهات
پنجه حسن تو پدیدار کرد	هشت خط و چار حد و شش جهات
پرورش از قطره آبی دهی	از اثر صنع بسین و بنات
زابر عطایت همه سیراب شد	عالم ایجاد ز آب حیات

عقده گشا از دل وهاج زار

کواست در این مرحله شیدای ذات

ای محو از جمال تو ذرات کاینات	شیدای روی تو انواع ممکنات
-------------------------------	---------------------------

در بزم عاشقانی و از غایت ظهور
 هریک به جستجوی تو مدهوش و محو و مات
 مصنوع کلک صنع تو هر خشک و ترکه هست
 زین رو بود که کس نبرد پی به کنه ذات
 موجود را به سفره احسان زنی صلا
 مخلوق را زفرط عنایت دهی برات
 این را ز روی لطف دهی شرفنا
 و آنرا ز راه مهر دهی چشمه حیات
 از ابر رایض تو سمند فلک جوان
 وز حکم محکم تو زمین را بود ثبات
 خوانی به عاشقان لقایت همه رموز
 رانی بطالبان عطایت بسی نکات
 وهاج بینوا به ره عشق روز و شب
 بر کف نهاده جان که بیابدره نجات^{۱۰}

بخش دوّم

تذكرة القبور خوانسار

مقدمه

هرگاه اوراق تاریخ و فرهنگ و هنر خوانسار را مطالعه می‌کنم تنها خاطرات رنگین این دیار چون پرده سینما از جلو چشمم می‌گذرند و به نوعی توقف زمان را احساس می‌کنم گویی عقربه‌های ساعت زندگی به عقب برمی‌گردند آن‌گاه لحظاتی پیش می‌آید که اشک در گوشه چشمانم حلقه می‌زند و زمانی می‌رسد که لذتی به نرمی حریر به قلب و روحم پر می‌کشد و گذشت زمان را معلمی می‌بینم که بسیاری از مجهولات را آشکار می‌نماید و ندانسته‌هایی را با زبان خاص تاریخ بر من می‌آموزد، اینک عقربه‌های زمان را باز به عقب می‌کشم تا بعد از مدتی دوباره در کنار قبرستان شرقی شهر در دامنه تپه ماهورهای خوانسار باشم و بر این شهر همیشه سبز سلامی سبز را تقدیم دارم.

آن هنگامی که بر آثار قبور مشاهیر مدفون در این قبرستان کهن نظر می‌افکنم بی اختیار به گفته «آرنولد بی»^۱ (در فلسفه نوین تاریخ) «احساس می‌کنم که شرابی تازه تازه در قرايه‌ای کهنه باید نوشید» و در پی آن می‌روم تا در کنار مقبره بزرگان

۱- آرنولد بی، فلسفه نوین تاریخ، ترجمه دکتر بهاء‌الدین بازارگاد، چاپ کتابفروشی

تاریخ این دیار ادای احترام کنم اما قبل از آن بایست بر وضعیت تأسف باری که بر مرقد متور این بزرگان بوجود آمده است سخت بگیریم زیرا که چون نگیریم نباید نگیریم.

بر دیده من خندی کاینجا ز چه می‌گرید

خندند بر آن دیده کاینجا نشود گریان

(خاقانی)

همیشه بوده‌اند کسانی که، جبران حقارت خود را در انهدام آثار بزرگان گذشته و ساختن بناهای جدید جسته‌اند و چه عبرت آموز است سرگذشت کسانی که بر آثار بزرگان خفته در این دیار این چنین تاختند تا جایی که تاریخ در پی آنان تاخت و آثارشان را به یکباره در هم پیچید!؟

گورستانها یکی از اسناد تاریخ هر ملت و شهری می‌باشند. تاریخ علمی و ادبی هر ناحیه‌ای را می‌توان بطور اجمال از مقابر آن بدست آورد. قبرستانها در واقع از آثار بسیار ارزشمند تدوین تاریخ هر جامعه‌ای به شمار می‌آیند. علاوه بر ارزش و اعتبار معنوی، قبرستانها از جنبه‌های بسیار دیگری نیز دارای اهمیت اند. آثار هنری ارزشمندی از خوشنویسی و حجاری توأم با ماده تاریخیهای متعددی که هر کدام نشان از خلاقیت و استعداد هنرمندان این دیار دارد در قبرستانها موجود و شایان بحثی در خور توجه است. محو آثار چنین قبرستانهایی با چنین ویژگیهایی قبل از ثبت و انتقال اطلاعات آن کاری ناپسندیده است.

با اعتراف به اینکه قبرستان طبق قانون و سنت طبیعی از بین رفتنی بوده و هست همانگونه که سایر گورستانها از بین رفته، اما کسانی که آنها را از بین بردند و در

محو آثار تاریخی آن کوشیدند مجرمند. اگر قبور علماء، ادبا، حکما، شعراء، و دیگر مشاهیر علمی از بین رفت دیگر آثار آنان نیز خواه نا خواه از بین خواهد رفت. در اینجا ممکن است برای عده‌ای این پرسش به نظر رسد که حفظ آثار و قبور گذشتگان چه لزومی دارد و آیا این عمل خلاف دستورات اسلام نیست؟ مگر نگفته‌اند که اگر قبری خراب شد تجدید ساختمان نکنید غیر از قبور علماء و بزرگان دین. آری چنین است و بخاطر این است که ملت مسلمان مرده پرست نباشد اما باید دوستدار علم و عالم باشد. احترام به قبور علماء و زیارت آنان مرده پرستی نبوده بلکه احترام به مقام علم و دانش است.

مرحوم سید مصلح الدین مهدوی در تاریخ تخت فولاد اصفهان در بیان گورستانهای متروکه مثالی چنین آورده است: گورستان متروکه همانند پیر فرتوت و بیمار محتضری است که با سختی جان کندن و مرگ روبروست و از این حال او اطرافیانش رنج می‌برند و مرگ او را به دعا از خدا می‌طلبند و مردن را جهت او آسایش و آرامش تصور می‌کنند اما اگر پزشکی از راه دلسوزی و انسان دوستی که کسی را از رنج بردن و درد کشیدن رهایش بخشد بوسیله‌ای مرگ او را نزدیک کند و از زندگی و حیات رهایش سازد مطابق کلیه قوانین و عقل و منطق و شرع چنین پزشکی جنایتکار و قاتل شمرده می‌شود و باید طبق موازین قانونی محاکمه و مجازات شود.^۱

بسیاری از بزرگانی که نزدیک به چهار قرن (از زمان صفویه تا کنون) از مراجع بزرگ عظام در جهان تشیع بوده‌اند در قبرستانهای این شهر در جوار رحمت حق

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۵

آرمیده اند اما اگر از بسیاری از خوانساریها، خوانساریهایی که برگزیده پر رونق فرهنگی، ادبی و علمی خوانسار به واسطه داشتن چنین بزرگانی مباحثات می نمایند سوال شود مثلاً قبر فلان عالم بزرگ در کجا واقع است و یا قبر فلان شاعر، حکیم، فیلسوف، ادیب و خوشنویس و هنرمند کجا واقع است آنانی که در واقع تاریخ پر افتخار گذشته را برایمان ساخته اند با آنهمه اهمیتی که در کتب تاریخ و فرهنگ برایشان نقل شده است چه جوابی خواهند داد؟

متأسفانه در چند ساله اخیر بخش وسیعی از قبرستانهای خوانسار بویژه قبرستان شرقی شهر بدون توجه به حفظ ویژگیهای روحانی، تاریخی، ادبی، هنری و... تحت عناوینی همچون عمران و آبادانی از بین رفت چه بسیار آثار با ارزش هنری، تاریخی و ادبی که در آن موجود و نابود گردید.

ماده تاریخیهایی که سروده شده، آثار خوشنویسی های بسیار زیبا و حجاریهای بسیار ظریفی که بر لوح قبر مؤمنین نقش بسته و می توانست بعنوان آثاری جاودانه در مکانی گرد آید و ماندگار شود و افسوس بر ما و بر افتخارات ما که این چنین مورد بی مهری قرار گرفته است.

بخشهایی از قبرستان شرقی خوانسار یکبار دیگر در زمان رضا شاه جهت احداث خیابان تخریب گردیده اما این بار در زمانی این کار صورت پذیرفت که ما بیش از پیش نیاز به بزرگداشت مقام علمی، روحانی و معنوی مفاخر خود داریم.

در اوایل مهرماه ۱۳۷۴ شهرداری خوانسار گورستانهای داخل شهر را تا محدوده باباسلطان متروکه اعلان نمود و دفن اموات را در آنجا قذغن نمود که این امر در جای خود درخور تحسین است. اما به یکباره درست در زمان نسبتاً کوتاهی بلدوزر به

اصطلاح تمدن شهرداری بر قبرستان شرقی شهر که بزرگترین قبرستان شهر بود حمله برد و قبور بسیاری از بزرگان و صلحا و اتقیا این دیار را یکی پس از دیگری زیر و رو نمود.

در خوانسار قبرستانهای متعددی وجود دارد و در گذشته‌ای نه چندان دور هر محله‌ای قبرستان و ویژه‌ای داشت آثار برخی از این قبرستانها هنوز باقی است چون آثار این قبرستانها نیز در سالهای اخیر رو به نابودی نهاده است، بخشهایی از آن از طرف شهرداری - بویژه قبرستان شرقی شهر - و بخشهای دیگر آن توسط جمعی فرصت طلب بی فرهنگ از سر طمع ورزی در بازار آشفته عرصه تاخت و تاز بلدوزر و لودر قرار گرفته و اقدام به احداث مراکز تجاری و مسکونی در آن نموده‌اند و البته فریاد عده‌ای قلیل صاحب نظر و دلسوز نیز به جایی نمی‌رسد و بر اولیاء امور است که از ادامه این عمل شوم و زشت که سرانجامی نامیمون را در پی خواهد داشت جلوگیری نمایند چرا که بر اساس فتوای صریح علما اعلام و حجج اسلام «تخریب قبور مؤمنین جایز نیست».

جهت آنکه تذکاري باشد بر ارزش و اهمیت معنوی، تاریخی، ادبی و هنری قبرستانها بر آن شدیم تا با ذکر برخی از علما، بزرگان، مفاخر مدفون در قبرستانهای شهر که هنوز آثار قبورشان باقی است یادی بر گذشته پرافتخار این شهر داشته باشیم و زنده نگاهداریم نام مفاخر بزرگ علمی و فرهنگیمان را هر چند دهها بلکه صدها عالم، فقیه، حکیم، شاعر، ادیب و هنرمند و نویسنده دیگر گمنام زیستند و همچنان بی نام و نشان از دنیا رفتند و آثار قبورشان نیز محو شد و برخی نیز در محو آثار آنان کوشیدند اما آثار وجودشان برای همیشه باقی است.

زیارت قبور مؤمنین

اسلام گورستانها را عبرتگاه بشر می‌داند و بر همین اساس زیارت قبور مؤمنین را مستحب می‌داند و بر زیارت قبور مؤمنین تأکید نموده و بر این امر آثاری مترتب است. از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل است که می‌فرمایند هر که قادر نباشد بر زیارت ما پس زیارت کند صلحاء از موالیان ما را تا نوشته شود برای او ثواب زیارت ما و کسیکه قادر نباشد بر صله و نیکی به ما پس صله و نیکی کند با صالحان و موالیان ما تا از برای او نوشته شود ثواب صله و نیکی ما. همچنانکه از امام رضا علیه السلام نقل است که فرمود هر که بیاید به نزد قبر برادر مؤمن خود و دست بر قبر گذارد و هفت مرتبه بخواند سوره «انا انزلناه» را ایمن گردد روز فزع اکبر یعنی روز قیامت.

و نیز از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمودند مردگان را چون پیش از طلوع آفتاب زیارت کنید می‌شنوند و جواب می‌دهند شمارا، اگر بعد از طلوع آفتاب زیارت کنید می‌شنوند و جواب نمی‌دهند (همچنین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل است که فرمودند هرگز قبور مؤمنین را در شب زیارت مکن) از اصحاب آن حضرت نقل است که فرمودند: هدیه بفرستید برای مردگان خود پس گفتیم که چیست هدیه مرده‌ها فرمود صدقه و دعا و فرمود ارواح مؤمنین می‌آیند هر جمعه به آسمان دنیا مقابل خانه‌ها و منزلهای خود و فریاد می‌کنند به آه حزین و باگریه که ای اهل من و اولاد من ای پدر من و یا مادر من، خویشان من مهربانی کنید بر ما به آنچه بود در دست ما و عذاب و حساب او بر ماست و نفعش برای غیر ما و هر یک فریاد می‌کنند خویشان خود را مهربانی کنید ما را.

و نیز روایت است که فرمود هر صدقه که برای مرده داده می‌شود می‌گیرد آن را

ملکی در طبقی نور که درخشان است شعاع آن و می‌رسد به هفت آسمان، پس می‌ایستد بر لب قبر و فریاد می‌کند «السلام علیکم یا اهل القبور» اهل شما فرستادند این هدیه را برای شما پس آن را می‌گیرد و داخل در قبر خود می‌کند و با آن خوابگاهش فراخ می‌شود و دهها نمونه روایات دیگر در ثواب زیارت قبور مؤمنین و فواید عظیمی که بر آن مترتب است اما از سویی دیگر زیارت قبور باعث عبرت و آگاهی و زهد و بی‌میلی به دنیا و رغبت به آخرت است و در وقت اندوه و شادی بسیار باید به قبرستان رفت^۱.

حال روی سخن با کسانی است که در طول تاریخ در محو قبور بزرگان و مؤمنین کوشیده‌اند. اگر قبور محو شود مردم کجا را زیارت کنند و مفهوم این احادیث چه خواهد شد؟ سخن را با ابیاتی از نظامی گنجوی در خصوص عبرت گرفتن از اموات به پایان می‌بریم:

زنده دلی در صف افسردگان	رفت به همسایگی مردگان
حرف فنا خواند ز هر لوح پاک	روح بقا جست ز هر روح پاک
کارشناسی پی تفتیش حال	کرد از او بر سر راهی سووال
کین همه از زنده رمیدن چراست	رخت سوی مرده کشیدن چراست
گفت پلیدان به مفاک اندرند	پاک نهادان ته خاک اندرند
مرده دلانند بروی زمین	بهر چه با مرده شوم همنشین

۱- نقل روایات از مفاتیح الجنان، مرحوم شیخ عباس قمی رحمه الله تعالی علیه در

همدمی مرده دهد مردگی	صحبت افسرده دل افسردگی
زیرگل آنانکه پراکنده اند	گرچه به تن مرده به دل زنده اند
مرده دلی بود مرا پیش از این	بسته هر چون و چرا پیش از این
زنده شدم از نظر پاکشان	آب حیاتست مرا خاکشان

قبرستان شرقی خوانسار

قبرستان شرقی خوانسار که امروزه در مجاورت خیابان ۱۳ محرم واقع گردیده در گذشته به قبرستان پشت بازار بالا موسوم بوده است. بازار بالا از جمله بازارهای پر رونق خوانسار بوده و به تدریج به دنبال گسترش شهر به سمت شمال رونق خود را از دست داد تا اینکه در سال ۱۳۷۰ توسط شهرداری بطور کلی تخریب گردید و عملاً قبرستان مجاور خیابان قرار گرفت. علت نامگذاری این خیابان نیز به نام ۱۳ محرم به این سبب است که در ۱۳ محرم الحرام سنه ۱۳۹۹ مطابق با ۲۳ آذرماه ۱۳۵۷ تعداد ۴ تن از عزیزانی که در راه پیمایی جهت براندازی رژیم پهلوی شرکت نموده بودند به درجه رفیع شهادت نائل آمده و بدین سبب خیابان فوق به نام سالروز شهادت این عزیزان نامگذاری گردیده است شهدای این حادثه عبارتند از: شهید سعید غضنفری شهید جواد عساری، شهید محسن سقایی و شهید اصغر عرب (شبان) رحمه... علیهما

قبرستان شرقی بزرگترین و قدیمی ترین قبرستان خوانسار بوده و به همین خاطر بزرگان بسیاری در آن در جوار رحمت حق آرمیده اند که به ذکر اجمالی از مشاهیر مدفون در آن می پردازیم.

سید حسین خوانساری (۱۱۹۱ هـ) دارای بقعه

ابوالمفاخر حسین بن ابوالقاسم جعفر بن حسین حسینی موسوی خوانساری. عالم امامی، محقق، متولد، ساکن و متوفی در خوانسار. از پدرش و ملاصادق (ابن سراب) روایت نموده خود از مشایخ اجازه بحرالعلوم و میرزای قمی بوده است از آثارش: **تعلیقات شرح لمعه، حواشی ذخیره و شرح دعای ابوحمزه** را می‌توان نام برد.^۱ در سال ۱۳۷۳ بر اثر گسترش خیابان ۱۳ محرم مرقد منور ایشان در مسیر خیابان واقع گردید که با عنایت مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای دستور به حفظ مرقد منور ایشان داده شد و مرقد ایشان مجدداً نوسازی گردید.

سید ابوالقاسم ابن سید حسین خوانساری (م ۱۲۴۰ ق)

ابوالقاسم ابن سید حسین خوانساری معروف به آقا میرزا پدر مرحوم حاج زین العابدین و جد صاحب روضات است. مدفن ایشان در فاصله اندکی از مرقد سید حسین خوانساری قرار دارد وی از علما و فقها عصر خود در خوانسار بوده و مردم خوانسار و اطراف آن عقیده تمامی در زهد و تقوی و استجابت دعای وی داشته و همواره در شداید و گرفتاریها به واسطه اهداء نذور و احترام و فور او به مقاصد خود

۱- شرح زندگانی سید حسین خوانساری در جغرافیای خوانسار، جلد دوم ص ۲۰۰ - ۲۰۱

و نیز دانشمندان خوانسار ص ۳۵۷، علمای بزرگ شیعه ص ۱۹۱ و نیز مناہج المعارف، ص ۱۷۹، اعیان الشیعه ج ۵، ۴۶۷ الذریعه ۶ - ۵۸، ۱۳ - ۲۴۶، ۱۳ - ۳۰۷، روضات الجنات ۲، ۳۶۷، ریحانة الادب ۲ - ۱۸۹.

نائل می شده‌اند.^۲

سید محمود بن آقا میر عظیم (م ۱۳۱۵ ق)

آیه‌الله سید محمود بن آقا میرعظیم خوانساری، متولد، بزرگ شده و متوفی در خوانسار، شاگرد آیه‌الله میرزا هاشم چهارسوقی و دارای اجازه از ایشان. از مرحوم سید محمود بن آقا میرعظیم چندین رساله در فقه و اصول برجای مانده است. نسخه رساله‌های ذیل تألیف خوانساری در ضمن مجموعه شماره ۱۱۳۶ کتابهای اهدایی مرحوم محمد مشکات به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

- ۱- رساله فی حجة الكتاب ۲- رساله فی الحظر و الاباحة ۳- رساله فی الاء جماع
- ۴- رساله فی قاعدة لا ضرر ۵- گفتاری در مسأله تعارض استصحاب با قاعده ید
- ۶- گفتاری در قاعده لا ضرر ۷- رساله فی جواز المعاملة المحاباتیة ۸- رساله فی الغیبة ۹- رساله فی الغناء ۱۰- گفتاری در رهن ۱۱- گفتاری در جواز حیل ربا
- ۱۲- گفتاری در طلاق^۳.

ماده تاریخ وفات مرحوم سید محمود را مرحوم بدیع در دوازده بیت چنین آورده که بر لوح قبر ایشان حک شده است:

۲- رجوع کنید به دانشمندان خوانسار، صص ۳۰۹ - ۳۰۱۲، مکارم الاثر، ج ۴ ص ۱۱۰۳ اعیان الشیعه ج ۴، ص ۹۴ و ج ۲، ص ۴۰۵ و گنجینه دانشمندان ج ۱، ص ۳۲۳.

۳- به نقل از از میراث فقهی، جلد ۱ رساله فی الغناء تألیف سید محمود ابن عبدالعظیم خوانساری.

از تقاضای تَرَدش ایام
 پیای بست جغای دوران شد
 منبع علم و کان و فضل و کمال
 مقتدای جهانیان محمود
 از جهان رفت در مصیبت او
 تانپان شد به خاک تیره حسین
 سال تاریخ این مصیبت را
 گفت فرزند ناز پرور من
 آیة اللہ آه گشته نهان
 پس یکی زد بسر زغم گفتا
 بساز کسک سدیع کرد رقم
 چون جهان را الم گرفت بگفت
 زین الم رفت رونق از اسلام ۱۳۱۵

منخسف شد بخاک ماه بتمام ۱۳۱۵
 دستگیر از اهل و ایتم شد ۱۳۱۵
 یا حی کفر و حامی اسلام ۱۳۱۵
 که بر او باد صد درود و سلام ۱۳۱۵
 عالمی را گرفته رنگ ظلام ۱۳۱۵
 خاک را رتبه بر از اجرام ۱۳۱۵
 کردم از اهل فضل استعلام ۱۳۱۵
 ثلم من وفاته الاسلام ۱۳۱۵
 شده تاریخ این مصیبت عام ۱۳۱۵
 زجهان رفته حجة الاسلام ۱۳۱۵
 ای وای از خسوف ماه تمام ۱۳۱۵
 چون جهان را الم گرفت بگفت

گفتنی است که شجره طیبه سادات عظیمی خوانسار از مرحوم آقا سید محمود بن آقا
 میرعظیم چنین است: اقا میرزا محمود بن آقامیرعظیم ابن میر سید محمد علی ابن میر
 سید ابراهیم ابن اقا میر فصیح ابن سید الجلیل عبدالغفار مشهور به میر غفور و سپس
 با ۲۲ واسطه به امام همام حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام می رسد که تفصیل آن در
 ذکر آقا میر غفور خواهد آمد.

ملاً محمّد حسن «حاج آخوند جلالی»^۱ (۱۲۶۴ - ۱۳۴۳ ش)

مرحوم ملاً محمّد حسن معروف به حاج آخوند جلالی در سال ۱۲۶۴ در خوانسار متولد، تحصیلات مقدماتی را در خوانسار به پایان رساند و راهی نجف اشرف و کربلای معلّا گردید و از محضر علماء بزرگ بهره فراوان برد و به درجات عالی رسیده و علاوه بر کسب علوم ظاهری با تمسک به ارواح طیبه ائمه اطهار به تحصیل مقامات معنوی پرداخت وی شخصی بزرگوار و خطیبی شیرین گفتار و محدثی دانشمند بود که در پرتو ایمان ملکات فاضله و مواظبت در واجبات و اهتمام در مستحبات، عالمی عامل و واعظی مدافع حق بارآمده بود. کامل^۲ از شعرای هم عصر وی در خوانسار در رثای وی اشعاری سروده که بر لوح قبرایشان حک شده بدین شرح:

از دیار ما دریغا آفتابی شد نهان

زیر ابر تیره فام ارتحال از این جهان
حاجی آخوند جلالی آفتاب علم و حلم
واعظی بس متفذاستاد و فخر همگان
چون گذشت از ماه روزه سیزده روز تمام
نیمه شب لبیک حق را داد پاسخ ناگهان
که به محراب عبادت اوج معراج خلوص
که به منبر در نصیحت موج بحر درفشان

۱- شرح زندگانی ایشان در فرزندگان خوانسار، ص ۱۵۰ مذکور است.

۲- سید کمال الدین نبوی فرزند سید یوسف مدرسی از روحانیون و شعرای خوانسار و تخلص وی کامل بوده است شرح زندگانی ایشان در همین تذکر مذکور است.

آمر معروف و ناهی بود از منکر همی
می‌گرفت احکام شرع از نطق او همواره جان
بر سر منبر کلام الله را با لطف خاص
از برای مستمع می‌کرد تفسیر و بیان
کامل بیچاره پرسید از خردسال وفات
پاسخش را داد لیکن با صد افسوس و فغان
آسمان از مصرع فوتش بیفکن پس بگو
«ماه در زیر خاک و آه ما در آسمان»

۱۳ رمضان ۱۳۸۴

سید محمد واعظ (م ۱۳۱۹ ق)

سید محمد واعظ معروف به سید آقا و متخلص به وهّاج از فضلاء اهل منبر و از
شعرای زیر دست خوانسار بوده است چون شرح زندگانی آن فاضل مفصلاً در بخش
اول کتاب آمده است به بیان لوح قبر ایشان بسنده می‌نماییم:

کل من علیها فان و یبقی وجهک ذوالجلال والاکرام

قد ارتقی من اسفل عالم طلیعة الی اعلی عوالم الحقیقة السیدالسند و العالم
الممجّد رتبه المنبر ماح الاثمة الاثنی عشر، صدرالواعظین و رئیس المحدثین آقا
سید محمد ابن سید الزاهد الراکع والعابد والعالم الساجد الامیر علی اصغر قدس سرهما
قد توفی فی السابیع والعشرین من شهر محرم الحرام من شهر سنه ۱۳۱۹.

شد چو سید محمد از دوران فرش تا عرش پر شد از افغان
 قطع شد فیض و نسخ شد احکام ماند منبر تهی ز سحر بیان
 چون برون رفت زین سرای غرور سوی فردوس گشت جاویدان
 گفت اختر برای تاریخش «او به قصر جنان گرفته مکان»
 عمل استاد رضا اصفهانی ۱۳۱۹

آخوند ملا محمد علی حکیم ایمانی (م ۱۳۴۴ ق)

مرحوم حکیم از علماء بزرگ خوانسار بوده و ظاهراً حضرت امام خمینی (ره) مدت شش ماه نزد آخوند حکیم بهره برده‌اند. مرحوم آیت الله حاج آقا حسین عنایتی (ره) در مقام ایشان می‌فرمایند:

در اصفهان خواستم حکمت بخوانم روزها می‌رفتم نزد استادی که پس از انجام کلی تشریفات نصف صفحه منظومه برانم می‌گفت با خود گفتم برگردم خوانسار ببینم آخوند حکیم چگونه است وقتی آمدم او را دریایی از عرفان و حکمت دیدم^۱.

بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

«مرقد حضرت قطب العارفین، زبدة السالکین فیلسوف ربانی، حکیم صمدانی، مرحوم خلد مکان، آخوند ملا محمد علی حکیم ایمانی قدس سره که در ماه رمضان ۱۳۴۴ قمری دعوت حق را لبیک گفت.

بنا بر آنچه در «ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان» آمده است حکیم بزرگوار مرحوم آخوند محمدعلی حکیم ایمانی که استاد علوم عقلی بوده در منزل خود حوزه درسی تشکیل می‌داده است.^۱

آخوند ملا محمدعلی اسراری (م ۱۳۵۸ ق)

مرحوم آخوند اسراری از علماء و وعاظ معروف خوانسار بود و ظاهراً بدان سبب به اسراری شهرت یافت که مدرس اسرار الحکم مرحوم سبزواری بوده است بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

هو الحی الذی لا یموت

خط الموت علی ولد آدم و مخط القلاده علی جید الفتاة

الا ان من مات علی حب محمد و آل محمد مات شهیداً

هذا المرقد الشریف للعنصر اللطیف العالم الفاضل، زبدة اهل التحقیق

و قدوة اهل التدقیق، الشیخ الزکی التقی، مولانا جناب الآخوند

محمدعلی اسراری نجل المرحوم المبرور حاج حسن طاب ثراهما

فی شهر رجب ۱۳۵۸

ملا حسن مقدس (م ۱۳۱۳ ق)

مرحوم ملا حسن مقدس نجل مولانا حاج محمد از زهاد معروف خوانسار بوده و مشهور است که پیکر مطهر او را پس از دفن، ملایک الهی به کربلای معلّی

۱- ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ، جلد ۲ ص ۵۲۴.

عزیمت داده‌اند. مرقدش در خوانسار امروزه زیارتگاه اهالی است بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

یحزنون قدار تحل من دار الغرور الی دار السرور، المؤمن المرحوم، العالم الزاهد
التقی النقی الواحد الموحّد والمؤمن الذی عجز ان مدايحه اللسان اللسان
أخوند ملا حسن ابن المرحوم المبرور الواصل الی جوار الصمد الحاج محمد فی
الاولان من شهر رمضان المبارک ۱۳۱۳.

مرحوم بدیع از شعرای هم عصر وی در وصف وی چنین سروده است:

منبع علم و فضل و زهد و کمال	مهبط رحمت خدای مجید
افتخار جهان حسن که به زهد	مثل او دیده زمانه ندید
چون که حب الوطن من الایمان	مرغ روحش در آشیانه پرید
بهر تاریخ او نوشت بدیع	«شده محشور با حسین شهید»

۱۳۱۳

ملاً حسین - (م ۱۳۱۳ ق)

ملاً حسین ابن مرحوم حاجی محمد صادق المقدس نورالله مرقده در سنه ۱۳۱۳ به دیار باقی شتافت مرحوم اختر اشعاری در مدح او سروده که یک بیت آن چنین است:

بهر تاریخ وفاتش کلک اختر زد رقم
«شد روان با مجد حاجی سوی فردوس برین»

۱۳۱۳

آخوند ملا حسن - (م ۱۳۳۶ ق)

ظاهراً مرحوم آخوند ملا حسن همان است که در بین عوام به ملا حسن روغن چراغی مشهور است و این بدان سبب است که بنا بر مشهور به جای روغن در چراغهای روشنایی که سابقاً متداول بوده است آب ریخته و از روشنایی چراغ بهره می برده است؟! بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

کل من علیها فان

هذا القبر المؤمن المرحوم آخوند ملا حسن ولد مرحوم مغفور ملا ملک محمد

غره رمضان سنه ۱۳۳۶

آخوند ملا محمد اسماعیل قاضی (م ۱۳۴۰ ق)

آخوند ملا محمد اسماعیل نجل مرحوم فردوس آشتیان آخوند ملا عبدالله قاضی طاب ثراهما قاضی شرع خوانسار بوده و در سال ۱۳۴۰ وفات یافته است سر سلسله این خاندان ملا بدیع خراسانی است که از طرف سلاطین صفویه قضاوت خوانسار را به عهده داشت و از آن تاریخ اولاد و احفاد و ملا بدیع بیشتر مرجع امور قضایی بوده اند.^۱

بر لوح قبر ایشان اشعاری از قاضی زین العابدین برادرش آمده است که وی نیز از قضات خوانسار بوده و در سنه ۱۳۲۳ در خوانسار بدرود حیات گفته و قبرش نامعلوم است. اشعارش چنین است:

۱ - تذکره شعرای خوانسار، ص ۱۶۲.

قاضی شرع احمد مرسل	سالک ملت حنیف حنیل
ارجعی را جواب داد و شتافت	به جوار کریم رب جلیل
وقضی نحبه علی السبعین	هادی القوم حافظ التنزیل
بهر تاریخ رحلتش بنوشت	اخ غمیده عابدین علیل
دهه دوم مه شعبان	«به جنان شد مقام اسماعیل»

آخوند ملا صادق سمیعی (م ۱۳۴۷ ق)

آخوند ملا صادق فرزند آخوند ملا کاظم و ایشان فرزند آخوند ملا ابراهیم و ملا ابراهیم فرزند ملا سمیع است مرحوم ملا سمیع از علماء و فضلاء قرن سیزدهم است و در سال ۱۲۹۵ در سن هشتاد سالگی در نجف اشرف بدرود حیات گفته و در وادی السلام مدفون است بنای مسجد محله جوزچه را به وی نسبت می دهند. مرحوم سمیع به سرودن شعر نیز می پرداخته است.^۱ مرحوم ملا صادق در سنه ۱۳۴۷ به

۱- چون در این تذکره جایی برای ذکر مرحوم ملا سمیع وجود ندارد به جهت گرامیداشت آن مرحوم اشعاری را که مرحوم شهاب در بنای مسجد جوزچه سروده است متذکر گشته و از خداوند علو درجات آنان را مسئلت داریم.

شکر لله که شد ز لطف خدا	این مکان مکه این زمین بطحا
گشت این موضع بهشت نسیم	مسجدی از مساجد علیا
چون سپهر از زمین بود برتر	صحنش از سقف مسجد اقصی
بیت معمورش از جهان اوسع	سقف مرفوعش از فلک اعلا ﷻ

رحمت حق پیوسته است مرحوم افسر اشعاری در مدح او سروده است که بر لوح قبر ایشان نقش بسته ، ابیاتی از آن چنین است:

امّة خاص سیّد الثقلین	شیعه خلّص ابی الحسنین
نام نیکش محمدّ صادق	کَهِف العمار حاجی الحرمین
بحر فضل و کمال و زهد و ورع	جمله را بود مجمع البحرین

یابد از گلشن خوشش دل و جان	تشنه باغ جنت المأوی
در زمانش کلیم اگر می بود	ننهادی بطور سنین پا
دیده بود از مسیح بامش را	آسمانها نمی شدش مأوا
ساعی و بانیش ز صدق و یقین	ملجأ خلق اسعد و سعدی
زائر مکه حاجی الحرمین	حاج ملا سمیع خوش سیمای
آنکه از کعبه تقدس او	بهره ورگشت حاجی دنیا
آنکه بهر تهجدش پروین	هست بیدار چون دل دانا
آنکه از بهر سیر بندگیش	همه چشم است نرگس شهلای
وز گل طاعتش گلشن عمر	گلستان است صفحه غبرای
این مکان شریف تا به ابد	باد بر پا چو گنبد مینای
باد دست حوادث دوران	از درش دور تا بروز جزای
چون شهاب فقیر تاریخش	از خرد جست و گشت از او جویای
گفت (یا قوم ان معبدنا	مسجد اُسّس علی التّقوی)

بود هفتاد سال بلکه فزون	با حسینش مدام در شفتین
چون نبودش بغیر جسم حجاب	با شه تشنه کامش اندر بین
روز فطر وصال کرد ایثار	پرده برچیده حضرتش از بین
سال تاریخ فوت او افسر	سفت دُر گرانی از صدفین
کرد پرسش زجبرئیل خیال	«قال هذالعز فی نیر الدارین»

آقا میرزا یوسف صدری (م ۱۳۵۷ ق)

آقامیرزا یوسف صدری فرزند محمد حسین شفیع - صدرالمشایخ خوانسار - از بزرگان علم و ادب شهر بوده و در سن ۶۰ سالگی دار فانی را وداع گفته و مجاور مرقد صدرالمشایخ مدفون است بر لوح قبر ایشان اشعاری از مرحوم افسر خوانساری چنین آمده است:

یوسف دار فنا در مصر باقی جا گرفت
روح پاکش جایگه در سینه سینا گرفت
گنج دانش شد نهان در خاک جسم اطهرش
مرغ روحش آشیان در ذروه اعلا گرفت
داعی حق را اجابت کرد انصار حسین
صدری اندر سدره جان دامن مولا گرفت
بود چون نام حسینش ورد لب پنجاه سال
سر خط آزادگی از زاده زهرا گرفت

یک جهان فضل وادب یک عالمی فهم وکمال
 ملک عزت را به تیغ عشق بی پروا گرفت
 یوسف آساز زلیخای فنا پوشید چشم
 مصر باقی را جناب او به یک ایما گرفت
 افسر اندر سال فوتش جست تاریخی نکو
 فی الحقیقة این دو فرد از عالم بالا گرفت
 شام عاشورا هزار و سیصد و پنجاه و هفت
 یوسف صدیق جا در جنت المأوا گرفت
 ۱۳۵۷ هـ ق

شیخ محمد مهدی فاضل (۱۲۹۲-۱۳۵۵ ق)

مرحوم آیه الله شیخ محمد مهدی فاضل فرزند محمد اسماعیل در خوانسار متولد، تحصیلات خود را از زادگاهش در مدرسه مریم بیگم صفوی آغاز و سپس رهسپار حوزه اصفهان گردید و از بزرگان حوزه اصفهان کسب فیض نموده و در سال ۱۳۱۸ به نجف اشرف عازم و تا سال ۱۳۲۱ به کسب علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام پرداخته و سپس عازم خوانسار شد و برای مرتبه دوم در سال ۱۳۲۳ عازم نجف گردید و در پایان سال ۱۳۲۷ با اخذ اجازه اجتهاد از علماء وقت به خوانسار بازگشت و تا پایان عمر در این شهر به رتق و فتق امور مردم همت گماشت و در سال ۱۳۵۵ به جوار حق شتافت.

قبر شریفش مجاور قبر مرحوم صدرالمشایخ است و بر لوح قبر ایشان اشعاری

اینچنین از مرحوم افسر آمده است:^۱

بدور چهره دنیا نوشته‌ای عاقل	حیات نخل وجود است مردنش حاصل
الاگذر چه کنی اندراین مکان شریف	بهوش باش دراین خاک پامنه غافل
که گنج علم و عمل حاوی فروع و اصول	برحمت ابدی از جهان شده واصل
ملاذ و ملجأ اسلام ناشر الاحکام	فقیه و صاحب محراب و عالم و عامل
همیشه حامی شرع و مدام محیی دین	مطیع امر خداوند و دشمن باطل
امین دین محمد «محمد مهدی»	وحید عصر و فرید زمانه و کامل
به سال فوت حیاتش رقم زدی «افسر»	یگانه مصرع نغزی زهرجهت قابل
روان بدار بقا شد سلیل اسمعیل	سمی مصلح دین محمدی «فاضل»

۱۳۵۵

آقا سید جمال الدین محمودی (م ۱۳۲۶ ش)

آقا سید جمال الدین محمودی از روحانیون بنام و علمای بسیار مورد احترام شهر خوانسار بود. مردی متقی، اهل علم و عمل که زندگی اش در نهایت سادگی به کسب معارف و ترویج شریعت مقدس اسلام و خدمت به مردم طی شد و در نیمه راه زندگی به سبب ابتلاء به عارضه آپاندیس درگذشت. مطالب ذیل متن خبر مربوط به درگذشت ایشان است که از شماره ۱۸ مجله آیین اسلام سال ۱۳۲۶ برگرفته شده است:

۱- شرح زندگانی و آثار ایشان مفصلاً در: نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله فاضل

دفتر اول - صص ۱۴ - ۴۶ آمده است.

«سرکار ملاذ اسلام مروج الملة و الدین آقای آقا جمال الدین محمودی که از خانواده سادات عظام و روحانیون فخام بود و خود معظم له نیز از اجله علمای اعلام به شمار می‌رفته صبح جمعه ۲۶/۵/۳۰ بعد از فریضه صبح چهار تکبیر گفته و از ما سوی الله دست شسته و به جوار حضرت حق شتافته و فوری در مسجدی که خود آن فقید سعید امامت می‌فرمودند^۱ مجلس ترحیم باشکوهی منعقد گردید که عموم طبقات شرکت نمودند. حضرت آیت الله خوانساری^۲ متع الله المسلمین به طول بقائه بعد از ظهری برای مرتبه دوم مجلس را به قدوم مبارک مزین و نماز به جنازه (با جماعت زیادی که اقتدا نمودند) قرائت فرمودند و روز شنبه و صبح دوشنبه مقارن ظهر مجلس ترحیم از طرف حضرت آیه الله برپا بود و تجار و کسبه هم به احترام آن مرحوم از روی میل این دو روز را تعطیل نمودند»^۳

-
- ۱- منظور مسجد مرحوم آقا سید الله رحمة الله علیه ، لازم به ذکر است که بعد از مرحوم آقا جمال محمودی مرحوم آیه الله خوانساری مرحوم آقا محمد فخرائی را به امامت جماعت فوق برگزیده و خود در نماز ایشان نیز شرکت جستند. رحمة الله عليهم اجمعین
 - ۲- منظور مرحوم حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری (ره) است.
 - ۳- برگرفته از: تجریشی حمید، مرغ شبا هنگ یادنامه استاد آوازه‌های ایرانی محمود محمودی خوانساری انتشارات فکر روز چاپ اول ۱۳۷۷ ص ۱۹ و ۲۰، مرحوم آقا جمال پدر هنرمند معروف محمودی خوانساری است.

مرحوم آقا جمال در ماه شوال و برادرش مرحوم آقا حسن در ماه محرم سال ۱۳۶۶ به رحمت ایزدی پیوسته و هر دو در کنار هم مدفون و لوح قبر ایشان مشترک است. مرحوم افسر ماده تاریخی در فوت ایشان سروده است که بر لوح قبرشان چنین آمده است:

این خاک که بارطنش ریاض است و قصور بی فاتحه ز نهار مزنگام عبور
آرامگه جسم جمال الدین است آثار جلال حق در او کرده ظهور
از دوحه احمد است ابن محمود در بندگی خدا نفرموده قصور
همسایه او برادر او حسن است کو آمده از بهر تحسن به حضور
یارب به جلال و حرمت آل رسول بگذر ز همه روز غم...^۴ آشور
از سال وفات آن دو افسر پرسید در مجمع فکر اینچنین داد شعور
چون سیصد و شصت و شش فزون شد ز هزار از گردش سال هجری و سیر شهور
در ماه محرمش حسن فوت نمود شوال جمال رفت در دار سرور

حاج میرزا آقا واعظ زاده برهانی (م ۱۳۳۹ ق)

مرحوم حاج میرزا آقا واعظ زاده برهانی از واعظ و محدثین به نام خوانسار بوده و در سنه ۱۳۳۹ به رحمت ایزدی پیوسته است. مرحوم فرسود از شعرای همعصر وی در ماتم وی چنین سروده است:

ریزد از بام چرخ مینا فام بهر ما رنج و غصه و آلام

ساقی دهر هر زمان ریزد	بین چگونه شراب غم در جام
وامصیبت که رفت از برمان	مقتدای زمان ملاذ انام
آنکه از سعی او شریعت بود	متصل حفظ و دایماً به نظام
ملت احمدی از او محکم	مذهب جعفری از او به قوام
بهر ارشاد خلق در همه عمر	بود و مشغول بر خواص و عوام
سید القوم حاجی میرزا آقا	که بود اصل او شفیع به نام
واعظ بی بدل وحید زمان	ناصر دین مروج الاحکام
پی تاریخ رحلتش فرسود	کلک ماتم زده دو مصرع تام
«به جنان رو نمود دراین عالم	هادی ملک و ملت اسلام»

آقا میرزا محمد مهدی علوی (۱۲۹۱ - ۱۳۲۹ ق)

آقا میرزا محمد مهدی علوی پدر مرحوم آیه الله حاج سید حسین علوی رحمه الله علیهماست. تولد در خوانسار، تحصیلاتش در اصفهان و نجف، آثارش: تحریر دوره‌های اصول فقه آیتین خراسانی و یزدی که منتشر نگردیده است. ایشان از هوش و ذکاوت خاص برخوردار و در سن جوانی به درجه اجتهاد نائل آمدند و به امر استاد خویش مرحوم خراسانی به ایران آمده و در خوانسار فقیه عدلیه شد ولی متأسفانه در سن ۳۸ سالگی دیده از جهان فرو بست.^۱ مرحوم افسر از شعرای معاصر وی در رثایش اشعاری سروده است که بر لوح قبرش چنین آمده است:

۱ - فرزانه‌ای از خوانسار، ص ۳۹

گذر کردی چو در این خاک مگذر که دارد گوهری این خاک دربر
 در این گنجینه گنج پر ز علمی است ز آل پاک والای پیمبر
 دو نسبت با محمد دارد این گنج که هر یک زان یکی باشد نکوتر
 بنام و نسبتش مصداق خواهی ز قرآن سوره الفجر و کوثر
 ز القابش بخواهی گر تو مهدی است سَمی آنکه حق را گشته مظهر
 بروز رحلتش از دار فانی ملک با ناله گفت الله اکبر
 ز پیر فکر با حالی پریشان نمودی سال فوتش پرسش افسر
 بگفت با غره مه ماه جویی «فزون گرده کنی آید به منظر»
 اول محرم الحرام ۱۳۲۹ هـ ق

محمد حسین شفیع (صدرالمشایخ م ۱۳۳۶ ق)

محمد حسین شفیع ملقب به صدرالمشایخ^۱ و متخلص به اختر از فضلا و شعرای معروف قرن اخیر خوانسار است و نسبتش به شیخ اباعدنان عارف مدفون در بقعه پیر واقع در سرچشمه می‌رسد. اختر در ساختن ماده تاریخ مهارتی تام داشت در گفتن ماده تاریخ او را همپایه نصر آبادی و آتش اصفهانی دانسته‌اند.^۲ اختر در

۱- لقب صدرالمشایخ از سوی ظل السلطان حاکم اصفهان در سنه ۱۳۱۳ به وی اعطا و با وجود عدم پذیرش وی و اجتناب از این امر بر اثر رجوع مردم به وی جهت رتق و فتق امور به اجبار می‌پذیرد. رجوع کنید به بخش نخست کتاب مقالة مروری بر زندگانی صدرالمشایخ خوانسار

۲- تذکرة الشعرا، خوانسار، ص ۱۶

مرگ نظام الشریعه بدیع ماده تاریخی ساخته که مشتمل بر ۱۲ بیت و هر ۲۴ مصرعش برابر با ۱۳۲۹ فوت بدیع است. بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

هو الغفور الودود

قد ارتحل من دار الفناء الى عالم فصحة البقاء المشتاق الى المجاورة الملاء
الاعلى العالم الربانى و الفاضل الضمدانى سبحان العجم و حسان الامم قطب
الحكماء المشايخين قدوة العلماء الراشدين الحاج شيخ محمد حسين طاب ثراه و
انشد قدس سره هذا البيت اوان تاريخ وفاته فى شهر محرم ۱۳۳۶.

مرحوم اختر ماده تاریخی در وفات خود سروده است که بر لوح قبر ایشان حک شده است بدین شرح:

از حادثات دهر حسین شد چه ناتوان قصد رحیل کرد همی گفت با فغان
آن کس که با ولای علی شد چه غم خورد ز اندیشه حساب که دادندشان مغان
فردا که عاصیان شفیعی کنند رو دستی بزن به دامن سلطان انس و جان
اختر برای سال وفات خودت بگو «رفتم چه با ولای علی فاش از جهان»

۱۳۳۶

شیخ جواد بن شیخ حسین (م ۱۳۲۱ ق)

شیخ جواد بن شیخ حسین و سبط الشیخ الاجل الشیخ اباعدنان (مدفون در سرچشمه) از وعاظ و خطباء خوانسار بوده، مرحوم اختر ماده تاریخی در مرگ او سروده است که بر لوح قبر ایشان آمده است ابیاتی از آن چنین است:

جواد مظهر سلمان و بودردوران سپهرزهد و ورع سبط شیخ اباعدنان
محیط فضل و هنر جامع حدیث و خبر صحیح فحل و طلیق لسان فصیح بیان

چورفت سوی جنان آن جهان علم‌و ادب فغان و ولوله برخاست از زمین و زمان
برای سال فوتش به ناله گفت اختر «جواد کرد ز نو در صفر سفر به جنان»

۱۳۲۱

میرزا رضا ملقب به نظام الشریعه^۱ (۱۲۶۸-۱۳۲۹ ق)

میرزا رضا فرزند محمد از شعرا و خوشنویسان بنام خوانسار بوده است. تخلص
وی بدیع و خط رقا و ثلث و نسخ را زیبا می‌نوشته و در خط نسخ استاد بوده.

بدیع ماده تاریخی در وفات خویش سروده است بدین شرح:

بسان سکه و زر چون مرا ولای علی است «مقیم جنت فردوس کرد یزدانم»

۱۳۲۹

صدرالمشایخ اختر در مرگ وی ماده تاریخی سروده است در دوازده بیت که هر بیست
و چهار مصراعش برابر با ۱۳۲۹ سال وفات بدیع است این ماده تاریخ بر لوح قبر
ایشان چنین نقش بسته است:

فغان و آه بدیع ادیب زود و جوان

برفت با دل پردرد از این بساط جهان ۱۳۲۹

جهان فضل و کمال آسمان مجد و جلال

بهین دهر و جهان خرد بدیع زمان ۱۳۲۹

۱- شرح زندگانی ایشان در تذکره شعرای خوانسار، ص ۳۲ آمده است.

نظام زهد لبیب جهان و بدر ادب

وحید بود و سخن آفرین بسان حسان ۱۳۲۹

کمال علم جهان رفت هازمرگ بدیع

نمود زود رضای بدیع جا بجنان ۱۳۲۹

نشان نداده عدیش کسی در این دامن

عیان ندیده قرینش ز مادر این سامان ۱۳۲۹

بهر که بنگری از خون دل نموده دوا

بهر کجا گذری آه و ناله بی پایان ۱۳۲۹

چو شد به جانب فردوس جای جان گفتم

شد ابن مقله ثانی همال جان بجنان ۱۳۲۹

بجامه چاک زد اختر بجد و زد آهی

شدم و حید که رفت از جهان بدیع زمان ۱۳۲۹

بگو چه خاک نمایم بسر ز هجر دمی

که نیست لوح کمالی چنین در این دوران ۱۳۲۹

ببین بسال وفات از حساب هر مصراع

بدان بخلد برین کرد جا بدیع جوان ۱۳۲۹

آقا صدرا عظیمی (م ۱۳۵۴ ق)

سید صدرالدین عظیمی معروف به آقا صدرا فرزند امیرزا محمود بن آقا

میرعظیم است. وی از علما و شعرای خوانسار بوده و از حضرات آیات آقا سید

ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی و آیه الله نائینی اجازه اجتهاد و روایت داشته است. از آثار اوست: رساله در فیزیک و شیمی، رساله جامعی در ارث و دیات و رساله در علم رجال^۱. مرحوم افسر در ماده تاریخ وفات وی چنین آورده است:

آفتابی از سپهر علم افلاک و کمال

گشت پنهان پشت ابر تیرفام ارتحال

نخبه آل محمد زبده آل علی

زاده محمود نیکو فطرت و نیکو خصال

مؤمنین راپیشواو مسلمین راره‌نما

در اصالت بی نظیر و در نجابت بی‌همال

حامی دین، محیی السنه، سراج المتقین

ناشراحکام شرع و گوهر درج لئال

پای تا سر غرقه چون ماهی بدریای علوم

از عمل پیوسته بودی وآله ومحوجمال

گشته از عبدی اطعنی حضرت اومستفیض

داده یزدانش ز مثلی در صفات خود مثال

سینه‌اش گنجینه از قول کنت کنز

قلب او مخزونه ابات انوار جلال

چون ندای ارجعی آمد به گوش حضرتش
 بست و لب را جز بلی دردار دنیا از مقال
 سال تساریخ وفاتش افسر روشن ضمیر
 کرد از پیر خرد با ناله و افغان سووال
 گفت افزون کن دو اندر آخرین مصرع بگو
«شام صدوالذین بدل گردیده با روز وصال»

$$۱۳۵۲ + ۲ = ۱۳۵۴$$

شیخ ابوالقاسم معلّی (م ۱۳۶۴ ق)

مرحوم شیخ ابوالقاسم معلّی ابن مرحوم شیخ آقا میرزا اسماعیل از شاگردان
 مرحوم آیه الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بوده و در خوانسار و گلپایگان و خمین به
 اداره مکتب خانه های قدیم پرداخته و پدرش مرحوم آقا میرزا اسماعیل در زمان
 ناصرالدین شاه معلّم کودکان دربار بوده است و به همین سبب به «معلّی» شهرت
 یافته اند. (مرحوم شیخ آقا میرزا اسماعیل در تهران مدفون است) مرحوم معلّی در
 ربیع الاول سنه ۱۳۶۴ دارفانی را وداع گفت و در قبرستان شرقی خوانسار مدفون است.

شیخ میرزا احمد (م ۱۳۶۳ هـ) (مهدویان)

مرحوم شیخ میرزا احمد ابن مرحوم میرزا عبدالحسین مهدویان^۱ از وعاظ و

۱ - مدفون در بقعه خاندان مهدویان

محدثین بنام خوانسار بوده، مرحوم افسر در رثای وی اشعاری سروده که بر لوح قبر ایشان حک شده است ابیاتی از آن چنین است:

در خلد ابد گشت ز توفیق مجلد

یک هیکل شایسته و یک روح مجرد

مجموعه علم و عمل و مخزن دانش

از فضل خدا بوده بطاعات مؤید

در مرتبه سلمان و باسرار کمیلی

در صدق و صفا بود ز دوران محمد

هم زیب منابرید و همزینت محراب

در نشر احادیث چه عمار مقید

افسر رقمی سال وفاتش زد و گفتا

یک بیت نکوئی که چه لعل است و زبرجد

چون سیصد و شصت و سه فزون گشت زیک الف

از هجرت خورشید جهان تاب محمد

احمد بجنان رفت از این دار پر آشوب

آسوده مکان کرده بفردوس مؤید

آقا میرزا آقا (م ۱۳۲۷ ق)

مرحوم آقا میرزا آقا فرزند مرحوم حاج محمد از عباد و زهاد عصر بود و مرحوم

اختر اشعاری در رثای ایشان سروده که دو بیت از آن چنین است:

اشک حسرت گشت جاری در زمین خاک غم شد بر سر اهل زمان
 اختر از بهر وفاتش زد رقم رفت سلمان زمین اندر جنان
 ۱۳۲۷

محمد حسن نجفی زاده (م ۱۳۷۲ ق)

مرحوم نجفی زاده فرزند آقا میرزا سید محمد از علما و فضیلا به نام خوانسار
 بوده است بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

هو الحی الذی لایموت

هذا المضعج الشریف والمرقد المنیف للعالم الجلیل والفاضل النبیل محمد حسن
 نجفی زاده ابن سید العلامة آقا میرزا سید محمد المتوطن بالعراق ابن میر محمد صادق
 امام جمعه و الجماعة ابن مولانا سید مهدی الکبیر ابن سید حسن بن سید حسین
 بن سید ابوالقاسم المدفون به قودجان معروف به قبر آقا ابن حسین بن قاسم...
 الامام موسی بن جعفر (ع)

سید محمد باقر ابهری (م ۱۳۶۴ ق)

مرحوم سید محمد باقر ابهری فرزند سید اسد الله از علماء بزرگوار خوانسار
 بوده بر سنگ قبر ایشان که دارای ارزش هنری بسیاری است چنین آمده است:
 هذا المرقد الشریف للعالم الحبر والعلامة الشهير، صاحب المناقب و المفاخر الحاج
 سید محمد باقر ابهری نجل السيد الجلیل المؤید من عبد الله الحاج سید اسد الله نجل
 امام جمعه والجماعة آقا میر محمد صادق بن السيد مهدی ابن سید حسن ابن حاج
 سید حسین ابن العالم حاج سید ابوالقاسم بن حسین... الامام موسی بن جعفر (ع)

سید میرزا محمدباقر مهدوی (م ۱۳۷۷ ق)

سید میرزا محمدباقر فرزند سید عبدالحسین از فرهنگیان فرهیخته و پرتلاش خوانسار بوده و تلاش بسیاری را در تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم بعمل آورد و به پاس خدمات فرهنگی ایشان مدرسه‌ای در خوانسار به نام ایشان «محمدباقر مهدوی» نامگذاری گردیده است. بخشی از اشعار حک شده بر سنگ قبر ایشان چنین است:

بلبل باغ ادب خفته در این جایگاه است

بحری از علم در این نقطه به خاک سیه‌است

یوسف علم و فضیلت که عزیز همه بود

از ستمکاری گرگ اجل اینجا بچه است...

مهر رخشان ادب نور پراکنده بسی

انجم روشن بیش ز صد ضرب ده است

مهدوی شهرت و هم نام امام اختر پنج

جد او ختم رسل آنکه به لولاک شه است...

شاد و آرام بخسب ای صدف گوهر علم

گرچه کار همه اجباب ز مرگت تبه است

حاج میرزا یوسف مدرّسی (م ۱۳۴۵ ق)

مرحوم میرزا یوسف مدرّسی از علماء و زهاد پرهیزگار خوانسار بوده و در مدت حیاتش هیچگاه نماز شبش ترک نشده بود در اصفهان از شاگردان آیه‌الله آقا

نجفی مسجد شاهی به شمار می‌رفت و چند سالی نیز در نجف اشرف از محضر علماء بزرگ بهره برد و به خوانسار مراجعت نمود و تا پایان عمر در خوانسار به ترویج دین اشتغال داشت و در سن ۶۵ سالگی در خزینۀ حمام وفات یافت و در جوار مقبره عموزاده خود مرحوم آقا میرمحمد تقی خوانساری مدفون است^۱.

سید کمال الدین نبوی (م ۱۴۱۱ ق)

حاج سید کمال الدین نبوی از وعاظ و منبریان معروف اخیر در خوانسار بوده وی فرزند مرحوم حاج میرزا یوسف مدرسی مذکور است ایشان دارای طبعی روان بوده و در سرودن شعر نیز مهارت داشته، تخلص وی «کامل» و اشعاری که بر لوح قبر مرحوم حاج آخوند جلالی حک شده، مرحوم نبوی سروده است اشعاری نیز در ماده تاریخ وفات خویش سروده که بدین شرح بر سنگ قبرش نقش بسته است:

در جهان هر کسی که آمد مُرد	هر که باشد اگر کلان یا خرد
شریت زندگی نباشد صاف	نیست صافی در این جهان دُرد
ای خوشا آنکه در جهان آمد	گوی نیکی به زور چوگان برد
سه بیفرا به شطر بعد و بگو	«حاجی سید کمال واعظ مرد»

$$۱۴۰۹ + ۳ = ۱۴۱۱$$

۱- شرح زندگانی ایشان در منهاج المعارف، ص ۸۹۵، نیز دانشمندان خوانسار

ص ۵۲۱، نیز فرزندان خوانسار، ص ۲۰۲ مذکور است.

میرزا یوسف حمیدی (م ۱۳۷۰ ق)

آقا میرزا یوسف حمیدی فرزند حاج میرزا رضا از وعاظ اهل منبر و از محدثین بنام عصر خود بود مرحوم خاضع در وفات وی اشعاری سروده که بدین شرح بر لوح قبر ایشان حک شده است:

یوسفم در چاه تن ای کردگار	شاید از لطف تو گردم رستگار
سجن عالم بود چون زندان مصر	من چو یوسف بر خدا امیدوار
عمری اندر ذکر و تهلیل و حدیث	وعظ مخلوقم بحق بودی شعار
منبر و مجلس مرا بودی مقام	در طریق شرع بودم ره سپار...
رب عاملنا بفضلك یا کریم	لا تعاملنا بعدل ای کردگار...
خاضع این تاریخ با دنیا بگو	«یوسف از دار فنا بر بست بار»

محمّدباقر طبیب (م ۱۲۵۱ ق)

میرزا محمّدباقر طبیب فرزند آقا حسین از اطبای نخستین خوانسار بوده است. اطلاعات موجود درباره او منحصر به سنگ نوشته قبر ایشان است بر سنگ نوشته ایشان چنین آمده است:

هذامرقد المرحوم العامل الحبر الكامل، الحکیم الفاضل میرزا محمّدباقر

طیب ابن المرحوم آقا حسین.

دارم از گردشت ای چرخ بدل عقده بسی

که بکام من دلخسته نگشتی نفسی

دائماً رسم و این بوده سپهر که دهی

زاغرا سر به گلستان و بلبل قفسی

زمن این کج رویهات چنان دشواراست
 که نهی کوه دماوند به بال مگسی
 لیکن این جورم از آن سخت تر آید صدبار
 که گرفتی زمن آن ملک بدن را عسی
 که بعهدش نگذشته است مرض رابه خیال
 که کند دست درازی و تطاول به کسی
 ثانی انیشتین و فلاطون محمد باقر
 که مرا بود به هر مرحله فریاد رسی
 حیف از آتش که ربود ازکف من باداجل
 بایدم برد کنون رنج ز هر خار و خسی
 زندگی باد برآن خالی از انصاف حرام
 که پس از وی بجز از مرگ نماید هوسی
 داد را داد من از چرخ ستمگر بستان
 که جز این نیست مرا از تو دگر ملتسمی
 زد رقم کلک اسیر از پی تاریخ وفاتش
 «از جهان سوی جنان رفته عجایب نفسی»

۱۲۵۱

میرزا ابوالقاسم طبیب (م ۱۳۲۱ ق)

از جمله پزشکان متدین و عالم خوانسار بوده ظاهراً مرحوم میرزا ابوالقاسم
 برادر محمدباقر طبیب است بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

قد احسن الوفود على رب الودود

الحائز الفنون و الفضائل الفائق على كل الاقران و لا تأمل بنوع الثقی و العلم
و محی الذین و مطمئس من آثار الحكماء المتألهین، وارث الحکمة من علوم الانبیاء
و المرسلین ذا الطول فی لطب جانة للأنس جالینوس و اهتدی به بقراط الی سواء
الطراط طمن اطباء العالم مولانا الأميرزا ابوالقاسم طبیب المقدم الحاج حسین
طاب الله ثراهما. الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون.

حکیم باشی ابوالقاسم چون سوی جنان رفت
روان از جمله اجسام خاص پیر و جوان رفت
برای سال وفاتش رقم نمود اختر

«مسیح عادل ابی القاسم از جهان به جنان رفت»

۱۳۲۱

چو از این دار فنا رفت سوی بزم جنان
عیسی عصر و مسیحای زمان قطب جهان
بهر تاریخ وفاتش رقم او زد اختر

«رفت عیسی نفسی یا ملکی سوی جنان»

۱۳۲۱

مرحوم میرزا ابوالقاسم دارای دو فرزند بوده ایشان نیز از اطباء حاذق به شمار
می رفته اند مدفن ایشان مجاور مدفن میرزا ابوالقاسم طبیب قرار دارد بر لوح قبر ایشان
چنین آمده است:

کل من علیها فان

قد ارتحل من دارالمحنة والغرور الى دارالكرامة والسرور المؤمن المرحوم

المبرور افلاطون الزمان الآقا ميرزا محمد باقر نجل المرحوم الآقا ميرزا

ابوالقاسم طيب سنة ١٣

آقا ميرزا محمد علی

مرحوم آقا ميرزا محمد علی فرزند دوم ميرزا ابوالقاسم بوده و در رشته داروسازی تخصصی تام داشته و متأسفانه در جوانی به رحمت ایزدی پیوسته است وی پدر آقا ميرزا احمد حکيم باشی می باشد. بر لوح قبرش چنین آمده است:

قد ارتحل من دار الغرور الى دار السرور المؤمن المرحوم المبرور الآقا

ميرزا محمد علی ابن المرحوم الآقا ميرزا ابوالقاسم طيب. (تاریخ وفات ایشان بر سنگ قبرش ذکر نشده است)

دکتر احمد حکيم باشی (م ۱۳۹۳ ق)

مرحوم حکيم باشی فرزند ميرزا محمد علی از پزشکان حاذق و از محبان اهل بیت علیهم السلام بوده است. کوی محل سکونت ایشان را اکنون کوی حکيم باشی می نامند. بر سنگ نوشته ای که در بالای قبر ایشان نصب گردیده چنین آمده است:

الاول من مات على حب آل محمد صل الله عليه وآله فُتِحَ لَهُ فِي قَبْرِ بَابِ إِلَى الْجَنَّةِ.
الاول من مات على حب آل محمد صل الله عليه وآله جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ
مدفون قبری که با دو در به بهشت زیارتگاه ملائکه رحمت است در انتظار حمد و صلوات شما است گفتن:

«اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن اعدائهم»

نشانه محبت شما به خاندان نبوت و موجب شادی روح محب اهل البیت مرحوم دکتر احمد حکیم یاشی متوفای ذیقعدہ ۱۳۹۳ می باشد^۱. از آثار ایشان کتابی است در پزشکی تحت عنوان «برء الساعه» که در کتابخانه مدرسه رضوی قم موجود است.

آقا میرزا ابوالقاسم علوی

آقا میرزا ابوالقاسم فرزند آقا سید علی مجتهد از علمای خوانسار بوده و در مدرسه علمیه مریم بیگم صفوی (علوی) به تدریس منطق و اصول پرداخته و از شاگردان ایشان مرحوم محمدحسن فاضلی مؤسس کتابخانه آیةالله فاضل، مرحوم شیخ حسن رضا سلطانی و حضرت آیةالله سید مهدی غضنفری امام جمعه خوانسار می باشد^۲.

سایر بزرگان مدفون در قبرستان شرقی

- ۱- شیخ محمدباقر مشایخی فرزند شیخ میرزا احمد، نماینده مردم خوانسار و گلپایگان در دوره اول مجلس شورای ملی، متوفای ۱۳۵۳ ق.
- ۲- سید هاشم محمودی فرزند حجة الاسلام میرزا محمود برادر آقا جمال محمودی متوفای ۱۳۶۱ ش.
- ۳- آقا سید یوسف فرزند سید مهدی الموسوی پدر مرحوم آیةالله العظمی حاج سید احمد خوانساری (ره) متوفای ۱۳۴۴ ق.

۱- لازم به ذکر است از دیگر پزشکان خوانسار مرحوم دکتر محمد زهرائی مدفون در قم و نیز پزشک یهودی به نام «حکیم موسی» که قبرش مجاور هنرستان فنی آیةالله طالقانی قرار دارد و بر لوح قبر ایشان به دو زبان عبری و فارسی عباراتی دارد منجمله این شعراز سعدی آمده است:

مردم آن است که نامش به نکویی نبرند که نام نمیرد هرگز

۲- همانجا، در خوانسار، ص ۳۹.

- ۴- آقا سید اسدالله فرزند سید محمد بن سید حسین، پدر مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری متوفای ۱۳۴۴ ق.
- ۵- حاج شیخ احمد ناشرالاحکام فرزند میرزا عبدالحسین متوفای ۱۳۶۳ ق.
- ۶- حاج سید محسن ناشرالاحکام فرزند ابوطالب متوفای ۱۳۸۹ ق.
- ۷- حاج شیخ محمد باقر رفیعی خوشنویس فرزند آخوند ملا جعفر، از اساتید مرحوم محمود محقق خوشنویس در خط ثلث و رقاع و نستعلیق، متوفای ۱۳۵۸ ق.
- ۸- شیخ محمد تقی حمیدی معروف به عندلیب، خطیب توانا، فرزند حاج جعفر متوفای ۱۳۷۲ ق.
- ۹- شیخ میرزا رضای حمیدی ملقب به هژبرالذاکرین منبری معروف فرزند ملا محمد حسن متوفای ۱۳۸۲ ق.
- ۱۰- آقا میرزا داود فرزند آیه الله سید مهدی الموسوی، سر سلسله خاندان داودزاده، متوفای ۱۳۲۷ ق.
- ۱۱- آقا میرزا عبدالجواد جعفری فرزند محمد تقی متوفای ۱۳۵۴ ق.
- ۱۲- شیخ یدالله فرزند حاج حسین متوفای ۱۳۳۷ ق.
- ۱۳- میرزا هاشم فرخی فرزند محمد حسن، مرحوم میرزا هاشم در سال ۱۳۲۱ یکی از آسیابهای آبی شهر را تبدیل به کارخانه برق نمود و در حدود ده کیلوات برق تولید نموده است. وی همچنین در سالهای... و ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ خبرنگاری و نمایندگی روزنامه «**جبل المتین**» رادر خوانسار دایر نمود و منشاء خدمات فرهنگی نوینی در خوانسار گردید و در سال ۱۳۷۵ ق دار فانی را وداع گفت.
- ۱۴- شیخ رضا جلالی فرزند مرحوم حاج شیخ ملا حسن جلالی (حاج آخوند جلالی) متوفای ۱۳۷۸ ق.
- ۱۵- آقا سید میرزا آقا میر شاه ولدی معروف به صحاف فرزند سید زین العابدین آثار بسیار ارزشمندی از صحافی قرآنهای شصت پاره از ایشان به یادگار مانده است. متوفای ۱۳۷۴ ق.

۱۶- میرزا یوسف شاه ولدی، استاد خط و حکاک فرزند سید زین العابدین، برادر سید میرزا آقا صحاف، که در ساختن مهرهای فلزی مهارتی تام داشته و در ۱۳۷۵ ق دارفانی را وداع گفته است.

۱۷- سید محمد جواد فرزند سید محمد صادق امام جمعه متوفای ۱۳۰۵

۱۸- حاج محمد رضا حبیبی فرزند حبیب الله متوفای ۱۳۶۷ ق، مرحوم حبیبی جهت برگزاری مراسم عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) منزل مسکونی خویش را به حسینیه تبدیل و منشأ خدماتی در این زمینه بوده است مرحوم افسر در رثای وی اشعاری سروده است که دو بیت از آن چنین است:

چون خواست کند سال وفاتش رقم افسر جبریل گفت بجوگر تو ادیبی
 دو حذف نمودم من و گفتم به جوابش «رفتی سوی فردوس ابدروح حبیبی»
 ۱۹- حاج میرزا آقا میرزایی متوفای ۱۳۶۶ ش. از مؤمنین نیکوکار و از شعرای معاصر خوانسار و «وفا» تخلص می نمود.

تذکر یک نکته:

در قبرستان فوق چهار بقعه وجود دارد، متأسفانه هیچ کدام از مدفونین در بقاع فوق دارای سنگ نوشته نمی باشند. بقعه مربوط به خاندان شهیدی که مرحوم آیه الله سید محمد تقی (جعفری) در آن مدفون است دارای نقاشیهایی به سبک دوران قاجار همراه با آینه کاریهای بسیار زیبا که در حال فرو ریختن است. بقعه دیگر مدفن امام جمعه های خوانسار است و فاقد سنگ نوشته. بقعه دیگر مربوط به یکی از اشراف خوانسار بوده و فاقد سنگ نوشته و امکان شناسایی مدفونین در آن فراهم نیست. آخرین بقعه مربوط به خاندان مهدویانی می باشد. مدفونین در آن فاقد سنگ نوشته بوده و اطلاعات ذیل را خاندان مهدویانی در اختیار نگارنده قرار داده اند.

مرحوم میرزا عبدالحسین مهدویانی (م ۱۳۱۹ ق)

مرحوم عبدالحسین فرزند حاج محمد مهدوی - که شهرت این خاندان نیز ازپسوند مهدوی حاج محمد مهدوی گرفته شده است . ایشان از شاگردان مرحوم شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی مسجد شاهی بوده و در سن ۲۰ سالگی به درجه اجتهاد می‌رسند ، نقل است که مرحوم آقا نجفی درباره ایشان می‌فرمایند: ما افتخار می‌کنیم که در زمان ما شخصی پیدا شده که در سن ۲۰ سالگی به اجتهاد رسیده است. مرحوم میرزا عبدالحسین قبل از پدر خویش به رحمت ایزدی رفته و لذا پدر به جهت ایشان بقعه‌ای بنا نموده و ایشان را که حدود ۶۰ سال بیش نداشته در محل بقعه فعلی دفن می‌نمایند.

از آثار ایشان «فی یوم الحشر» رامی‌توان نام برد که به خط خودشان موجود است.

آقا میرزا یوسف مهدویانی (م حدود ۱۳۵۹ ق)

فرزند دوم حاج محمد مهدوی از علماء بزرگ خوانسار بوده ایشان استاد فقه و اصول و ادبیات بوده و در خانه خود به تعلیم و تربیت طلاب می‌پرداخته است. وی داماد مرحوم حاج آقا منیرالدین اصفهانی بوده است . امامت جماعت مسجد «حاج میرزا اسماعیل» مدت زمان طولانی بعهده مرحوم حاج میرزا عبدالحسین مهدویانی و سپس به عهده مرحوم حاج میرزا یوسف مهدویانی و پس از آن بعهده شیخ میرزا احمد مهدویانی و فرزند ارشد میرزا عبدالحسین بوده است رحمة الله علیهم اجمعین فرزند سوم مرحوم میرزا عبدالحسین، حاج میرزا حسن که از

اخیار بوده و در اراک ساکن گردیده و قضیه سلام میرابوالقاسم مجاب در حرمین حضرت امیر علیه السلام و حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام ورد سلام از ناحیه مقدسه حضرت امیر علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام را ایشان نقل نموده اند^۱.

قبرستان پاقلعه (قبرستان غربی خوانسار)

قبرستان پاقلعه دومین قبرستان بزرگ شهر خوانسار می باشد. در این قبرستان جمعی از علما، بزرگان و مؤمنین مدفونند که به ذکر اجمالی از آنان می پردازیم:

آقا سید محمود موسوی (میراشرفی - م ۱۳۳۰ ق)

سید محمود موسوی فرزند حاج سید جعفر از اعظام علماء و مجتهدین عصر خویش بوده است از آثار ایشان «رساله فقهی لاضرر» باقیمانده است. مرحوم سید محمود در محرم الحرام ۱۳۳۰ قمری به رحمت حق شتافت مرحوم اختر در رثای ایشان اشعاری سروده است که بر سنگ قبر ایشان چنین حک شده است:

زین جهان سوی جنان با قبله اصحاب رفت

از تن اهل زمان صبر و سکون و تاب رفت

فخر اولاد رسول و قطب احرار بتول

آسمان زهد و تقوا زین شیخ و شاب رفت

مظهر سلمان و بوذر مظهر شرع نبی

منبع مجد و کرامت زینت محراب رفت

آه آه از گردش وارون چرخ کج مدار
 کز جهان این نور روشن رأی عالمتاب رفت
 بهر تاریخ وفاتش کلک اختر زد رقم
 «باز زیب جود و مجد و منبر و محراب رفت»

آقا میرزا محمود ابن الرضا (۱۲۸۵ - ۱۳۵۶ ق)

آقا میرزا محمود ابن الرضا از اجله علماء خوانسار بوده و در علم و تقوا و زهد و حسن اخلاق در عصر خویش کم نظیر بوده است آقا میرزا محمود در خوانسار متولد و دروس مقدماتی را نزد علماء عصر خویش در خوانسار فرا گرفت و حدود شش سال نیز در اصفهان از محضرت آیات عظام «آخوند کاشی»، «جهانگیر خان قشقایی»، آقا نجفی مسجدشاهی و «آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی» خوانساری بهره برد و سپس عازم نجف اشرف گردید و در منزل مرحوم آیه الله آقا میرزا آقای دولت آبادی و مدت شش سال از محضر آیه الله آقا «سید محمد کاظم یزدی»، «آخوند خراسانی»، «شریعت اصفهانی» و آقا «سید اسماعیل صدر» بهره برد و از بعضی از آنان به دریافت اجازاتی نائل آمد و به خوانسار مراجعه نمود و تا پایان عمر در خوانسار به ترویج و نشر احکام و اقامه جماعت و تهذیب اخلاق جامعه و علاوه بر آن به تدریس فقه و اصول اشتغال داشته و در سن هفتاد سالگی دارفانی را وداع گفتند^۱. مرحوم افسر در

۱- گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۵۴، نیز دانشمندان خوانسار، ص ۵۱۰ و... فرزنانگان

رثای ایشان اشعاری سروده است که بر سنگ قبر ایشان چنین آمده :
 یگانه شمس درخشان ز آسمان کمال
 بلند مرتبه عالی منش ستوده خصال
 به زهد و علم و ورع زبده همه اقربان
 به خلق و خوی و صفت نخبه همه امثال
 همیشه حامی دین بالعشی والابکار
 مدام طالب حق بالفدو و الاصال
 عیان چه مهر و نهان همچه گنج در آفاق
 حسب رفیع و نسب پاک و بی نظیر و همان
 نژاد حضرت خیرالبشر سبیل رضا
 رؤف قلب و سخی طبع بی مثال، مثال
 سه نسبتش همه محمود و عاقبت محمود
 پدر یکی و دوم نام و سیمین افعال
 به وصف حضرت او دست فکرها کوتاه
 ز قدر و رفعت او بسته اند راه خیال
 بسوی دار بقا بست رخت ماه صفر
 فراق جد و جدّه و جدش بدل شدی بوصول
 برای سال وفاتش قلم گرفت افسر
 ز جبرئیل تفکر نموده دوش سووال
 بلند گفت بجو بعد حذف سه زاین فرد
 «که نشرو محشر محمود با محمّد و آل»

آقا میرزا رضا ابن الرضا (۱۳۱۷-۱۳۴۴ ق)

آقا میرزا رضا ابن الرضا فرزند آقا میرزا محمود اخیر الذکر از محضر والد ماجدش علوم ادبی، منطق و فقه و اصول را بهره برد و در قم از محضر حضرت آیه الله حائری بهره مند گشته و در سن ۲۷ سالگی دارفانی را وداع گفت^۱.

بر سنگ قبر ایشان اشعاری در رثایش اینچنین آمده است:

نیتوان گرچه زدن پنجه به چنگال قضا	لیک نیتوان که به تقدیر قدرگشت رضا
خواند از عالم فانی چه قدیم ازلی	روح این علم و عمل رابه بقا
مرغ روحش طیران کرد سوی علیین	آنکه زبینه و درخور بودش مدح و ثنا
دُر دریای نبوت گل بستان رسول	رضوی دوحه و محمود پدر نام رضا
مخزن فضل و ادب فقه و اصولی معدن	مظهر زهد و ورع نیرۀ فهم و ذکا
شدن نهان در بغل خاک یکی گوهر پاک	که بدی رشک قمر چهره پاکش ز ضیا
تا که افتاد ز پاتازه نهالی چون سرو	رخت بر بست از این طنطنه دار فنا
شد چو کم یوسفی از سلسله آل رسول	همچو یعقوب همه گریه کنان صبح و سما
و ااسف روز جوان مرگی و احوال پریش	کز غم مرگ پسر قد پدر گشت دوتا
زد رقم خامه افسر پی تاریخ وفات	«رفته از انجمن نور دل اهل صفا»

آخوند ملا محمد صادق شاکریان (۱۲۴۷-۱۳۲۰ هـ)

مرحوم ملا محمد صادق در سال ۱۲۴۷ در خوانسار متولد، تحصیلات

۱- گنجینه دانشمندان، جلد ۵، ص ۵۶، نیز دانشمندان خوانسار ص ۵۱۱ و نیز

فرزندگان خوانسار ص ۱۸۲.

مقدماتی را در خوانسار به پایان رسانده و سپس راهی حوزه اصفهان گردید و پس از چندی به حوزه مقدسه نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر علماء و آیات عظام استفاضه نموده و با دریافت اجازاتی از اساتید خود به وطن بازگشت و تا پایان عمر در خوانسار به ترویج شریعت مطهر اسلام اشتغال ورزید و در سال ۱۳۲۰ داعی حق را لبیک گفت^۱. مرحوم اختر در رثای وی ماده تاریخی سروده است ابیاتی از آن چنین است:

چون رفت از جهان بجنان قدوه زمان سلمان دهر و بود دوران بَعزوشان
از ماتمش فغان و خروش از آسمان گذشت سیلاب خون زغم شد از دیده هاروان
صد حیف از فضایل آن منبع کمال آه از کمال و طاعت این ازهد زمان
اخترز بهر سال وفاتش رقم نمود «صادق بپام قصر جنان کرد آشیان»

۱۳۲۰

آخوند ملا محمد حسن شاکریان (۱۲۹۰ - ۱۳۶۸ ق)

مرحوم ملا محمد حسن فرزند ملا محمد صادق در سال ۱۲۹۰ هـ در خوانسار متولد، تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود فرا گرفته و سپس راهی حوزه اصفهان گردید و از محضر آیات عظام حکیم الهی آیه الله آخوند کاشی، مرحوم جهانگیرخان و مرحوم آقا نجفی و میرزا محمد هاشم چهارسوقی رَحمة الله علیهم اجمعین بهره برد و با دریافت اجازاتی از ایشان به خوانسار مراجعه نمود و سالها به نشر احکام و ترویج

۱- شرح زندگانی ایشان در فرزندگان خوانسار صص ۱۶۵ - ۱۶۶ و نیز دانشمندان

خوانسار ص ۴۴۹ آمده است.

شریعت اسلام مشغول و در سال ۱۳۶۸ قمری داعی حق را لبیک گفت. مرحوم افسرماده تاریخی در وفات ایشان سروده است که ابیاتی از آن چنین است:

کرد به رضوان مکان ز کهنه جهانی	عالم عالی صفات بوذر ثانی
عاصم ثانی بعلم نحو و قرائت	مؤمن پاکی و متقی زمانی
بود ز فضل و کمال و نیکی اخلاق	مورد تجلیل کُلّ عالی و دانی
نام محمدحسن فرید معاصر	ناشر احکام در عیان و نهانی
داعی حق را نمود چونکه اجابت	کرد روانش بخلد نقل مکانی
سال وفاتش رقم زد افسر خوانسار	ساده دو فردی برای درک معانی
هشت فزون از هزار و سیصد و شصت بود	رفت به جنت از این سراچه فانی

حاج شیخ محمد صادق شاکریان (۱۲۹۵ - ۱۳۷۲ ش)^۱

مرحوم محمدصادق شاکریان فرزند آخوند ملا محمدحسن در ۱۲۹۵ هـ ش در خوانسار در خانواده‌ای علمی و متدین متولد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد پدر خویش فراگرفت و سپس در حوزه درس آیه الله آقا میرزا محمود ابن الرضا که در منزل ایشان تشکیل می شد وارد و از محضر ایشان و پدر بزرگوار خویش بهره برد و سپس در

۱- گفتنی است مرحوم شاکریان در ۱۳ محرم ۱۳۹۹ مطابق با ۲۳ آذر ۱۳۵۷ که تعداد چهار تن از شرکت کنندگان در تظاهرات علیه رژیم پهلوی به شهادت رسیده بودند بر پیکر پاکشان نماز گزارد و این امر در آن زمان کاری بس بزرگ بود. خداوند ایشان را با شهدا محشور فرماید ان شاء الله.

درس مرحوم آیه‌الله حاج میرزا یوسف مهدوی و مدرسه علمیه مریم بیگم (علوی) به تکمیل علوم دینی اهتمام ورزید اما به عللی نتوانست ادامه تحصیل دهد و در بازار خوانسار مشغول به کار و در سال ۱۳۴۲ با ایجاد چاپخانه و کتابفروشی خدمت بزرگ فرهنگی را آغاز نمود و عمر شریف خود را صرف تعلیم قرآن، ترویج احکام، تعظیم شعائر مذهبی، خدمت به اجتماع و قضای حوائج مردم سپری و در آذرماه ۱۳۷۲ در سن ۷۷ سالگی بجوار رحمت حق پیوست.

اشعار بسیاری در رثای ایشان سروده شد، اییاتی که در پی می‌آید را مرحوم حسینعلی ساعی خوانساری در رثای ایشان سروده و بر لوح قبرش حک شده است:

یارب این بنده که چشم و دل اوبینا بود	مرد دیندار و فداکار در این دنیا بود
نیت و طینت پاکش به همه بد روشن	عارف و فاضل و بخشنده و هم دانا بود
مهربان بود و وفادار و خجسته سیرت	اسوه زهد و شرف مجمعی از تقوی بود
بهر آسایش مردم به تعب می‌افتاد	کار خیرش همگی شاهد این معنی بود
بارالها نظری صادق شاگردان است	خادم کوی حسین نو ثمر زهرا بود

آخوند ملا حسن - کامران (م ۱۳۴۳ ق)

آخوند ملا حسن از منبریان بنام خوانسار بوده و در سنه ۱۳۴۳ دار فانی را وداع گفته مرحوم افسر در رثای وی چنین سروده است:

نفس قدسی شد برون چون طایر عرش از بدن

شد مقرر روحش از زندان فانی در چمن

گفت و اصل در جوار ایزدی دانای دهر

عازم کوی حقیقت شد فقیه مؤتمن

بهر تاریخ وفاتش افسر افسرده گفت

«رفت و از دنیا بعقبی عالم عامل حسن»

آخوند ملا اسماعیل کامران (م ۱۳۶۷ ق)

مرحوم ملا اسماعیل فرزند ملا حسن معروف به ملا حسن روضه خوان بنا بر معروف و بر اساس آنچه بر لوح قبر ایشان آمده است نزدیک به یکصد سال روضه خوان خامس آل عبا بود.

آخوند ملا غلامحسین کامرانی فرزند حاج ملا اسماعیل کامران فوت در سنه ۱۳۷۲

آخوند ملا علی شجاع الذاکرین (م ۱۳۳۶ هـ ق)

آخوند ملا علی شجاع الذاکرین از روحانیون صاحب نفوذ و متمول خوانسار بوده و در اغتشاشات و کشمکشهای خوانین خوانسار بر سر قدرت بواسطه عدم اعتنا و فرمانبرداری از ایشان توسط ایادی خوانین محله بالای خوانسار بر اثر ضربات وارده بر شکم و فرورفتن استخوانهای دنده بر اعضاء و احشاء ایشان به رحمت ایزدی پیوست.

مرحوم افسر از شعرای هم عصر وی در رثای ایشان ماده تاریخی سروده است

که بر لوح قبر ایشان نقش بسته است:

بگرد عارض عالم نوشته خط رقاع لالکثیر مال لک القلیل متاع
 جهان و هر چه در او هست نزد اهل کمال بغیر علم و عمل جمله چون سراست صداع
 اگر چه دارفنا نیست بزم آسایش بگوش مانرسد غیر مرگ صوت و سماع
 ولی گرفت در آغوش خویش خاک سیاه یگانه گوهر روشن ضمیر و بدر شجاع
 کسیکه بود سرشته گلشن به مهر حسین علی سَمی و حسن باب و متّصف به شجاع
 علی و آل علی راه را نکه گشت مطیع به جن و انس و ملک می شود یگانه مطاع
 بناله افسر افسرده گفت در فوتش «علی ز شوق علی گفتی از زمانه وداع»

۱۳۳۶

سید هاشم غضنفری (م ۱۳۴۹) دارای بقعه

مرحوم سید هاشم غضنفری - پدر مرحوم آیه الله سید محمد تقی غضنفری ،
 از علماء بزرگ شهر خوانسار بوده اند مرحوم افسر در رثای وی چنین سروده است:
 هاشمی از آل هاشم اندر این روضات پاک

روح او زینت ده عرشست و زین زیب مغاک
 کرد پرسش افسر از روح القدس تاریخ فوت

قال قل فی سید حق سیدی طاب ثراک

۱۳۴۹

حاج سید محمد تقی غضنفری (۱۳۰۳ - ۱۳۹۱ ه ق)

مرحوم سید محمد تقی غضنفری از جمله روحانیون زاهد، ساده زیست و بی

آلایش خوانسار بود.

مرحوم غضنفری از آیات عظام اصفهانی، نائینی، حائری و اصطهباناتی و سید ابوتراب خوانساری اجازه اجتهاد داشته و مدتی نیز با مرجع بزرگ مرحوم سید محمد تقی خوانساری هم مباحثه بوده است.

آثار و خدمات بسیاری از ایشان در خوانسار باقی است.^۱ مرحوم ساعی در رثای ایشان اشعاری سروده است که ابیاتی از آن چنین است:

در برش فرزند وی آمد تقی متقی^۲ | گوهر ناب و وجودش آمده در زیر خاک
شورش و غوغا و ماتم در همه خوانسار شد | از غروب این چنین خورشید قدس تابناک
محمد شیخ الاسلام (م ۱۳۷۱ ق)

محمد شیخ الاسلام فرزند آخوند ملا محمد قاضی از جمله خیرین بنام و اغلب در بین عوام به قضاوت امور پرداخته و در رتق و فتق امور تلاشی بسیار داشته و به همین سبب همچون پدر خویش به قاضی معروف بود. بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

هذا المضعج الشریف و المرقد المنور اللطیف صاحب المقامات الرفیع القاضی فی
امور خلق الله و الراضی بقضاء امرالله الملك العلام باحکام الحلال و الحرام المدعو
به میرزا و المسمی به محمد شیخ الاسلام نجل عالم الجلیل و الفاضل النبیل آخوند ملا

محمد قاسم قاضی طاب ثراهما

۱- شرح زندگانی ایشان در گنجینه دانشمندان، ج ۵ ص ۵۷، دانشمندان خوانسار

ص ۴۲۹ و نیز فرزندگان خوانسار، ص ۱۴۵.

۲- قبر مرحوم سید هاشم و سید محمد تقی در یک مکان و در داخل بقعه قرار دارد و

این مصرع اشاره به این موضوع دارد.

مرحوم افسر در رثای ایشان اشعاری سروده ، که بر لوح قبر ایشان حک شده است
ابیاتی از آن چنین است:

بامر نافذ خلاق قادر منان

هر آنچه از عدم آید بعرضه امکان...

وحید عصر محمد از این سرای سپنج

چو خواست روی کند سوی روضه رضوان

هر آنچه دید جز امید حق ندیدی هیچ

نمود روی دل خود بحضرت سبحان...

ندای ارجعی آمد بگوش او ز غیب

برون شد از قفس تن خجسته مرغ روان

رقم زد افسر خوانسار سال فوتش را

دو فرد ساده ز الطاف حضرت سبحان

هزار و سیصد و هفتاد و یک پس از هجرت

یک از مشایخ ما رفت از فضای جهان

شیخ الاسلام منصب عالی روحانی بوده که از طرف شاه به یکی از بهترین علمای
روحانی داده می شد و او به دعاوی شرعی و امر معروف و نهی از منکر و امور حسبی
و نظارت عالیه روحانی می پرداخته است.

اولین شیخ الاسلام و امام جمعه خوانسار بر نگارنده مشخص نگردیده است که
بتوان بواسطه آن رابطه بین خاندان منتسب به شیخ الاسلام را مشخص نمود. شاید هم

خاندان فوق بواسطه شیخ الاسلامی «میرزا علیخان» فرزند «میرزا ذوالفقار» خوانساری که مدتی نیز به اصرار اهالی گلپایگان به شیخ الاسلامی گلپایگان برگزیده شد (قرن یازدهم) بدین نام شهرت یافته و یا از نوادگان ایشان باشد این امر قابل بررسی و تفحص بیشتری است. ضمن آنکه شیخ زین الدین بن علی خوانساری مدفون در خوانسار (۱۱۰۳ ق) از فقها و دانشمندان اوائل قرن یازدهم نیز مدتی شیخ الاسلام و امام جمعه اصفهان بوده است.^۱

ملاً محمّد حسن جناب (م ۱۳۴۳ ق)

ملاً محمّد حسن بن ملاً رفیع مشهور به «جناب» از فضیلتی اهل منبر و از شعرای خوانسار است. از آثارش مثنوی شیوا و انتقادی فقدالاسلام را می توان نام برد. انتشار فقدالاسلام در خوانسار سر و صدای زیادی به راه انداخت. فقدالاسلام به طور شب نامه منتشر می گردید و از بدو انتشار تا زمانی که جناب در قید حیات بود جز چند تن از نزدیکان وی کسی به هویت سراینده آن پی نبرد و جناب که در حقیقت با سرودن این مثنوی با جان خود بازی کرده بود از خطر رهایی یافت. جناب درباره فقدالاسلام و سراینده آن گفته است:^۲

گر بگردی سر به سر آفاق را می نیابی راقم اوراق را
من همان رندم که از روز الست شیشکی بستم به هر چه بود و هست
فقدالاسلام با بیانی شیوا و اشعاری دلکش حقایق عریانی را فاش می کرد و انتشار آن

۱- از همین زمره اند مرحوم آخوند ملاً احمد شیخ الاسلام و آخوند ملاً صادق شیخ الاسلام

۲- تذکره شعرای خوانسار، ص ۴۱.

در بیداری مردم تأثیر فراوان داشت مرحوم افسر در رثای ایشان ابیاتی سروده که بر سنگ قبر ایشان این چنین آمده است:

ره سپر شد سوی رضوان از جهان

تالی سلمان و بوذر ذاکر فخر زمن

منبع فضل و کمال و مخزن علم و عمل

ثانی... دوران مظهر ویس و قرن

ناشر احکام قرآن ناقل حکم رسول

زاهد و حبر و معبر نوجوان مرد کهن

نجل مولانا رفیع آن نیّر فهم و ذکاء

حامی دین محمد فاضل دوران حسن

منخسف همچون قمر شد پشت ابر ارتحال

شد نهان چون کرد محفی زیر این خاکش بدن

پشت پا چون پور ادهم زد بکل ماسوی

از ندای حضرت دادار فرد ذوالمنن

شد چه مست از باده عشق حسین بن علی

بست لب را جز بلی هشیار و مخمور از سخن

محمد جواد افسر (۱۲۷۰ - ۱۳۴۷ ش)

مرحوم محمد جواد ولایی متخلص به افسر از شعراء معاصر خوانسار بود.

مدار زندگی وی بر نویسندگی لوایح و اسناد می گذشته است. تقریباً تمامی اشعار

سروده شده وی در بیان مدایح ائمه اطهار و مراثنی ایشان است. مجموعه اشعار ایشان را بالغ بر دویست هزار بیت قلمداد کرده‌اند. از وی آثاری چند تا کنون طبع و منتشر گردیده که عبارتند از : ۱- **قیام عاشورا** ۲- **نهضت عاشورا** ۳- **اسرار فاطمیه** ۴- **شمس و قمر عاشورا**، از آثار منتشر نشده ایشان می‌توان **مصباح العشق حسینی** را و دهها ماده تاریخ و چکامه را نام برد. وی ارادتی خاص به ائمه اطهار بویژه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام داشته و این ارادت تقریباً در اکثر اشعار سروده شده ایشان هویدا است.

وی در سال ۱۳۴۷ دارفانی را وداع و به سوی معبود شتافت ، ماده تاریخی در وفات خود سروده که چند بیتی از آن چنین است:

یارب جواد همجو سگی بسته برد راست	خاک سیه معصیتش بر سر است
دستش تهی ز علم و عمل لیکن ای کریم	قلاده بر گردنش از مهر حیدر است
دارد ذخیره عشق شهنشاه تشنه کام	بردل و دیعه اش ز تو آن درج گهر است
یارب به قطره قطره خون عزیزان فاطمه	کوقطره اش به پیش تواز هرچه بهتر است
بخشاورا چنانکه سگ رابه کھفیان	چون عجزوانکساروی از اونه کمتر است
افسربه ناله گفت پی تاریخ فوت خود	«قطع وصالی از همسو روبه دلبراست»

۱۳۴۷

محمّد رضا رفعتی (م ۱۳۷۵ ش)

محمّد رضا رفعتی از شعرای خوانسار در قرن اخیر بوده، تخلص وی خاضع و تا سال ۱۳۳۵ در خوانسار به پیشه تجارت قالی و چوب پرداخته و سپس به تهران مهاجرت نمود و تا پایان عمر (۱۳۷۴/۱/۱۸) در تهران بسر برد جنازه وی به

خوانسار منتقل و در قبرستان پاقلعه به خاک سپرده شد. دو دفتر از اشعار ایشان را مطالعه نموده‌ام اشعارش متوسط و بر لوح قبرش اشعاری است که خود سروده ابیاتی از آن چنین است:

کریمَا مِنْ بَدْرگَاهِ تُو بَا بَارگَنَاهِ آیم
 به هَنگامِ حَسابِ خَویشِ بَا رُویِ سِیاهِ آیم
 سِیهِ رُویِمِ و لَیکنِ دَر پَناهِ حَضرتِ باری
 به رَخِ مَویِ سَفیدِ و خَجَلتِ اَندرِ پِیشگاهِ آیم
 بَجزِ شَرَمِ و خَجالتِ تَوشه‌ای از خُودِ نَدارمِ مِنْ
 بَهِ حَالِ اَنفَعَالِ اَکُنونِ بَدْرگَاهِ اَلِهِ آیم
 نَدارمِ طاعَتیِ مَقبُولِ، اَمیدمِ بَر عَطایِ تَوست
 بَهِ اَمیدِ عَطَا و رَحمتِ اَن پادشاهِ آیم
 شَهنشاهَا اَگر شاهانِ چَونِ گَدا بَر دَرگَهِتِ آیند
 گَدايِ مَسْتَمَندمِ بَر دَرتِ بَهرِ پَناهِ آیم
 گَواهِ حَالِ و اَعمالِ تَویِیِ ای حَضرتِ داور
 بَروزِ حَشرِ و بَر دَرگَاهِ لَطفِ بَیِ گَواهِ آیم
 کَمالِ رَحمتِ و فَضلتِ مَرا اَمیدوارِ آرد
 و لَیکنِ از طَریقِ عَدلِ و بَا حَالِ پَناهِ آیم
 کَریمَا از کَرامتِ رَحمتیِ از فَضلِ خُودِ فرما
 بَهِ عَدلتِ گَر عَمَلِ گَرَدَدِ بَهِ صَدِ اَفغانِ و آهِ آیم
 نَدارمِ تَوشه‌ای از اَعمالِ تا هَمراهِ خُودِ آرم
 تَهیِ دَستِ از عِبادتِ مِنْ بَدونِ زَادِ رَاهِ آیم...

امید رحمت یارب به قلبم نور می تابد
 به آن نور از طریق ظلمت شام سیاه آیم
 محمد با رضا نامم رضایم بر رضای تو
 چو گردی راضی از من در پناهت عذرخواه آیم
 به شهرت رفعتی لیکن بدرگاه تو مسکینم
 گدایی خاضع من با زبانی خیرخواه آیم
 خداوندا عطا فرما به خاضع خیر رجعت را
 منم آن خاضع درمانده در آن بارگاه آیم

سایر بزرگان مدفون در قبرستان پاقلعه

۱- شیخ ملا قاسم، پدر مرحوم شیخ میرزا احمد محقق متوفی سنه ۱۳۰۹ از مجتهدان و فقهای خوانسار بوده و در جامعه روحانیت خوانسار مقامی والا داشته مرحوم اختر در رثای ایشان ماده تاریخی سروده که دو مصرع از آن چنین است:
 گفت اختر سال فوتش بعد حذف حرف جیم

«قاسم از دنیا بعقبی در رجب کرده ورود»

$$۱۳۰۹ = ۱۳۱۲ - ۳$$

۲- شیخ میرزا احمد محقق فرزند مولا محمد قاسم طاب ثراهما متوفی سنه ۱۳۶۷ ق مرحوم شیخ احمد از وعاظ و خطباء معروف خوانسار بوده. تحصیلات خود را در نجف به پایان رسانده و مدتی نیز در قم از محضر حاج شیخ عبدالکریم یزدی بهره

برده و پس از حدود ۸۵ سال تلاش در نشر احکام و احادیث ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین در سنه ۱۳۶۷ به دیار باقی شتافت.

۳- محمود محقق خوشنویس خوانساری فرزند شیخ میرزا احمد محقق متوفی سنه ۱۳۹۳ ق. مرحوم محقق اصول اولیه را در مکتب خانه‌های قدیم شهر خوانسار فراگرفته و سپس نزد پدرش مرحوم شیخ میرزا احمد محقق فقه و اصول و نیز نزد ملا محمد علی قاضی عربی و اسرار الحکم را نیز نزد ملا علی (اسراری) و آقا ابراهیم فراگرفت. وی در زمینه هنر خوشنویسی و نقاشی که بدان سبب شهرت یافت بیشتر خود را مدیون سه استاد بنام خوشنویسی آن زمان در خوانسار می‌داند که عبارتند از: ۱- حاج شیخ محمد باقر رفیعی^۱ - رحمه الله علیه - که ثلث ورقاق و نستعلیق را از ایشان آموخته است.

۲- حاج شیخ محمد حسین - صدرالمشایخ^۲ - اعلی الله مقامه که نستعلیق را از ایشان بهره برده است.

۳- میرزا فضل الله خان^۳ که نستعلیق و شکسته و تحریر را از ایشان فراگرفته است. در اصفهان از محضر استاد عباس خان شیدا و در تهران از محضر استاد حسن زرین بهره برد و پس از مهاجرت از خوانسار در تهران در سمت رییس دفتر کمیته‌های

۱- مدفون در قبرستان شرقی خوانسار.

۲- مدفون در قبرستان شرقی خوانسار مقابل کوچه موسوم به صدریها.

۳- فضل الله خان فرزند معتمد السلطان عبدالحسین خان (متوفی سنه ۱۳۲۹)

می‌باشد و مدفن وی در قبرستان شرقی خوانسار قرار دارد.

المپیک (سابق) در ساختمان ورزش، خوشنویس دبیرخانه کل کمیته ملی المپیک رئیس کارگزینی کمیته ملی المپیک و دبیر خط در دبیرستانهای تهران انجام وظیفه نموده است.

وی مسافرتهاى به مكّه معظمه، مدینه منوره داشته و در مدینه شرحى باخط خویش از قبور ائمه بقیع نگاشته و به ملك فیصل پادشاه وقت عربستان داده و ایشان پاسخى توسط سفیر ایران در عربستان، دکتر محمدحسین مشایخ فریدنى، برای خوشنویس خوانسارى ارسال داشته است مسافرتهاى نیز به كربلا، نجف، كاظمین سامره، كوفه، دمشق و بیروت داشته است. هنگامى كه به اصفهان رفته در مجلسى كه علما و روحانیون اصفهان حضور داشته بار مى یابد و مورد پذیرش علمای بزرگى همچون آقا جمال الدین اصفهانی و حاج آقا رضا مسجدشاهی قرار مى گیرد و حاج آقا جمال الدین از جای برمی خیزد و چهره خوشنویس خوانساری را مى بوسد و مى گوید: «إِنَّكَ مَحْمُودٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۱

۴- حاج سید محمدحسین الشهیر بعطار متوفی سنه ۱۳۱۱. مرحوم اختر ماده تاریخی در رثای ایشان سروده كه بر لوح قبرش نقر شده، ابیاتی از آن چنین است:

حاجی چو خود به جنت اعلی مکان گرفت

گفتی خروش و ولوله در انس و جان گرفت

اركان صبر ما نه به تنها به هم شكست

كاش بجان جمله اهل زمان گرفت

چون از جهان به خلد برین شد فرید دهر
 با اولیا به گلشن جان اختران گرفت
 اختر به آه و به ناله بتاریخ فوت او
 گفت «از جهان سوی جنان آشیان گرفت»

۱۳۱۱

- ۵- آخوند ملا حبیب الله فرزند آخوند ملا آقابابا متوفی ۱۲۸۹ ق.
 ۶- حاج محمد حسین الملقب به میرزا بابا فرزند محمد متوفی ۱۲۸۲ ق.
 ۷- میرزا احمد کتابچی متوفی ۱۳۵۴ ش. مرحوم میرزا احمد کتابچی فرزند
 آخوند ملا محمد علی از خوشنویسان و حکاکان مشهور خوانسار بوده است. پدرش
 مرحوم آخوند ملا محمد علی معروف به صدرالواعظین متولد ۱۲۸۰ ق، از روحانیون
 بنام خوانسار بوده و قبرش در انوج الیگودرز می باشد. از مرحوم میرزا احمد آثار
 خوشنویسی و حجاریهای بسیار ارزشمندی به یادگار مانده است.
 ۸- آخوند ملا حسین فرزند آخوند ملا مهدی معروف به قاضی متوفی ۱۳۲۶ ق.
 مرحوم آخوند ملا حسین از جمله قضات بنام خوانسار بوده و از خوشنویسان عصر
 خویش به شمار می رفته ، آثار بسیار ارزشمندی از ایشان موجود است از جمله :
 ادعیه شریفه ای است که در سقف ایوان بلوار حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خط
 ایشان نقش بسته و در پایان آن چنین آمده است :

حزره حسین ابن مهدی الخوانساری.

ابیاتی از اشعاری که در رثای ایشان سروده و بر لوح قبرش حک شده این چنین

است :

آه که شمس و تقی گشت به مغرب نهان خاک مصیبت بریخت بر سر آن خانمان
 عدل قضاة دین حافظ شرع مبین نوگل مهدی حسین گشت بهارش خزان
 آن مه نیکو سیر بود به مهدی^۱ پسر هم اسدالله جد پور محمد زمان
 از پی تاریخ فوت خامه زبان برگشود «گفت فدائی نمود روی به باغ جنان»
 ۹- آخوند ملا اسدالله م ۱۳۴۲ ق .

آخوند ملا اسدالله فرزند آخوند ملا مهدی مدفون در نجف است. ایشان از زهاد معروف بوده پدر ایشان آخوند ملا محمد زمان بوده که وی نیز از روحانیون خوانسار به شمار می‌رفت و قبرش در جلوی مسجد موسوم به «ملا مهدی» در محله مالگاه علیا خوانسار واقع بوده است. مسجد ملا مهدی از مساجد قدیم خوانسار بوده و مرحوم ملا مهدی آن را نوسازی نموده و به همین سبب به مسجد ملا مهدی معروف گشته است. در سالهای اخیر این مسجد مجدداً توسط فرزندان آخوند ملا حسین به طرز زیبایی نوسازی گردیده است. در این نوسازی متأسفانه سنگ قبر آخوند ملا محمد زمان از بین رفته است.

۱۰- آخوند ملا ابوالقاسم کتابچی م ۱۳۵۱ ق .

آخوند ملا ابوالقاسم کتابچی فرزند آخوند ملا محمد، ظاهراً برادر آخوند ملا اسدالله اخیرالذکر است.

۱- آخوند ملا مهدی پسر مرحوم آخوند ملا حسین قاضی متولد سنه ۱۲۵۰ ق از علمای

بزرگ خوانسار بوده و قبر ایشان در نجف است در زمانی که در خوانسار اقامت داشته در مسجد آقا اسدالله به اقامه جماعت می‌پرداختند.

۱۱- حاج محمد اسماعیل کتابفروش فرزند آخوند ملا محمد کاظم متوفی ۱۳۵۶ ق.

۱۲- شیخ محمد مهدی انصاریان متوفی ۱۳۸۳ ق.

شیخ محمد مهدی انصاریان فرزند شیخ محمد تقی از زهاد معروف خوانسار بوده و بنا به قولی سال فوت و مکان فوت خویش را ده سال قبل از وفات اطلاع داده بود. مرحوم افسر در رثای ایشان اشعاری سروده که دو بیت از آن چنین است:

افسر خوانسار در تاریخ فوت این فقید

سال هجری گفت دنیا بگذرد مانند باد

یکهزار و سیصد و هشتاد و سه رفت از جهان

مهدی انصاریان خوش فطرت پاک اعتقاد

۱۳- آقا میرزا رضا ریاضی م ۱۳۴۸ ش.

مرحوم میرزا رضا فرزند مرحوم آخوند ملا محمد حسن از حکاکان و از هنرمندان قلمزنی و مهرسازان بنام عصر خویش بوده است پدرش مرحوم آخوند ملا حسن از واعظان مشهور و از ناشران احکام اسلام بوده و در ولایات ثلاث (خمین، گلپایگان و خوانسار) از منبریان بنام بوده و در سفری که جهت نشر احکام اسلام به خمین رفته در روستای آشیانه (خمین) دار فانی را وداع گفته و به دیار حق شتافت رحمة الله علیه

بزرگان مدفون در مساجد

مسجد جامع

در ضلع شمال شرقی مسجد جامع قبور برخی از بزرگان قرار دارد که اکثر آنان وضعیت مناسبی نداشته و سنگ نوشته‌های برخی از قبور در زیر خاک مدفون و قابل شناسایی نمی‌باشد قبور برخی از بزرگان دارای سنگ نوشته بدین شرح است:

آقا صانع (م ۱۱۸۲ ق)

مرحوم آقا صانع فرزند حاج محراب در سال ۱۱۰۱ ق بنیاد مسجد جامع خوانسار را نهاد و خود نیز در داخل مسجد در ۱۱۸۲ ق در جوار رحمت حق آرامید. اشعاری در رثای ایشان بر لوح قبرش چنین آمده است:

روح حاجی صانع از دار جهان	رفت و در خلد برین کرد آشیان
گلبن عزّ و شرف افسرده شد	گشت چون خون دل زبهر بلبلان
پشت نخل دولت و جود و کرم	خم شد از فقدان آن جنت مکان
طایر روحش چو در طیران فتاد	رفت و داخل شد به روح قدسیان
چون زسعیش گشت این مسجد تمام	باشد او از زائرین بیت الامان
سال فوتش ز خرد کرد سووال	شد گریبان چاک و آمد در فغان
کین خطاب از عالم بالا رسید	«شو محل وی بهشتی جاودان»

ذی حجة الحرام ۱۱۸۲

صادق خان (م ۱۱۸۵ ق)

صادق خان فرزند آقا صانع از خیرین بنام بوده و احداث شبستان شرقی مسجد جامع، حوض و احداث قنات گُنگ جهت تأمین آب مسجد و نیز بخش اعظم موقوفات مسجد مربوط به ایشان است. وی در ایام جوانی دارفانی را وداع گفته و **سالک**، شاعر همعصر ایشان اشعاری در رثای وی سروده که بر لوح قبرش چنین آمده است:

حاج صادق ملاذ اهل کرم	از غم آباد زندگانی رفت
سر و باغ ادب ز پا افتاد	نخل بستان کامرانی رفت
کوکب چرخ مجد کرد غروب	دُر دریای نکته دانی رفت
ناشکفته گل ریاض حیا	حیف کز صرصر جوانی رفت
بهر سال وفات او سالک	حیرت آسا در یم معانی رفت
گفت پیر خرد ز روی دعا	«سوی فردوس جاودانی رفت»

۱۱۸۵

محمدصادق (م ۱۲۵۶ ق)^۱

محمدصادق متخلص به مطرب از شعرای قرن سیزدهم هجری است وی دارای طبعی روان و قریحه سرشاری بوده است. از نمونه اشعار وی ماده تاریخی را که در تعمیر بقعه پیر (شیخ اباعدنان) در ۱۲۵۵ سروده است در بخش نخست کتاب یادآور گشتیم. احمد شاعر همعصر وی در وفاتش اشعاری سروده که ابیاتی از آن چنین است:

۱- شرح حال ایشان در تذکره شعرای خوانسار ص ۱۷۲ آمده است.

بهر سال فوت آن دُر ثمین غوطه ور گشتم به دریای خیال
کلک احمد زد رقم تاریخ او «مطرب از جان مست و مدهوش از جمال»

۱۲۵۶

میرزا کاظم طبیب (افلاطون - م ۱۲۶۲ ق)

میرزا کاظم طبیب معروف به افلاطون از پزشکان بنام خوانسار بوده که ظاهراً
وفات میرزا کاظم و فرزندش همزمان اتفاق افتاده است جز اشعاری که بر سنگ قبر
ایشان نقش بسته اطلاعاتی موجود نیست. بخشی از اشعار فوق چنین است:

بهر آن پیرفلک چاک گریبان آمد	بهر این خیل ملک گشته ز ماتم زدگان
مرقد آن ز وفا کعبه جانان گردید	مدفن این زولا کرب و بلا کعبه جان
آن شدی طایر روحش به فدای جبروت	این چو ولدان بهشتی بر حورو غلمان
بهر تاریخ وفات آن خرد پیر نوشت	دهم ماه رجب رفت فلاتون به جنان
بهر این مویه کنان موی کنان گفت شهاب	به جنان رفت مسیحانقسی موی میان

۱۲۶۲

و آنکه لقمان سلامت ز اشارتش گشت

شرح اسباب شفای همه بیماران را

پس به پاداش عمل...^۱

که رود سوی جنان خرم و شاد و خندان

لیک تنها نه خود آن جان جهان رفت به خلد

بلکه با خود پسری برد چو ماه کنعان

۱ - مواضع نقطه چین خوانده نشد.

که بداونیز چو یعقوب پدر لقمانی
 که محمد لقبش نام نهادی لقمان
 این چه دریای غم است ای فلک فلک مکان
 که تو هم کشتی آن گشتی و هم کشتیان
 این عزای که فلاتون غم و ماتم کیست
 که سزداز المش نوح شودنوحه کنان
 گویا ماتم آن ماه تمامیست که بود
 روشن از مهر رخس مردمک چشم جهان
 یعنی آن حضرت طلعت مه لقمان حکمت
 اوستاد حکماء فخر اطباء زمان
 مظهر رحمت حق... افضل ما
 مرکز دایره عقل و کمال و عرفان
 عقل حادی عشر نفس نفیس عاشر
 سابع ضرورت و نه جامس اکوان
 علم علم به جاور کرم و کان و سخا
 واقف رمز سخن کاشف امراض نهان
 میرزا کاظم فیاض که چون جد و پدر
 شد مسمی بفلاتون زمان و دوران
 آنکه در شهر بدی شهره ایام و به دهر
 شهریاری به دیار بدن وکشورجان

از میرزا کاظم طبیب، کتابی با نام «مفتاح الشفا» در طب به یادگار مانده است.

مسجد آقا میر عظیم

مسجد آقامیر عظیم در فاصله اندکی از مدرسه علمیه مریم بیگم (علوی) واقع است. این محله را سابقاً محله «کاسه تراشان» می نامیدند. علت نامگذاری مسجد به این نام ممکن است به علت نوسازی مسجد توسط ایشان باشد و یا اینکه بدان سبب که وی مدت زمان نسبتاً طولانی امام جماعت مسجد بوده اند به این نام موسوم گردیده است.

مرحوم آقامیر عظیم بن میر سید محمدعلی از علماء بزرگ خوانسار بود و ایشان پدر مرحوم آیه الله سید محمود (عظیمی) مدفون در قبرستان شرقی (از شاگردان آیه الله میرزا هاشم چهارسوقی و دارای اجازه از ایشان) می باشند. مجاور مسجد فوق سابقاً قبرستانی وجود داشته بنام قبرستان آمیر عظیم که در سالهای اخیر توسط اشخاص تخریب و بخش هایی از آن تصاحب گردیده و فعلاً قبر مرحوم «آقامیر غفور» ظاهر است. بجاست تا بر مرقد منور این عالم جلیل القدر بقعه ای در خور شأن ایشان ساخته شود و از این وضع رقت بار خارج گردد ان شاء الله. مدفونین در مسجد فوق بدین شرح اند:

آقا میر ابوالقاسم مجاب (۱۱۷۲ - ۱۲۶۷ ق)

مرحوم مجاب در خانواده ای مذهبی و متدین دیده به جهان گشود. در سن چهل سالگی شروع به تحصیل علوم دینی کرد و با پشتکار و علاقه فراوانی که داشت

به درجات بالایی از علوم و معارف اسلامی نائل گردید. وی در مسجد جامع شهر اقامه جماعت می نمود^۱. مرحوم آیه الله علوی (ره) درباره ایشان می فرماید:

«در تشریفی که میرابوالقاسم پیدا کرده بود به نجف اشرف و کربلا

موقعی که مشغول زیارت بودند جواب سلام او داده شده بود و شهرت

ایشان به مجاب نیز به همین علت بوده است.»

مرحوم میرابوالقاسم در سن نود و پنج سالگی در ۱۲۶۷ ق دار فانی را وداع گفت و در

مسجد آ میرعظیم به خاک سپرده شد. بر لوح قبر او نوشته شده:

«سلمان عصره و فرید دهره، حجة الاسلام آقا میرابوالقاسم مجاب»

در سال ۱۳۳۷ ق فرزند میرابوالقاسم، آقا سید علی مجتهد دار فانی را وداع می گوید.

در این زمان هفتاد سال از فوت آقا میرابوالقاسم می گذشت. لذا تصمیم می گیرند

آقا سید علی مجتهد را در قبر پدر دفن نمایند و هنگام شکافتن قبر جسد

آقا میرابوالقاسم را تازه می یابند. از این رو جنازه مرحوم آقا سید علی مجتهد را در

جوار او به خاک می سپارند^۲.

۱- منظور مسجد حاج رضا ابن حاج غواص خوانساری است که اکنون کاملاً تخریب

گردیده بخشی از آن در مدخل شهر به خیابان ملحق و بخشی نیز اداره بهداشت گردیده است.

۲- فرزانه ای از خوانسار، صص ۲۹ - ۳۳.

آقا سید علی مجتهد (۱۲۵۲-۱۳۳۷ ق)^۱

آقا سید علی مجتهد فرزند آقامیرابوالقاسم مجاب در خوانسار متولد شد و دروس مقدماتی را نزد اساتید آن زمان آموخت. سپس رهسپار حوزه علمیة اصفهان گردید و در سلک ارادتمندان فقیه و عارف مجاهد شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی قرار گرفت^۲ و پس از گذراندن سطوح عالیہ راهی نجف اشرف گردید و از محضر بزرگانی چون مرحوم شیخ محمد باقر اصفهانی و آية الله حاج سید حسین کوه کمره‌ئی، قدس سرهما، بهره برد و پس از کسب اجازات متعدد اجتهاد به خوانسار مراجعت نمود و در نهم ربیع الاول ۱۳۳۷ ق دارفانی را وداع گفت. بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

محیی آثار طریقة الجعفریة، الذی یلیق بجنابه، قدس سره، فقیه اهل بیت
العصمة والطهارة آية الله العظمی سید علی مجتهد، رضوان الله تعالی علیه وعلی آبائه

حاج سید حسین علوی (۱۲۷۸-۱۳۶۸ ش)

مرحوم حاج سید حسین علوی الموسوی ابن میرزا محمد مهدی در خوانسار متولد و پس از طی دروس مقدماتی رهسپار اصفهان شده و مدت شش سال از محضر اساتیدی همچون آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آقا میر محمد صادق و آقا سید علی نجف آبادی و کفایه را نزد حاج آقا رحیم ارباب بهره برد و سپس به خوانسار مراجعه و منظومه منطق و حکمت را نزد آخوند ملا محمد علی حکیم ایمانی که

۱- شرح زندگانی ایشان در فرزانه‌ای از خوانسار، صص ۳۳ - ۴۰ و نیز فرزندگان خوانسار ص ۹۱ آمده است.

۲- رک: دستور العملی از فقیه روشن بین و عارف مجاهد شیخ محمد تقی اصفهانی (آقانجفی) مجله حوزه شماره ۳۶، بهمن و اسفند ۱۳۶۸.

دریایی از ایمان و حکمت بود فرا گرفت و پس از آن به نجف اشرف رهسپار و از محضر آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی و آیه الله میرزای نائینی و آیه الله اصطهباناتی بهره برد و بر حسب بیماری و دستور آقا سید ابوالحسن اصفهانی به ایران مراجعه و تا پایان عمر در خوانسار ساکن گردید.

مرحوم علوی در خوانسار با بازسازی و تعمیر مدرسه علمیه مریم بیگم این مدرسه را آباد و دایر گردانید و تا پایان عمر سرپرستی آن را عهده دار بود و در ۲۰ تیرماه ۱۳۶۸ دارفانی را وداع گفت از آثار وی می توان «صلوة المسافر» که اخیراً منتشر گردیده و نیز دوره **تقریرات اصول آیه الله نائینی**، **خارج کفایه تقریرات اخوند خراسانی و فقه مرحوم آسید محمد کاظم یزدی** را نام برد^۱.

در رثای ایشان اشعار بسیاری سروده شده که ابیاتی از آن چنین است :

آن پیر که سر حلقه مابود کجا رفت	در حلقه و از حلقه جدا بود کجا رفت
آن پیر طریقت که در آئینه اسرار	تصویرگر روح خدا بود کجا رفت
قطبی که در این دایره چون خامه پرگار	از دایره و نقطه رها بود کجا رفت
در خیمه کوتاه جهان هیچ نگنجید	در باغ صفا سرو «سها» بود کجا رفت
از غربت این خاک به افلاک برآمد	خورشید زمین نور هدا بود کجا رفت
از چاه فنا سر زد و بر مصر بقا شد	او یوسف گم گشته ما بود کجا رفت ^۲

۱- شرح مفصل زندگانی ایشان تحت عنوان «فرزانه ای از خوانسار» منتشر گردیده است.

۲- شعر از حبیب الله قلیشلی، فرماندار وقت خوانسار.

مسجد حاج سید علی اکبر (سنگ شیر)

این مسجد که در محله‌ای به نام سنگ شیر قرار دارد مدفن دو عالم بزرگوار می‌باشد گفتنی است که این محله را بدین جهت سنگ شیر می‌نامند که سابقاً بر روی گورستان عمومی آن شیر سنگ نسبتاً بزرگی از سنگ مرمر وجود داشته است^۱.

سید علی اکبر مجتهد (م ۱۳۴۲ ق)

حاج سید علی اکبر مجتهد بیدهندی فرزند سید ابوالقاسم از فحول علمای امامیه و از افاضل و مفاخر شیعه اثنی عشریه، جامع علوم معقول و منقول، حاوی فروع و اصول، رجالی، محدث و متکلم توانا، انسانی کریم النفس و منیع الطبع عابدی زاهد، متقی و بخشنده بود.

تحصیلات مقدماتی را در خوانسار شروع و پس از چند سال به نجف اشرف مهاجرت و سطوح عالی را نزد علمای اعلام عراق منجمله آیه‌الله میرزای شیرازی (میرزای اول) به پایان برد و به درجه عالی اجتهاد نایل آمد. جمعی از مردم خوانسار (بیدهند و سونقان) در سفر به عتبات از آیه‌الله میرزای شیرازی درخواست اعزام مجتهدی جامع شرایط را می‌کنند و مرحوم میرزای شیرازی به حاج سید علی اکبر تکلیف می‌کند که به خوانسار مراجعت نماید.

مشارالیه پس از بازگشت در بیدهند خوانسار ساکن و به تدریس فقه و اصول و

۱- رجوع کنید به جغرافیای خوانسار، جلد اول، ص ۹۶.

رجال و حدیث و کلام مشغول و خوشه چینان و دانش اندوزان شریعت و معرفت از دریای دانش او بهره می‌گرفتند. معروفترین چهره در بین آنان مرحوم آیه‌الله حاج سیداحمد خوانساری متوفای ۱۳۶۳ هـ ش است.

مرحوم سید در زندگی روزمره خود قانع و زاهد و از وجوهات استفاده نمی‌کرد و به همین جهت مخارج زندگی را از انجام فرایض استیجاری تأمین می‌کرد. سرانجام در سال ۱۳۴۲ ق به ملکوت اعلا پیوست و در مدرسه‌ای که بنا نهاده بود مدفون گردید.

این مدرسه اکنون به مسجد تبدیل شده است.^۱ مرحوم افسر از شعرای خوانسار در رثای ایشان اشعاری سروده که بر سنگ قبر ایشان چنین آمده است:

مظهر اسم پاک الزحمان	مخزن سر علم القرآن
آیه‌الله حجة الاسلام	سید القوم قائد الاقران
حامی الدین محیی الملة	ماحی الکفر قاطع البرهان
کامل الفقه جامع المعقول	ناشر الحکم حافظ الفرقان
مصطفی را سلاله و فرزند	قطب الاقطاب و عمدة الارکان
نام پاکش علی لقب اکبر	رحمة الله علیه و الرضوان
کرد پرسش ز پیر فکر افسر	سال فوتش بدیده گریان
هاتفی گفت با ندای بلند	هست تاریخ فوت او «یاغفران»

۱۳۴۲

۱- شرح زندگانی ایشان در دانشمندان خوانسار، ص ۳۸۶ و نیز فرزندگان خوانسار

سید مصطفی سجادی (۱۳۱۲ ق - ۱۳۵۲ ش)^۱

حاج سید مصطفی سجادی فرزند حاج سید اسدالله از مجتهدین و علمای این خطه‌اند، فقیهی جامع، محدثی فاضل، حاوی اصول و فروع و سیدی جلیل‌القدر بود. سید مصطفی مقدمات را در زادگاهش سونقان آغاز و به صلاح‌دید مجتهد عالی‌قدر حاج سید علی اکبر بیدهندی به آسفرنجان گلپایگان عزیمت و نزد علمای آن دیار همچون حاج میرزا محمد و حاج میرزا عبدالکریم اسفرنجانی تلمذ نمود و پس از مدتی به حوزه اراک عزیمت و به تحصیل پرداخت و پس از چندی به اصفهان رفت و از محضر علمای اعلام همچون مرحوم شیخ محمدتقی نجفی معروف به آقا نجفی مرحوم آخوندکاشی و مرحوم جهانگیر خان قشقایی بهره برد و پس از مدت کوتاهی به خوانسار بازگشت و سپس به عراق مهاجرت و از محضر علماء اعلام آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی، میرزای نائینی و دیگر آیات عظام بهره برد. مشارالیه پس از چند سال تحصیل به سبب پیش آمد غیر منتظره به خوانسار مراجعت و تا پایان عمر در خوانسار ماندگار و به افاضه علوم اسلامی پرداخت و پس از عمری خدمت در سال ۱۳۵۲ شمسی به دیار حق شتافت. رحمه‌الله علیه

مسجد جامع خم پیچ

خم پیچ از جمله روستاهای دهستان عربستان خوانسار است. دهستان فوق شامل روستاهای: رحمت آباد، خم پیچ، تجربه، مهرآباد، حاج بلاغ و صفادشت

۱- شرح زندگانی ایشان در دانشمندان خوانسار، ص ۵۱۶ و نیز فرزندگان خوانسار

می باشد این دهستان به این علت عربستان نامیده می شود که تعدادی از اعراب در دو مرحله زمان صفویه و کوچ اجباری اعراب خراسان در زمان نادرشاه در این منطقه ساکن گردیده و به همین مناسبت این ناحیه را عربستان می نامند.^۱

شیخ محمدتقی (م ۱۳۶۱ هـ ش)

مرحوم شیخ محمدتقی فرزند شیخ محمدباقر مشهور به صدر اراکی از وعاظ مشهور و جلیل القدر بوده و قبر شریفش در مسجد جامع خم پیچ واقع است. مرحوم شیخ محمدتقی مقدمات را در شهر اراک به اتمام رسانید و سپس در قم از محضر آیات عظام حائری، یثربی کاشانی، ثابتی همدانی، سید محمدتقی خوانساری و حاج میرزا محمدعلی شاه آبادی و سید ابوالحسن رفیعی قزوینی بهره برد و سپس به اراک بازگشت و زینت بخش منبر و محراب در این شهر گشت آثار ایشان عبارتند از:

۱- الفرائب «زندگانی مولای متقیان علی ابن ابیطالب علیه السلام» در چند جلد ۲- الکعبه و ولیدها ۳- تأثیر النجوم فی الارض الطقوف و دیوان اشعار ایشان.

این عالم متقی سرانجام در اسفند ماه ۱۳۶۱ به دیار حق شتافت و پیکر مطهرش را از تهران به خم پیچ نقل داده و در مسجد جامع زادگاهش به خاک سپردند.^۲

۱- رجوع کنید به جغرافیای خوانسار - جلد دوم ص ۲۵۶ - ۲۵۷.

۲- شرح مفصل زندگانی ایشان در فرزندگان خوانسار صص ۱۳۵ - ۱۴۵ آمده است.

مقابر سایر بزرگان

شیخ زین الدین بن عین علی خوانساری - م ۱۱۰۳ ق

مقبره شیخ زین الدین در مجاورت خیابان امام در محوطه دبیرستان دخترانه واقع گردیده است (جنب ساختمان فعلی شهرداری). مرحوم سید مصلح الدین مهدوی در تاریخ تخت فولاد آورده است که مرحوم شیخ زین الدین بن عین علی خوانساری اصفهانی از اکابر علما و فضلاء قرن ۱۲ هجری در اصفهان بوده و در سال ۱۱۶۷ در اصفهان وفات یافته و در قبرستان آب بخشان مدفون گردیده است. وی در ادامه گوید: نویسنده قبرش را در بقعه‌ی کوچکی در آن مزار زیارت نموده است در موقع احداث خیابان چهارباغ پایین و از بین رفتن این گورستان بقعه را خراب کردند.^۱

در مکان بقعه شیخ زین الدین خوانساری اختلاف نظر وجود دارد. بقعه وی را برخی در تخت فولاد و قبر ایشان را در آب بخشان می‌نویسند و اکنون نه در تخت فولاد بقعه‌ای بدین نام و نه در قبرستان آب بخشان اصفهان به نام شیخ زین الدین وجود دارد. تاریخ وفات این عالم بزرگ را با اختلاف ذکر نموده‌اند^۲ همچون سنه ۱۱۴۸ و ۱۱۶۷ این موضوع قابل بررسی است نگارنده این حدس و گمان را بیشتر قابل می‌داند که شیخ زین الدین خوانساری ساکن اصفهان در اصفهان مدفون و شیخ

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان ص ۱۳۲.

۲- دانشمندان خوانسار، ص ۳۶۵ و نیز روضات الجنات، ج ۳ ص ۳۸۷ و نیز

معجم المؤلفین ج ۴ ص ۱۹۴.

زین الدین بن عین علی خوانساری در خوانسار مدفون است. همچنانکه قبر وی ظاهر است:
 مرحوم افسر پس از نوسازی بقعه منور شیخ زین الدین بن علی در سال ۱۳۷۰ هـ ق
 در رثای ایشان اشعاری سروده که بر لوح قبرش چنین آمده است:
 اینچنین گویند ارباب تواریخ کبار
 گنج علمی گشته پنهان زیر این خاک مزار
 شیخ زین الدین با اسم و رسم این عالی مقام
 عالمی پاک اعتقاد و عاملی کامل عیار
 در طریقت رهروانرا پیشوایی پاکباز
 در شریعت پیروانرا مقتدایی نامدار
 با مسمی اسم بودی بوده در اسلام زین
 حضرتش مشهور بوده در همه شهر و دیار
 روح پاکش در هزار و اند از ملک بدن
 خواند در فردوس اعلا داعی پروردگار
 قرن چارم بود کز سال وفاتش می گذشت
 خواست تا مهجور سازد نام او را روزگار
 در هزار و سیصد و هفتاد هجری نیکخواه
 گشت ساعی سنگ لوح و نرده بهر یادگار
 سال فوتش افسر خوانسار پرسید از خرد
 گفت در تاریخ او «الشیخ زین الدین لا» نکار

بقعه بابا ترک

بقعه بابا ترک در ضلع شرقی شهر خوانسار واقع و به واسطه سرقت در و صندوق و عدم وجود سنگ نوشته‌ای در داخل آن از مدفون یا مدفونین داخل بقعه اطلاعی در دست نیست اما بر اساس مشهور صاحب بقعه از عرفای زمان صفویه بوده است در جلوی در ورودی بقعه ضلع جنوب غربی ، مجاور خیابان ۱۳ محرم ، تعداد سه سنگ قبر بر دیوار محوطه بقعه نصب شده ، الواح قبور بدین شرح است:

هذا القبر المرحوم الصدر المعظم المکرم افتخار الصواحب

نبیر الامم الواصل الی رحمة الله الملك الصمد خواجه شمس الدولة و

الذین امیر محمد توفی فی سابع عشر من شهر صفر سنه اثنی و تسعه مائه

[۹۰۲]

کل من علیها فان

هذا القبر مرحوم سعید صالح امیر حسن بن امیر خضر بن شیخ جنید

عم زو کرامت فی شهر صفر المظفر بتاریخ سنه سبعة الف سبعین

[۱۰۷۷]

هذا القبر المرحوم السعید المظلوم المغفور الشاب الصالح

ابراهیم بن شیخ خضر بن حسن علی با اسحاق فی غرة شهر رجب

العاصم بتاریخ خمس و اربعین و سبعة مائه [۷۴۵]

غفر الله له ولوالدین

حسینیه دوراه

میرزا یحیی خان معتمد (م ۱۳۱۲ ش)

میرزا یحیی خان معتمد از شعرای قرن اخیر است معتمد در سال ۱۳۱۲ شمسی بدروود حیات گفته و در ضلع جنوب غربی حسینیه موسوم به حسینیه دوراه مدفون گردیده، بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

المؤمن حی فی الدارین

آرامگاه جاودانی مرحوم خلد آشیان عمدة الافاضل والاعیان و زبدة الاجلة
و الارکان آقامیرزا یحیی خان معتمدی نجل مرحوم حشمت مکان میرزا احمد خان
طاب ثراهما فی ان عرة ۱۳۱۲ شمسی برحمت ایزدی پیوست غفرالله لهما
رفت یحیی چون از این دار غم انگیز جهان
شد بسزیر خاک پنهان همچو گنجی در نهان
معتمد بودی در این دنیای دون بهر خلق
تا که بودی در وجود، این حق پرست حق شناس...
ای خداوندا بحق خون محبوبت حسین
در جوار شاه مظلومان رسانش در جنان
سال فوتش افسر خوانساری افسرده گفت
شعر دلخواهی که ماند یادگارش در جهان
از هزار و سیصد و ده دو فزون اندر شمار
سال شمسی رفت یحیی معتمد سوی جنان

سید عبدالغفار (م ۹۹۹)

مجاور مسجد آقامیر عظیم قبرستانی قدیمی وجود دارد که آثار آن از بین رفته است و تنها چند سنگ قبر بزرگ در آن باقی است از جمله قبر مرحوم سید عبدالغفار مشهور به امیر غفور. همچنانکه گذشت مرحوم آیه الله سید محمود بن آقامیر عظیم با پنج واسطه به سید عبدالغفار می رسد و اینک شجره سید عبدالغفار:

و هو السيد الغفار ابن مير سيد رضى الدين ابن سيد محمد الخواص ابن سيد محمد الصالح ابن قطب الدين الزاهد ابن سيد صلاح الدين رشيد ابن سيد محمد حافظ ابن سيد محمد ابن سيد شرف شاه ابن سيد تاج الدين حسن ابن سيد صدر الدين محمد ابن سيد مجد الدين ابراهيم سيد جعفر ابن سيد محمد ابن سيد مجد الدين ابراهيم ابن سيد جعفر ابن سيد محمد ابن سيد اسماعيل ناصر الدين ابن مير سيد محمد ابن شافخر الدين احمد ابن سيد محمد الاعرابي ابن سيد قاسم ابن سيد حمزه ابن امام الهمام حضرت موسى ابن جعفر صلوات الله عليه و على آبائه و ابنائه المعصومين الطيبين الطاهرين.

در حاشیه سنگ مزار سید عبدالغفار نوشته شده:

اللهم صل على النبي و الوصى و البتول و السبطین و السجاد و الباقر و کاظم و

الصادق و التقی و النقی و العسکری و المهدي

در بالای سنگ و در حاشیه دور تذهیب وسط این اشعار قابل خواندن است:

ز تأثیر دم سردی مرگ شد بهار جهان جوانیش دی

پی سال فوتش ز کلک قضا رقم زد بهشت برین جای وی

در بالای سنگ سنه ۹۹۹ مشهود است.

سید تاج الدین حسن (معروف به صحابی)

در مجاورت قبرستان شرقی شهر سمت پایین خیابان در کنار نهر آب موسوم به نهر جیلا (لا) قبری موسوم به قبر صحابی وجود دارد. صاحب قبر سید تاج الدین حسن است که بر اساس شجرنامه سادات شریف عظیمی که با ۱۶ واسطه به سید تاج الدین می‌رسد. سید تاج الدین با ۱۰ واسطه به امام الهمام حضرت موسی کاظم علیه السلام می‌پیوندد.

چنین مشهور است که در زمان حکومت رضاشاه پهلوی جهت احداث خیابان بخشی از قبرستان مجاور قبر سید تاج الدین حسن تخریب و قبر سید تاج الدین نیز تخریب گردیده و پس از مشاهده بدن سالم و تازه وی مجدداً سنگ قبر را بر روی قبر قرار داده و قبر وی را بنا نهاده و نرده‌ای آهنین بر روی آن قرار داده شده بود. در سالهای اخیر با اقدامات عمرانی شهرداری و گسترش خیابان متأسفانه مقبره سید تاج الدین حسن با فروش حریم آن به اشخاص در پشت ساختمانی بلند قرار گرفته و امکان ساخت مقبره و آزادسازی حریم آن از بین رفته است با امید به این امر که از فروش قبرستان به اشخاص و احداث بناها ارزشهای ریشه دار مذهبی اجتماعی خود را به نابودی نکشیم، ان شاء الله. بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

كُلِّ مِنْ عَلَيْهَا فَاَنْ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

اللهم صل على النبي و الوصى و آل البتول و السجاد و الباقر و الصادق و الكاظم

و الرضا و التقى و النقى العسکرى و المهدي صاحب الزمان و خلف الرحمان

صلوات الله عليهم اجمعين

هذه روضة المنجة الشريفة عاليحضرت صيانت پناه بها الافتخار استكارة

افتخار السادات نتیجه آل عبد مناف قاری کلام الله العلامة زین الانمة الانام
الواصل الى رحمة الله الملك المسنده جاوید النقابة و الذین أمير حسن صاحب
قبضة نور مرقدہ و طیب مضجعة فی تاریخ غره شهر ربیع الثانی فی سنه احدى
مأتین وسبع مائة من الهجرة النبوية المصطفوية. اللهم اغفر رحمة بحرمة محمد وآله.
هست تاریخ فوت آن مرحوم حشر او با چهارده معصوم

ملا حیدر بن محمد (م ۱۰۹۹ ق)^۱

از علمای معقولى قرن یازدهم هجرى مى باشد. در معقول از اساتید آقا حسین
خوانسارى بود و از تألیفات اوست **زبدة التصانیف** به فارسى که راجع به امور دیانت
است و **مضینى الاعیان فی استخراج اسماء اهل البيت من القرآن**. مرقد منور ایشان
در محله ای موسوم به چشمه آخوند واقع گردیده و بر اثر گسترش خیابان متأسفانه در
وسط خیابان قرار دارد.

لازم به ذکر است که سابقاً در چند مترى مقبره مرحوم ملا حیدر چشمه ای بوده
بنام چشمه آخوند و این محله را نیز به همین نام محله چشمه آخوند نامیده اند. با
تخریب مقبره اولیه ملا حیدر چشمه مجاور آن نیز در مسیر خیابان مدفون گردیده
است.^۲

۱- برخی از منابع وفات این عالم بزرگ را ۱۰۵۵ متذکر شده اند. از جمله آثار دیگر

وی حاشیه بر سفارامی توان نام برد. رک: هدیه العارفین جلد اول، ص ۳۴۲.

۲- شرح زندگانی ایشان در دانشمندان خوانسار آمده است.

آخوند ملا عبدالمبین (م ۱۲۶۰ ق)

آخوند ملا عبدالمبین فرزند ملا محمد اسماعیل از علماء میرز و عالمی عامل و فعال بود و ریاست و تدریس علوم دینی را در مدرسه مشهور به مدرسه میرباقری بعهدہ داشت بگونه‌ای که در زمان ایشان در آن مدرسه طلاب زیادی به فراگیری علوم دینی مشغول بودند و کتابهای زیادی بالغ بر یک‌هزار جلد کتاب وقف طلاب نمود معظم له آثاری داشته که فعلاً خلاصه و مهمات تحفة الابوار مرحوم آية الله حاج سید محمدباقر شفتی در دست است تقریباً در ۱۲۶۰ قمری بدرود حیات گفته و در مقبره‌ای که میان بازار قرار دارد دفن گردیده است.^۱

سایر بزرگان مدفون در مقبره عبارتند: از آخوند ملا محمدباقر فرزند ایشان و آخوند ملا عبدالکریم خوانساری و همچنین قبر مرحوم ملا محمد محراب بک نیز در بازار دوراه واقع است و فاقد سنگ نوشته‌اند شایسته است در این زمینه قبور بزرگان شناسایی و اسامی آنان بر سنگ نوشته‌ای ذکر و در محل دفن آنان نصب گردد. همچنین است قبور علما و بزرگانی که در محل فعلی مدرسه بنت الهدی واقع گردیده‌اند و یا حداقل می‌توان با نصب زیارت نامه بر دیوار مدرسه، موجبات توجه به این بزرگان را فراهم آوریم.

قبرستان مجاور گلستان شهدا (قبرستان غریب)

مجاور گلستان شهدا خوانسار قبرستان نسبتاً کوچکی وجود دارد که بر اثر

۱- شرح زندگانی ایشان در فرزندگان خوانسار ص ۹۰ و نیز دانشمندان خوانسار

گسترش خیابان دانشگاه، احداث بلوار ورودی به گلستان شهدا و اخیراً احداث مجتمع‌های مسکونی گلستان موجب گردیده تا هر روز بخشی از این قبرستان رو به نابودی رود. در این قبرستان مؤمنین و خیرین و بزرگانی چند مدفون اند برخی از آنان که هنوز آثار قبورشان باقی است بدین قرار است:

۱- آخوند ملا زین العابدین فرزند مرحوم آقا محمد متوفی رجب سنه ۱۲۰۵
ظاهراً از نوادگان هلاءالدین^۱ مقصود سرسلسله خاندان مقصودیهاست لوح قبر ایشان فرسوده شده و تنها این دو مصراع قابل تشخیص است:

بمرگ جوانان نادیده کام برد دل ز مرغ هوایی تمام

۲- آخوند ملا علی اکبر فرزند مرحوم ملا مؤمن متوفی شهر شعبان سنه ۱۲۶۱

۳- آقازین العابدین مقصودی فرزند آخوند ملا محمد مهدی متوفی سنه ۱۳۷۱ ق.

۴- آخوند ملا محمد مهدی (مقصودی) فرزند کربلایی صادق متوفی سنه ۱۳۵۸

۵- شیخ میرزا احمد مقصودی فرزند آخوند ملا غلامعلی متوفی سنه ۱۳۷۵.

۶- آخوند ملا محمد فرزند غلامحسین خوشنویس (اشرف الکتاب) متوفی سنه

۱۳۲۵. بر لوح قبرش این اشعار حک شده است:

وَقَدْتُ عَلَى الْكَرِيمِ بِغَيْرِ زَادٍ مِنْ الْحَسَنَاتِ وَالْقَلْبِ السَّلِيمِ

چون عود نبود چوب بید آوردم روی سیه موی سپید آوردم

خود فرمودی که ناامیدی کفر است فرمان تو بردم و امید آوردم^۲

۱- هلاءالدین متخلص به مقصود از فضلا و شعرای عهد شاه عباس اول بوده و در سال

۱۰۲۸ در خوانسار وفات یافته است. قبرش اکنون ظاهر نیست.

۲- شرح زندگانی ایشان در خوانسارنامه، ص ۸۹ مذکور است.

۷- آخوند ملا علی فرزند آخوند ملا غلامحسین خوشنویس متوفی سنه ۱۳۵۵

۸- ملا احمد فرزند آخوند ملا غلامحسین متوفی سنه ۱۳۶۵

۹- آخوند ملا محمود اشرف الکتاب فرزند آخوند ملا غلامحسین خوشنویس

متوفی سنه ۱۳۶۸. مرحوم افسر در رثای ایشان اشعاری سروده که بر لوح قبرش حک شده است دو مصراع از آن چنین است:

تاریخ وفات حضرتش افسر گفت «با امر علی رفت به مقصد محمود»

۱۳۶۸

۱۰- محمد باقر اشرف الکتاب فرزند مرحوم آخوند ملا علی خوشنویس متوفی

فروردین ماه ۱۳۵۴ که همچون پدران خویش خط را نیکو می نوشته است.^۱

محله پایتخت

قبرستان پایتخت مدفن دو عالم بزرگوار و جلیل القدر مرحوم حاج سید احمد

صفایی و مرحوم آخوند ملا علی اکبر حاج شریفی است.

سید احمد صفایی خوانساری (۱۳۵۹ - ۱۲۹۱ ق)

مرحوم آیه الله سید احمد صفایی خوانساری (ره) در سال ۱۲۹۱ ق در

خوانسار متولد شد و پس از طی دوران صباوت نزد عالمان آن روزگار مشغول تحصیل

شد و در سال ۱۳۱۰ در حدود بیست سالگی به اصفهان رفت و طی دوازده سال اقامت

۱- شرح زندگانی ایشان و آخوند ملا محمود اشرف الکتاب در خوانسار نامه، صص ۹۳-۹۴

و نیز دایرة المعارف مصور دانش و هنر صص ۵۶۲-۵۶۳ مذکور است.

در اصفهان عمدتاً از این اساتید استفاده کرد: آخوند ملا محمد کاشی، جهانگیرخان قشقایی، حاج میرزا محمد هاشم خوانساری، سید محمد باقر درچه‌ای، حاج میرزا ابوالمعالی کرباسی و حاج شیخ محمد تقی مشهور به آقا نجفی مسجد شاهی رضوان الله علیهم اجمعین.

آنگاه به سال ۱۳۲۲ ق عزم دیار دوست کرد و به حوزه نجف اشرف تشریف یافت و از محضر استوانه‌های علمی آن حوزه از جمله حضرات آیات: سید محمد کاظم طباطبایی، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید ابوتراب خوانساری حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل تهرانی و ملا محمد علی امامی خوانساری (قدس الله اسرارهم) بهره‌مند گشت و به سال ۱۳۲۸ ق با اندوخته‌های علمی فراوان به خوانسار بازگشت و تا پایان عمر در خوانسار به تدریس و خدمات علمی و اجتماعی اشتغال داشت و پس از عمری تلاش با دستی پر از حسنات در شب چهاردهم ذیقعد سال ۱۳۵۹ ق پس از خواندن نافله شب و شفع، در حال تکبیر نماز وتر بدرود حیات گفت و در قبرستان محله پایتخت، یعنی محله سکونتش، چهره در نقاب خاک فروکشید.

از آثار ارزشمند ایشان **کشف الأستار عن وجه الكتب والاسفار** را می‌توان نام برد که تا کنون ۶ جلد از آن منتشر گردیده است و از آثار دیگرشان بر اساس لوح قبر ایشان بنای مسجد پایتخت می‌باشد. اشعاری از مرحوم افسر در رثایش سروده شده که بر لوح قبر ایشان نقش بسته و ابیاتی از آن چنین است:

از آسمان علم و عمل مه‌تابناک کردی غروب از افق دهر زیر خاک
آمد ندای ارجعیش چون بگوش روح پیوسته گفت آن رضایی لَقَدِركِ رضاك

پرواز کرد طایر روحش به قرب حق ای روح پاک سیدنا روحنا فداک
مجموعه فضایل و کشف معضلات شد گنج پاک گوهر دانش نهان به خاک
روح القدس مؤید افسر بلندگفت تاریخ فوت حضرت ابوبی هراس و باک
سال هزار و سیصد و پنجاه و نه برفت احمد چو جد خویش به معراج در سماک
همچنین مدفن مرحوم سید مجتبی حسینی صفایی فرزند آیه الله سید احمد صفایی
نیز در جوار مدفن پدر قرار دارد بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

هو الحی الذی لایموت

آرامگاه ابدی سید الاجله اعلام و سبیل الطائب العظام آقا سید مجتبی حسینی
صفایی فرزند مرحوم آیه الله سید احمد صفایی که در لیله بیستم شعبان ۱۳۹۵ در ۵۶
سالگی بدرود حیات و دعوت حق را لبیک و اجابت گفته رضوان الله علیه و جز الله
اجداده الطیبین الطاهرین.

ایشان به مدت ده سال امامت جماعت مسجد پایتخت را به عهده داشته و
تعدادی از کتب باقی مانده از وی به کتابخانه حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج)
(مهدیه) اهداء گردیده است.

آخوند ملا علی اکبر حاج شریفی (۱۳۴۶ - ۱۴۵۶ ق)

مرحوم آخوند ملا علی اکبر فرزند حاج محمد حسین بن محمد علی بن حاج
شریف در سال ۱۲۵۶ قمری در خوانسار در خانواده ای تاجر پیشه و سرشناس دیده به
جهان گشود و از محضر عالمان برجسته خوانسار علوم عقلیه و نقلیه را فرا گرفته و به
ارشاد و رسیدگی به امور دینی و تزکیه نفوس مستعده پرداخت. ایشان فاضلی

گرانمایه و عارفی بلند پایه و صاحب کرامات و متصف به ملکات فاضله و اخلاق حمیده بود. معنویت و خلوصی بسیار داشت و نسبت به ساحت قدس حضرات ائمه اطهار سلام الله علیهم دارای ارادتی ویژه بود و در مدایح و مراثیشان اشعاری نیز سروده که در کتابی به خط خودش به یادگار مانده .

ایشان همواره از شهرت و تعلقات دنیوی گریزان بوده و تا آخر عمر موطن خویش را ترک نفرمود و در سال ۱۳۴۶ قمری به سرای جاودان شتافت و در قبرستان محله پایتخت به خاک سپرده شد. ابیاتی از ایشان در مدح حضرت علی علیه السلام چنین است:

در صراحی ما ریز ساقیا می توحید

زاهدا مکن ما را از عذاب حق توعید

من امیدها دارم کی نمایدم نومید

ناامید کس باشد از کمال ندادانی

از دریچه خضرا کرده سر برون سنبل

هر طرف نظر دارد بهر دیدن بلبل

بلبل از شمیم گل گرم ناله و غلغل

تا که بر زبان آرد مدح شیر یزدانی

آنکه شد به پا عالم از طفیل جود او

خلقت بشر آمد از برای بود او

ورنه می نشد مأمور کس پی سجود او

زین سبب همی ماندی شرق و غرب ظلمانی

آنکه بر جمال وی شمس والضحی آمد بر کمند گیسویش لیل از اسجی آمد
 بهر تارکش از حق تاج انما آمد آنکه از دم تیغش شد بپا مسلمانی
 آنکه در صف خیبر پنجه یداللهی زد به حلقه از جا کند همچنان پر کاهی
 بر فتاد از او لرزه از سما الی ماهی ساخت پل روی دست روی بحر عمانی
 آن شهی که جبرائیل بر درش بود دربان جبهه سای ایوانش در فلک بود کیوان
 خاک پا و نعلینش کحل حوری و غلمان در برابرش چاکر صد چو پور عمرانی

بقعه پیر (شیخ اباعدنان)

در داخل و اطراف بقعه پیر واقع در مجاور پارک سرچشمه خوانسار برخی از بزرگان مدفون بودند که متأسفانه الواح قبور آنان از بین رفته و اثری از آنان باقی نمانده است. در سالهای اخیر مرحوم حاج محمدحسن فاضلی بنیانگذار کتابخانه آیه الله فاضل خوانساری در پی تعمیر و نوسازی بقعه پیر در سال ۱۳۷۵ به جوار رحمت حق پیوست و بنا بر وصیت ایشان را در داخل بقعه پیر به خاک سپردند.

مرحوم محمدحسن فاضلی در سال ۱۲۹۶ ش در خوانسار متولد شد. پدرش ملا محمد مهدی فاضل خوانساری از علماء بزرگ خوانسار بوده که ذکر آن گذشت. مرحوم فاضلی در بین سالهای ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۸ تحصیلات مقدماتی علوم قدیمه را نزد علمای وقت فرا گرفت. سپس مقداری از فقه و اصول را از محضر سید ابوالقاسم علوی، آیه الله علوی و میرزا یوسف مهدویان، ملا محمدحسن شاکریان و آیه الله میرزا رضا ابن الرضا فرا گرفت. وی در تمام مدت نزد پدر خود نیز به تحصیل مشغول بود. در سفری که مرحوم آیه الله شیخ موسی خوانساری قبل از سال ۱۳۱۵ به خوانسار آمده بود امتحانی از ایشان بعمل آورده و بعد از مراجعه به نجف اجازه ای از

آیه‌الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی گرفته و برای ایشان ارسال کرده است.
مرحوم فاضلی در هفتم شهریور ۱۳۷۵ دارفانی را وداع گفت. (رحمة الله تعالی علیه)^۱
گلزار شهدای سنگ شیر

گلزار شهدای سنگ شیر که در محله‌ای به همین نام قرار دارد مدفن تنی چند از بزرگان علم و ادب محله‌های بیدهند و سنگ شیر خوانسار است. در این قبرستان در گذشته شیرسنگی نسبتاً بزرگی واقع بود، به همین سبب این محل را سنگ شیر نامیده‌اند بنابر آنچه در **خوانسار نامه** آمده است شیرسنگی فوق بر روی قبر «ملا شعیبا» قرار داشته تاریخ منقور بر آن یکهزار و شصت و سه^۲ بوده است و دارای ماده تاریخ نیز بوده است.

شیرسنگی فوق در سال ۱۳۶۵ توسط غارتگران میراث فرهنگی به یغما رفته است^۳ و اطلاعات منقوش بر روی آن در دست نیست. اما در خصوص «ملا شعیبا» ایشان از شاگردان علامه آقا حسین خوانساری بوده و در مدرسه جده اصفهان ساکن بوده است، میرزا احمد طاهر نصرآبادی در تذکره نصر آبادی گوید:

ملا شعیبا از ولایت خوانسار است در کمال آدمیت و خاموشی بود از

۱- شرح زندگانی ایشان در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله فاضل خوانساری، ج ۱، ص ۴۹ - ۵۰، فرزندگان خوانسار ص ۱۵۲ و نیز دانشمندان خوانسار، ص ۴۳۴ مذکور است.

۲- خوانسار نامه، صص ۱۴۵.

۳- در این خصوص مراجعه کنید به جغرافیای خوانسار، جلد اول، ص ۹۶.

شاگردان علامه آقا حسین بوده و بندگان آقائی توجه بسیار به اوداشتند و در سنه ۱۰۸۳ فوت شده است.^۱

تاریخ فوق با آنچه نویسنده «خوانسار نامه» خود به عینه دیده و یادداشت فرموده «۱۰۶۳» متفاوت است. وی از شعرا و فضلاء قرن یازدهم خوانسار است این دو بیت از اشعار اوست:

با هر که حرف دوستی اظهار می‌کنم خوابیده دشمنی است که بیدار می‌کنم
از بس که در زمانه یکی اهل درد نیست اظهار درد خویش به دیوار می‌کنم^۲
مجاور قبور شهدای مدفون در گلزار شهدا بقعه‌ای وجود دارد به نام «بقعه بی‌بی طاهره» که محل زیارت اهالی است. اطلاعاتی از ایشان موجود نیست. بر لوح قبر ایشان چنین آمده است:

«هذا القبر المرحومة المبرورة بی‌بی طاهره بنت مولانا عسگر و فی تاریخ
سنه ۱۰۹۹ اللهم صل علی النبی محمد الوسی علی البتول فاطمة و صل علی
الحسن و الحسین و صل علی زین العابدین و علی الباقر و الصادق،
محمد جعفر و کاظم موسی»

در فاصله اندکی از بقعه بی‌بی طاهره مدفن مرحومه «بی‌بی مریم» بنت علی قلی بیگ متوفای ۱۰۷۲ و «بی‌بی صاحبجان» متوفای سنه ۱۰۷۲ قرار گرفته و نیز در مجاور این

۱- تذکره نصرآبادی، ص ۱۹۴.

۲- تذکره نصرآبادی ص ۱۹۴، تذکره شعرای خوانسار ص ۱۳۴، الذریعه ج ۲ -

ص ۵۲۹ و نیز دانشمندان خوانسار صص ۱۲۸ و ۵۴۹.

دو قبر بر لوح قبری بدون ذکر نام و نشان مدفون چنین آمده است:

هو الباقی

«ناد علیاً مظهر العجایب تجده عوناً لك فی النوائب کلّ هم و غمّ سینجلی بولایتک
یا علیّ یا علیّ یا علیّ»

مجاور همین لوح بی نام و نشان بر لوح دیگری بدون ذکر نام و نشان متوفی چنین آمده است:

در جهان از سیل اشکم خانه آباد نیست

شمع امید مرا پروانه‌ای جز باد نیست

لاله را نازم که با داغ تو می‌روید ز خاک

خاک بر سر باد عشقی را که مادرزاد نیست

آیه‌الله آخوند ملا محمد بیدهندی خوانساری (۱۲۵۲-۱۳۳۷ ق)

مرحوم آیه‌الله ملا محمد بیدهندی فرزند حاج محمد ابراهیم در سال ۱۲۵۲ هـ ق در خانواده‌ای متدین در بیدهند خوانسار متولد گردید. پدرش مرحوم محمد ابراهیم از معتمدین و معاریف بیدهند بود. مقدمات را در خوانسار از اساتید بهره برد و سپس به نجف اشرف عظیمت نموده و از خاصان درس آیه‌الله حاج میرزا حسن شیرازی گردید و پس از دریافت اجتهاد از برخی از علماء بزرگ همچون صاحب روضات و برادرش صاحب «مبانی الاصول» به ایران مراجعت و در زادگاه خود بیدهند به تعلیم و تربیت طلاب و تدریس فقه و اصول مشغول گردید و از محضر ایشان علمای بزرگی همچون مرحوم حاج سید احمد صفائی، حاج سید مصطفی صفائی و مرحوم

حاج میرزا خلیل کمره‌ای بهره بردند.

در مقدمه «کشف الاستار» مرحوم حاج سید احمد صفائی جلد اول، مرحوم آخوند ملا محمد بیدهندی را از مشایخ ایشان در نقل حدیث عنوان نموده‌اند.^۱

این عالم بزرگ در زمان حیات به اسطوره قدس و تقوی معروف بود و در سال ۱۳۳۷ دارفانی را وداع و در قبرستان سنگ شیریه خاک سپرده شد. (رحمة الله تعالی علیه)

همچنین مدفن آخوند ملا میرزا احمد اورعی که عالمی کامل و زاهدی بارع بوده در این قبرستان قرار دارد. وی فرزند مرحوم حاج ملا عبدالله بوده و در شهر محرم الحرام ۱۳۷۸ به دیار حق شتافته است. از دیگر بزرگان مدفون در این قبرستان می‌توان شیخ محمود بن ملاعلی، آقا خمٹلو متوفای ۱۳۴۲ ق را نام برد.

امامزاده سید صالح قصیر علیه السلام

امامزاده سید صالح قصیر واقع در بیدهند خوانسار با هفت واسطه به امام هفتم شیعیان حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌پیوندد.^۲ تنی چند از بزرگان علم و ادب خوانسار در داخل امامزاده مدفونند که به ذکر اجمالی از آنان می‌پردازیم:

- ۱- کشف الاستار عن وجه الكتب والاسفار ج ۱، ص ۱۸ و نیز دانشمندان خوانسار ص ۳۳۰.
- ۲- شرح حال امامزاده فوق در کتاب «شرح حال امامزاده سید صالح قصیر اول علیه السلام» تألیف سید احمد روضاتی و نیز مناهج المعارف ص ۸۳، جغرافیای خوانسار جلد اول ص ۹۶، فرزندگان خوانسار ص ۸۵ و دانشمندان خوانسار ص ۳۷۵ آمده است.

۱- آیه الله حاج سید صدرالدین محمّدی فرزند مرحوم آیه الله آقا سید محمّد طاب ثراه بانی بنای جدید امامزاده سید صالح قصیر علیه السلام که در سن ۸۵ سالگی و در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۹ دعوت حق را لبیک گفت. ایشان در دوران تحصیل در قم از هم مباحثه‌های حضرت امام خمینی (ره) بوده. (آن مرحوم فاقد فرزند بوده است)

۲- حاج شیخ محسن امینی فرزند حضرت آیه الله آخوند ملاّ محمّد بیدهندی رحمه الله تعالی علیهما که در سال ۱۲۹۲ ش در بیدهند خوانسار متولد و پس از طی دوره مقدماتی در خوانسار برای ادامه تحصیل عازم حوزه علمیه اصفهان گردید و از محضر علمای عصر بهره فراوان برد و سپس عازم حوزه مقدّسه قم گردید و پس از چند سال استفاضه از محضر حضرت آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به زادگاه خود مراجعت و مدتی نیز از محضر حضرت آیه الله حاج سید احمد صفائی خوانساری و آیه الله حاج میرزا هدایت الله گلپایگانی بهره برد و در سال ۱۳۲۳ به قم مراجعه و در زمره شاگردان ممتاز حضرت آیه الله حاج سید محمّد تقی خوانساری و آیه الله بروجرودی قرار گرفت.

مرحوم امینی در سال ۱۳۳۲ با اخذ اجتهاد از مرحوم آیه الله بروجرودی و به درخواست معظم له برای ترویج علوم دینی و ارشاد اهالی به زادگاهش بیدهند مراجعه و تا سال ۱۳۶۹ به ارشاد اهالی و ترویج علوم دینی و انجام امور عام المنفعه مشغول بود.

۳- مرحوم حاج شیخ محمّد تقی اورعی فرزند مرحوم غلامرضا متولد ۱۲۷۵ و متوفای ۱۳۵۵ که از جمله علمای پرهیزگار و از زهاد عصر خویش بود.

۴- مرحوم (امام جمعه) آیه الله حاج سید جمال الدین بن سید مهدی بن سید

حسن بن سید حسین بن آیه الله حاج سید ابوالقاسم معروف به میرکبیر متوفای ۱۲۹۰ ق.

بابا سلطان

پیر جلال الدین سلطان خوانسار

مقبره پیر جلال الدین در بابا سلطان خوانسار واقع و بر اثر گسترش خیابان در وسط خیابان واقع گردیده است. سنگ مرقد پیر اخیراً به سرقت رفته است بر لوح قبر وی چنین آمده بود:

هذا المرقد المنور المعطر للشهيد

المتورع القريب الى المتين المشهور بالزمان پير جلال الدين سلطان امسك الله تربته و سعى و صرف ملكة النبء و الخوانين بى بى دولت ترکان بنت قنغاز سمرقندى^۱ كتب فى تاريخ سنة خمس و خمسين و ثمان مائة^۲.

۱- در خصوص عنوان سمرقندى و ارتباط آن با خوانسار که در آن زمان قریه‌ای از جرفادقان بوده است نگارنده به اطلاعات موثقى دست نیافته است اما در «خدمات مسلمانان به جغرافیا» دکتر نفیس احمد به نقل از کاپیتان «تومنسکى» روسى عنوان مى‌کند که وی از میرزا ابوالفضل گلپایگانی سمرقندى تقاضا کرده بود که به جستجوی نسخ خطى قدیمی آن ناحیه (سمرقند) پردازد و میرزا در ۲۵ اکتبر ۱۸۹۲ در نامه‌ای که برای او مى‌فرستد از کشف «حدود العالم» خبر مى‌دهد. رک: خدمات مسلمانان به جغرافیا از دکتر نفیس احمد ترجمه حسن لاهوتى، بنیاد پژوهشهای اسلامى آستان قدس رضوى ۱۳۶۸، ص ۴۱.

سایر بزرگان مدفون در قبرستان بابا سلطان عبارتند از:

۱- حاج شیخ محمود ابن آخوند ملا حسین متوفای شوال ۱۳۴۴. مرحوم حاج شیخ محمود از علماء و ادبا و شعراء بنام خوانسار بوده و «شهاب» تخلص نموده و دیوان اشعار وی تحت عنوان «دُر خوشاب»^۱ منتشر گردیده است.

۲- حاج شیخ احمد ابن آخوند ملا حسین، ایشان پدر حضرت آیه الله حاج شیخ ابوالفضل نجفی خوانساری می باشند. آن مرحوم ادیبی اریب و دارای طبعی روان بوده و اشعاری نیز از ایشان موجود است وی در سنه ۱۳۴۶ به رحمت ایزدی پیوسته است از تألیفات ایشان کتاب «لسان الصدق» است که به طبع رسیده است.^۲

۳- حاج ملا علی ابن آخوند شیخ عبدالله متوفای سنه ۱۳۲۸

۴- حاج شیخ میرزا محمد فصیحی ابن مرحوم حاج ملا علی متوفای سنه ۱۳۵۵
۵- آخوند ملا حسین ابن مرحوم ملا عبدالله، ایشان پدر بزرگ آیه الله حاج شیخ ابوالفضل نجفی خوانساری می باشد و در سنه ۱۳۰۱ به رحمت حق پیوسته است.

۱- شرح زندگانی ایشان در تذکره شعرای خوانسار، ص ۱۳۵ دانشمندان خوانسار
ص ۵۵۰، فرزندگان خوانسار ص ۱۷۷ و نیز در مقدمه دیوان ایشان تحت عنوان دُر خوشاب
منتشر گردیده است.

۲- شرح زندگانی ایشان در فرزندگان خوانسار ص ۳۷ و نیز دانشمندان خوانسار
مذکور است.

قودجان

در قبرستان عمومی قودجان دو بقعه وجود دارد یکی مدفن علامه میرکبیر و دیگری مدفن مرحوم حاج آقا حسین روحانی رحمه الله علیهماست.

سید ابوالقاسم جعفر بن حسین (علامه میرکبیر) (۱۰۹۰-۱۱۵۸ هـ.ق)

سید ابوالقاسم موسوی معروف به میرکبیر فرزند سید حسین از علماء بزرگ شیعه در قرن دوازدهم هجری است وی عالمی جامع، فقیهی کامل، عارفی زاهد و شاعری ماهر بود. پس از طی مقدمات علوم از محضر علامه مجلسی، آقا حسین گیلانی و آقا جمال خوانساری و مرحوم سراب بهره برده و در ردیف علمای بزرگ حوزه‌های علمیه عراق و ایران قرار گرفت.

پس از بروز فتنه افغانه و تاخت و تاز محمود افغان و تصرف اصفهان در حدود ۱۱۳۳ هجری از اصفهان به خوانسار مهاجرت و در قودجان رحل اقامت افکند و تا پایان عمر در آنجا باقی و در سنه ۱۱۵۸ چشم از جهان فرو بست. زنده یاد، بخشی از شعرای خوانسار ماده تاریخ فوت میرکبیر را چنین آورده است:

میر ابوالقاسم اعلم ز جهان رحلت کرد از جهان نسخه آداب مسلمانی رفت
سال تاریخ وفاتش ز خرد پرسیدم گفت «دانای ادب عالم ربانی رفت»
از آثارش: ۱- منهاج المعارف در اصول دین ۲- کتابی در حق ۳- رساله در وجوب عینی نماز جمعه ۴- دو کتاب در زکات و...

میرکبیر بسیار خوش خط بوده و مهارت شعری و شم فقهی خویش را در منظومه‌ای که

از همزه و الف خالی است در حدود سه هزار بیت مشخص و مدلل می‌سازد^۱.

حاج آقا حسین روحانی (۱۲۵۳-۱۳۳۸ ش)

مرحوم آیة‌الله حاج آقا حسین روحانی قودجانی فرزند حیدر در سال ۱۲۵۳ در قودجان چشم به جهان گشود و پس از طی مقدمات علوم متداول در خوانسار راهی حوزه اصفهان گردید و پس از چندی راهی حوزه نجف اشرف گردید و از محضر علماء بزرگی همچون آقا ضیاء‌الدین عراقی، آیة‌الله محمد حسین نائینی، حاج سید ابوالحسن اصفهانی رحمة‌الله علیهم بهره برد و با دریافت اجازاتی از ایشان به موطن خویش بازگشت و تا پایان عمر به رتق و فتق امور مسلمین پرداخته و با بذل مال و استفاده از نفوذ خود از فقیران و مسکینان استمالت می‌نمود.

پدر مرحوم روحانی از رجال نامدار منطقه بود. مرحوم روحانی سرانجام در اردیبهشت ۱۳۳۸ به جوار رحمت حق شتافت و در کنار مرقد میرکبیر به خاک سپرده شد^۲.

۱- روضات الجنات ج ۲ ص ۱۹۷، مقدمه مناہج المعارف و اعیان الشیعه ج ۱۵ ص ۳۹۷، تذکره شعرای خوانسار، ص ۱۹۳، دانشمندان خوانسار ص ۳۱۲، جغرافیای خوانسار جلد اول ص ۱۴۱.

۲- شرح زندگانی ایشان در فرزندگان خوانسار ص ۷۰.

نکته‌ای درخور توجه

اگر کلیه سنگ نوشته‌های قبرستانهای متروکه شهر خوانسار را قبل از آنکه از بین بروند و یا آنان را به طریقی از بین ببرند با کمال دقت و صرف وقت مطالعه و اشعار آنان یادداشت شود و اسامی بزرگان مدفون و تاریخ وفات آنان درج گردد بخش قابل توجهی از تاریخ علمی، فرهنگی و ادبی خوانسار از دوران صفویه تاکنون بدست می‌آید.

بسیارند بزرگانی که نامشان فقط در سنگ نوشته‌های قبورشان تاکنون باقی مانده است. برخی از شعراء و ادباء گمنام خوانسار تنها اثر آنان همان ماده تاریخ هایی است که جهت معاصرین خود سروده‌اند و هیچ گونه اثر دیگری از آنان باقی نمانده است. تاریخ وفات برخی از علما و بزرگان در کتب تراجم متفاوت عنوان گردیده و تاریخ صحیح وفات این بزرگان را از سنگ نوشته‌های موجود قبورشان می‌توان بدست آورد. اما متأسفانه بسیارند بزرگانی که حتی فاقد سنگ نوشته‌اند همانند اغلب بزرگانی که در بقاع مدفون اند (قبرستان شرقی) و نامشان برای همیشه از خاطره‌ها رو به فراموشی نهاده است.

از سویی سنگ نوشته قبور بسیاری از بزرگان مدفون در قبرستانهای متروکه دارای ارزش هنری بسیاری است و متأسفانه رو به نابودی است گرد آوری چنین سنگهایی در مکانی خاص، تشکیل مجموعه‌ای بسیار با ارزش را خواهد داد که می‌تواند زمینه ایجاد موزه‌ای از آثار با ارزش در زمینه‌های دیگر را نیز موجب گردد. در اینجا لازم است یادی نیز از هنرمندانی نمایم که با عشق و علاقه بسیار آثار باارزشی از حجاری و حکاکی را خلق و در حفظ آثار تاریخی، ادبی و فرهنگی اختران خوانسار سهمی را به خود اختصاص داده‌اند. حجاران‌ی که به مدد عشق و علاقه در پرتو هنر خویش سنگهای سخت و خشن، در کف دستان هنرمند ایشان همچون موم

رام هنر آنان گشت و نه تنها از حالت یک سنگ معمولی خارج و برای همیشه در تاریخ ماندگار شدند بلکه بعنوان برگی از برگهای تاریخ این دیار محسوب می‌شوند. از آن جمله است **سید رضا اصفهانی** که در قرن یازدهم بنا به تقاضای حاج صادق خان فرزند حاج صانع جهت حجاری سنگهای حوض مسجد جامع خوانسار به این دیار آمده و در این شهر رحل اقامت افکند و آثار با ارزشی از خویش به یادگار نهاد و فرزندان ایشان یکی پس از دیگری از هنرمندان بزرگ حجاری و حکاکی در خوانسار محسوب و در جای جای تاریخ هنر و ادب این شهر کهن می‌توان ردی از هنرنمایی آنان را یافت. از این زمره است فرزند وی **استاد فرهاد بن استاد رضا** نمونه کار، حجاری و تذهیب الواح قبور مرحوم حاج صانع بنیانگذار مسجد جامع و فرزندش حاج صادق خان، استاد محمد بن فرهاد و استاد رضا و استاد محمد مهدی فرزندان استاد فرهاد که همگی شهرت فرهادی یافتند و فرهادوار بر بیستون عشق نقش فرهنگ و هنر آفریدند و به قول آن شاعر هنرمند «صائب»:

بال و پر شد شوق من سنگ نشان خفته را

من به راه انداختم، این کاروان خفته را

و پس از استاد فرهاد فرزندان خلف دیگری از این دیار همچون استاد علی اکبر بن محمد بن فرهاد، استاد میرزا احمد و در این اواخر استاد میرزا حسین و استاد ابراهیم کتابچی و استاد میرزا رضا^۱ رحمه الله تعالی علیهما با دست مایه عشق زیبایی و هنر آفریدند و با سنگ، دوستانه معامله نمودند و اشکال طبیعی درونش را

۱- سنگ نوشته قبر مرحوم محمدباقر ابهری اثر استادانه استاد میرزا رضا حجار و

خط زیبای استاد سید یوسف میرشاه‌ولدی به عنوان اثری هنری و ارزشمند در تاریخ خوانسار جاودانه گشته است.

شناختند و آنچنان با علاقه و عشق مهربانانه با سنگهای سخت همراه گشتند که در
وادی عشق ، سنگ نیز تن برهنه خویش را نمودار ساخت و عریان گشت و حجاب
برگرفت و جان یافت و برای همیشه جاودان گشت. اما آیا کسی هست که پس از ما نیز
بر ما یادی نماید و بر آنچه متذکر گشتیم تذکاری دیگر دهد؟

این سبزه که امروز تماشاگاه ماست

تا سبزه خاک ما تماشاگاه کیست؟

مآخذ

* قرآن کریم

- ۱- استادی رضا، فهرست هزار و پانصد نسخه خطی، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی ۱۳۷۳.
- ۲- اسدی پرویز، محمودی سعید و... دایرةالمعارف مصوّر دانش و هنر، جلد اول انتشارات اشرفی، چاپ نهم ۱۳۷۳.
- ۳- افسر محمد جواد، چکامه خوانسار سیل زده، چاپخانه فروردین اراک سال ۱۳۳۵.
- ۴- افسر محمد جواد، شمس و قمر عاشورا، انتشارات برهان ۱۳۷۳.
- ۵- بخشی یوسف، تذکره شعرای خوانسار، مطبوعاتی میرپور، تهران ۱۳۳۶.
- ۶- تجریشی حمید، مرغ شباهنگ، یادنامه استاد آوازهای ایرانی محمود محمودی خوانساری، انتشارات فکر روز چاپ اول ۱۳۷۷.
- ۷- تسبیحی محمد حسین، خوانسارنامه، راولپندی - پاکستان مردادماه ۱۳۷۶ (۱۹۹۷).
- ۸- تسبیحی محمد حسین، گویش خوانساری، راولپندی - پاکستان ۱۳۵۴.
- ۹- تفضلی آذر، فضایی جوان مهین، فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، از قرن اول تا چهاردهم، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۷۲.
- ۱۰- جرفادقانی. م، علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، انتشارات معارف اسلامی قم، چاپ اول ۱۳۶۴.
- ۱۱- جعفر موسوی خوانساری میر سید ابوالقاسم، مناهج المعارف با مقدمه و حواشی میر سید احمد روضاتی، تهران چاپخانه حیدری ۱۳۵۱.

- ۱۲- حسینی اشکوری سید جعفر ، نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله فاضل خوانساری ، دفتر اول ، انتشارات انصاریان قم ۱۳۷۵.
- ۱۳- حسینی الصفاوی سیداحمد، کشف الاستار عن وجه الكتب و الاسفار ج اول، مؤسسه ال البيت ۱۴۰۹.
- ۱۴- حکیم محمدتقی خان، گنج دانش، جغرافیای تاریخی شهرهای ایران به اهتمام محمدعلی صوتی و جمشید کیانفر، انتشارات زرین ۱۳۶۶.
- ۱۵- حسینی یزدی سید محمد علی و دیگران ، دانشمندان خوانسار در کتب تراجم ، دفتر کنگره محقق خوانساری ، قم ۱۳۷۸.
- ۱۶- خسروی محبوبه ،مسجد آقااسدالله خوانسار، شماره ۴۷ آذرودی ۱۳۷۸.
- ۱۷- خسروی محبوبه، نگاهی به مسجد جامع خوانسار، خدیو خرد ویژه نامه کنگره محققان خوانساری، شهریور و مهر ۱۳۷۸.
- ۱۸- خواند میرغیاث الدین ، حبیب السیر ، جلد سوم انتشارات خیام، ۱۳۴۵.
- ۱۹- رازی محمدشریف، گنجینه دانشمندان جلد ۱ و ۵ کتابفروشی اسلامیة تهران ۱۳۵۲ ش .
- ۲۰- سالنامه و آمار ۱۳۱۴- ۱۳۱۵ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه.
- ۲۱- شفیع محمد حسین (به‌اهتمام)، دیوان خطی سید محمد واعظ (وہاج) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد هجدهم فهرست نسخه های خطی دانشگاه تهران شماره ۶۰۹۴.
- ۲۲- صدرخوانساری حسین، حکومت‌ها و ملت‌ها، انتشارات عطّار، چاپ اول ۱۳۷۵.
- ۲۳- عبدالعظیم خوانساری سید محمود، میراث فقهی، رساله فی الغناء، جلد اول، تصحیح: مرتضی اخوان و صادقی محسن، انتشارات مرصاد ۱۳۷۶.
- ۲۴- علوی مرتضی، فرزانه‌ای از خوانسار، انتشارات انصاریان، قم ۱۳۷۶.
- ۲۵- امید حسن، فرهنگ عمید، یک جلدی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۶۳.
- ۲۶- قمی حاج شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان.

۲۷ - کشوری احمدرضا، فرزندگان خوانسار، دفتر کنگره محقق خوانساری

قم ۱۳۷۸.

۲۸ - مستوفی حمدالله، نزهة القلوب، به تصحیح گای لیسترانج، دنیای کتاب ۱۳۶۲

۲۹ - معین محمد، فرهنگ فارسی، جلد اول، امیرکبیر چاپ یازدهم ۱۳۷۶.

۳۰ - معین محمد، فرهنگ فارسی، جلد سوم، امیرکبیر چاپ یازدهم ۱۳۷۶.

۳۱ - موحد ابطحی میرسیدحجت، ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه

اصفهان در طول تاریخ، جلد دوم، دفتر تبلیغات المهدی (عج) اصفهان ۱۴۱۸ قمری.

۳۲ - مهدوی سیدمصلح الدین، سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، انجمن

کتابخانه‌های عمومی اصفهان، چاپ اول ۱۳۷۰.

۳۳ - میرمحمدی حمیدرضا، تذکرة القبور خوانسار، آینه پژوهش، شماره ۵۵ -

۵۶ فروردین - تیرماه ۱۳۷۸.

۳۴ - میرمحمدی حمیدرضا، جغرافیای خوانسار، جلد دوم، دفتر کنگره محقق

خوانساری قم ۱۳۷۸.

۳۵ - میرمحمدی حمیدرضا، مروری بر زندگانی و آثار افسر و اختر دو شاعر

خوانساری، آینه پژوهش شماره ۵۵ - ۵۶ فروردین - تیرماه ۱۳۷۸.

۳۶ - میرمحمدی حمیدرضا، مسجد جامع خوانسار، مسجد شماره ۴۵، مرداد

و شهریور ۱۳۷۸.

۳۷ - میرمحمدی حمیدرضا، نگاهی به بقعه پیر خوانسار، خدیو خرد، ویژه

نامه کنگره بزرگداشت محققان خوانساری، شهریور و مهرماه ۱۳۷۸.

۳۸ - نصرآبادی میرزاحمد طاهر، تذکره نصرآبادی، تصحیح

وحید دستگردی، کتابفروشی فروغی.

۳۹ - نفیس احمد، خدمات مسلمانان به جغرافیا، ترجمه حسن لاهوتی، بنیاد

پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۶۸.

بخش سوم

ضمائم

تصاویر به صورت
حروف الفبا چاپ شده است



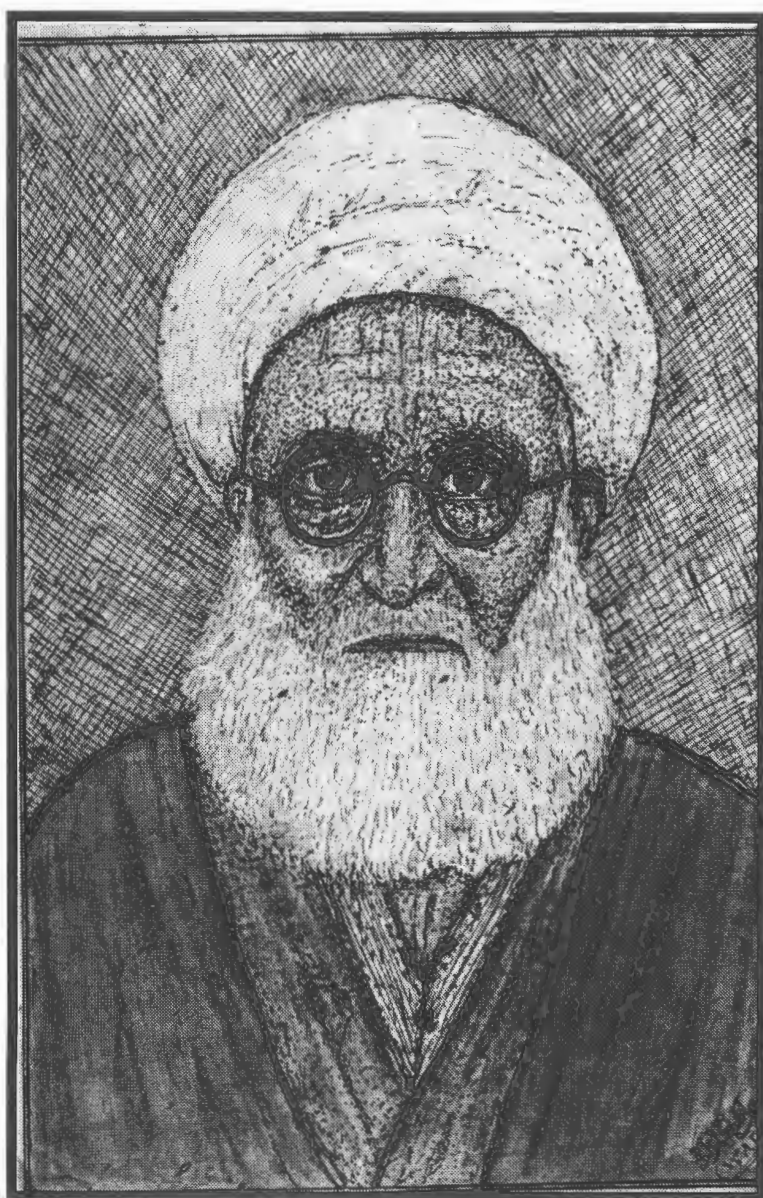
حاج شيخ محسن امينى

ملا محمود اشرف الكتاني

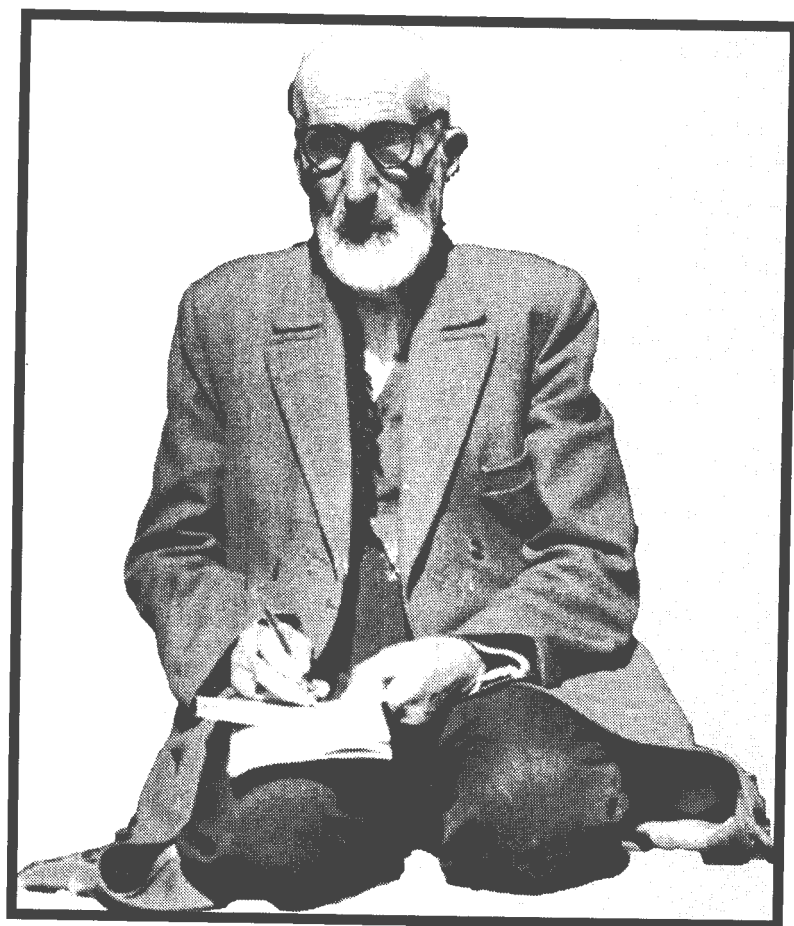


ملا علي اشرف الكتاني





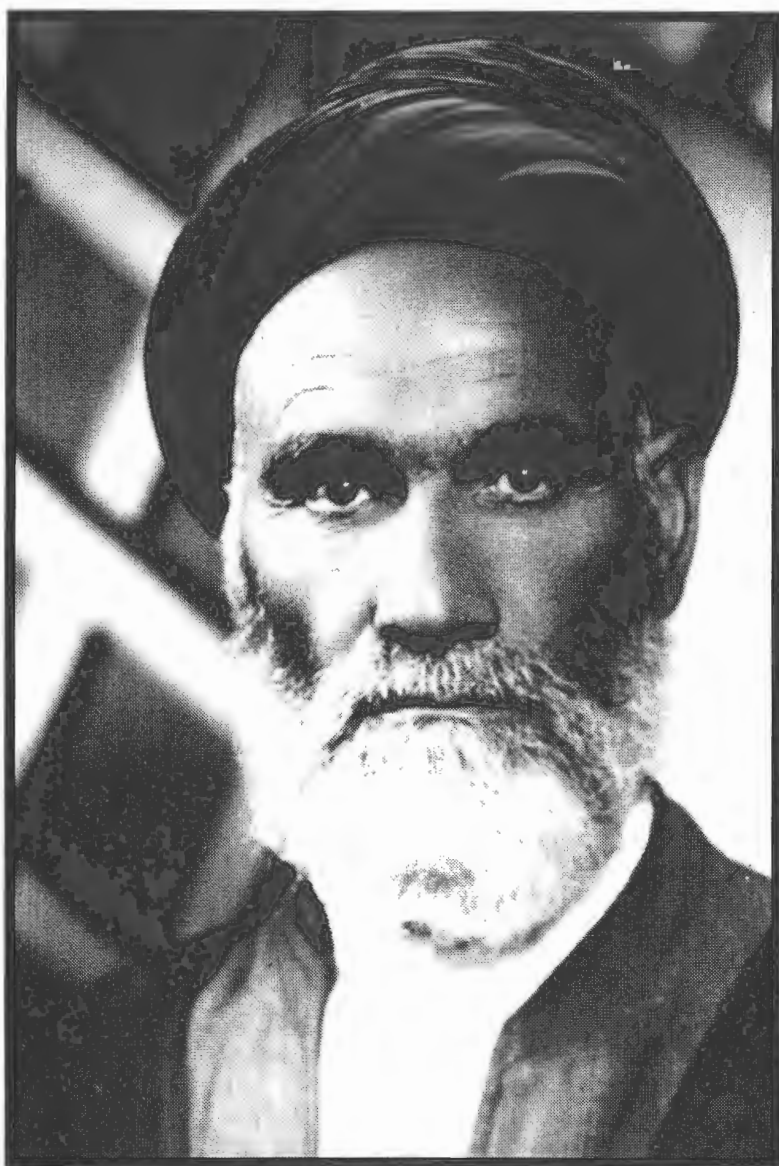
آخوند ملا محمد حسن (حاج آخوند جلالی)



دکتر احمد حکیم باشی



آقامیرزا داود



حاج سید مصطفی سجادی



حاج آقا حسین جعفری - ملا علی شجاع الذاکرین - سید یوسف مدرسی

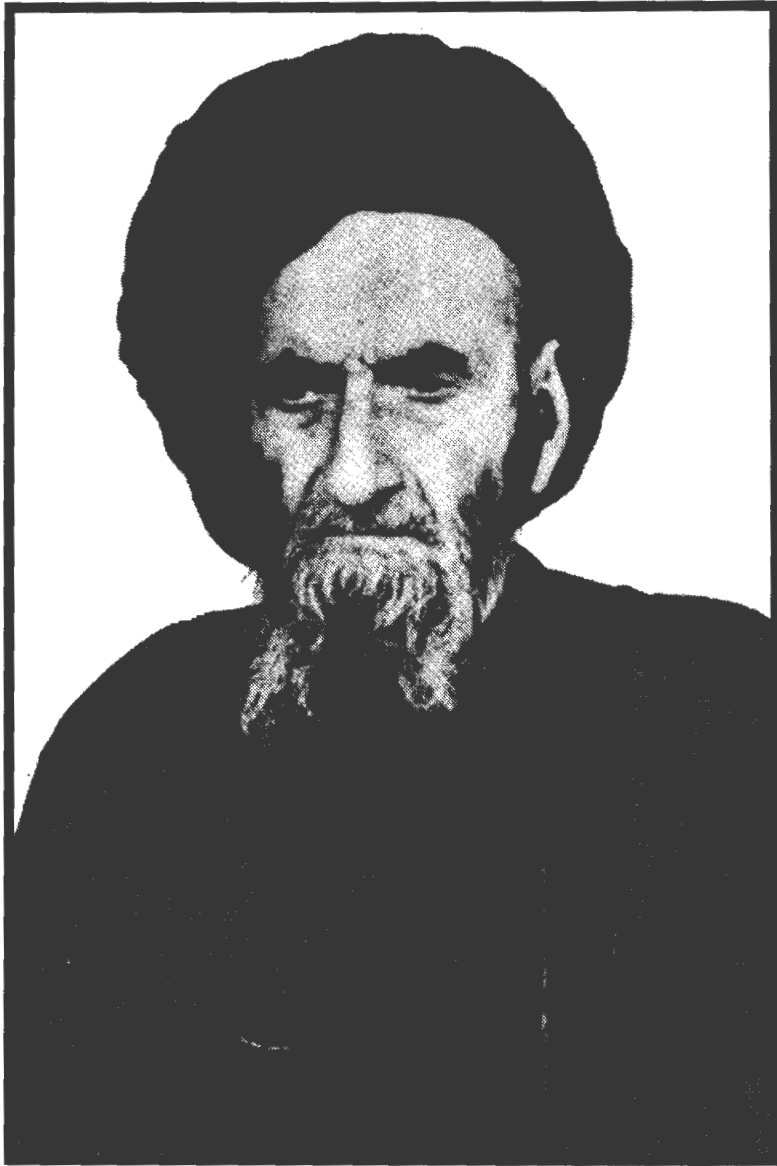


ردیف دوم وسط : سید عبد العظیم عظیمی

نفر نشسته سمت راست : آقا سید میرزا محمد عظیمی نفر نشسته سمت چپ : آقا سید صدر الدین عظیمی



آیت الله حاج حسین علوی (نجفی)



آیت اللہ حاج سید محمد تقی غصنفری



آیت الله محمد مهدی فاضل



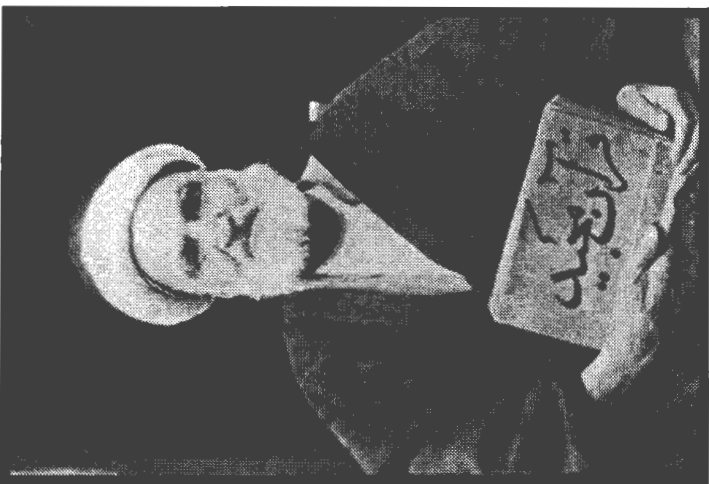
محمد حسن فاضلي



آخوند حاج شیخ کامران



حاج سيد صدر الدين محمدی بیدهندي



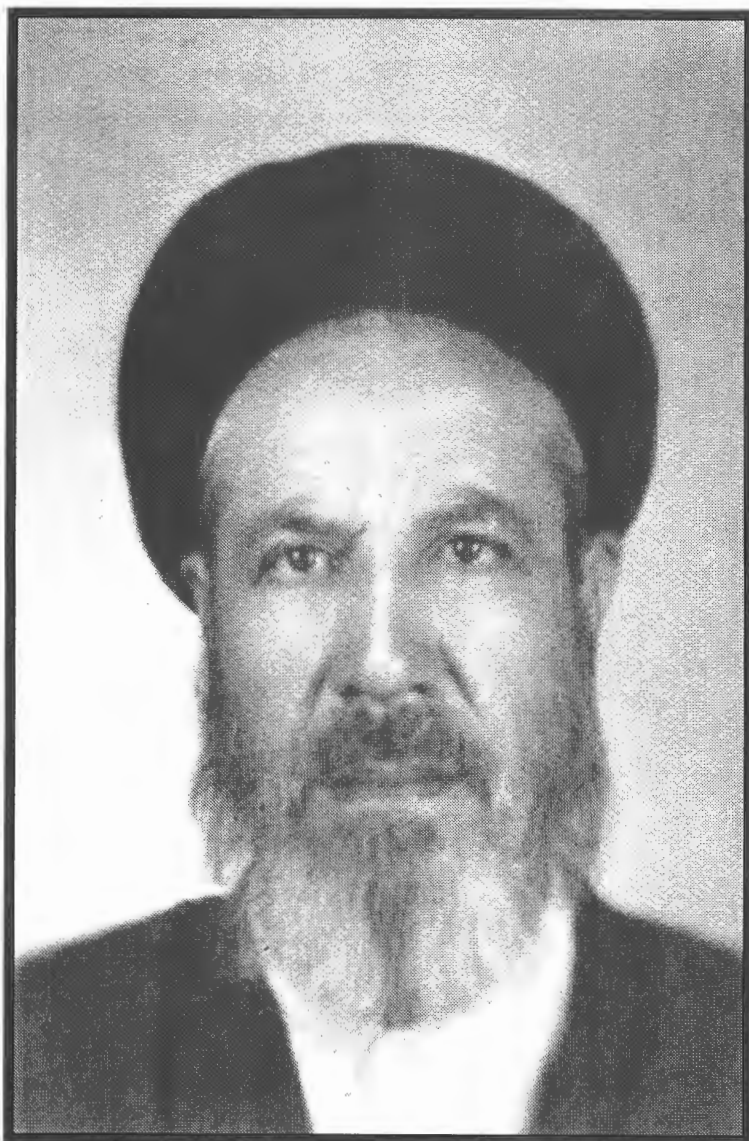
حاج احمد محقق



محمود محقق خوشنویس



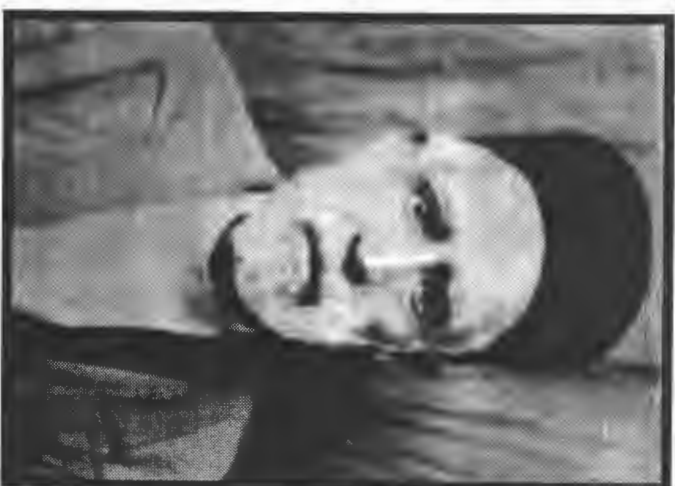
حاج شیخ محمد باقر مشایخی



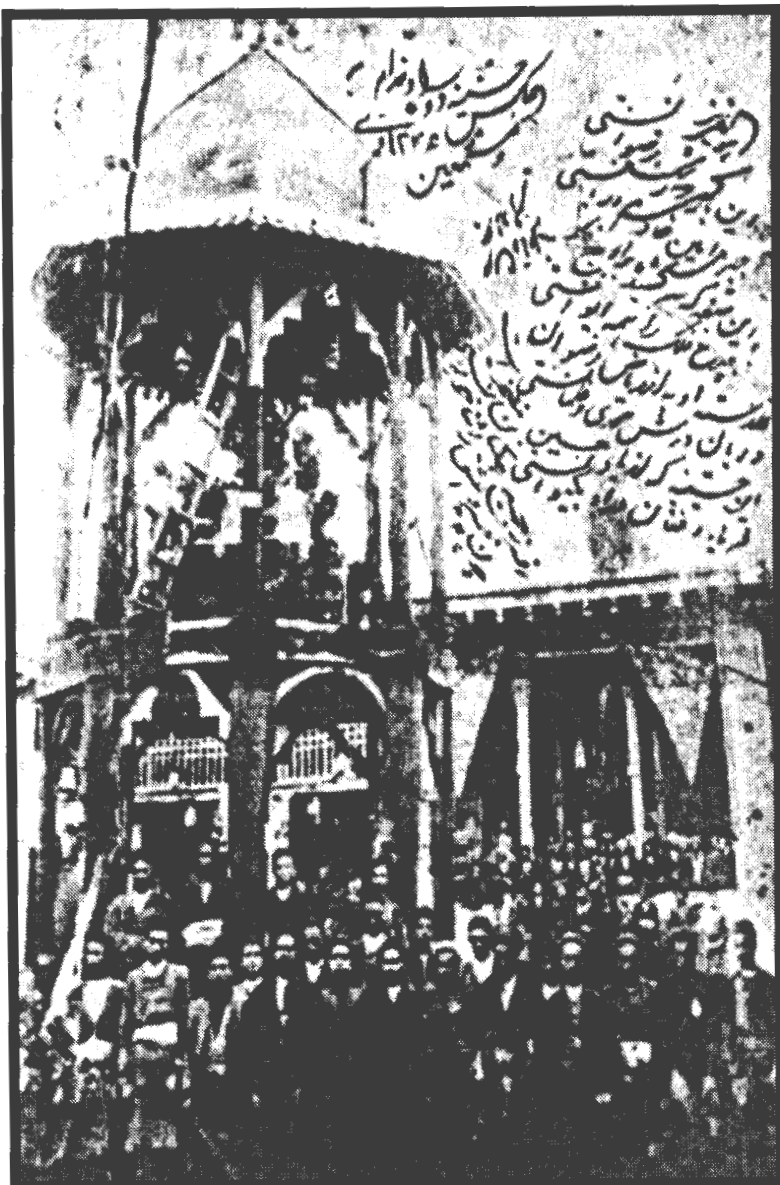
حاج سيد كمال الدين نبوى



سید مجتبی صفایی



محمد جواد ولایی (افسر)



نمایی از گلدسته حسینیہ دوراه

از همین مؤلف:

- ۱- جغرافیای خوانسار - جلد اول ، ناشر مؤلف ، پاییز ۱۳۷۲.
- ۲- دیباچه‌ای بر جغرافیای تاریخی فریدن (پرتیکان باستان) ناشر فرمانداری فریدن ، پاییز ۱۳۷۶.
- ۳- جغرافیای خوانسار - جلد اول و دوم - ناشر دبیرخانه کنگره علامه آقا حسین خوانساری - قم بهار ۱۳۷۸.
- ۴- فریدن سرزمین تاریخ و فرهنگ - آماده انتشار.
- ۵- پژوهشی برنام شهرها و روستاهای ایران - آماده انتشار.
- ۶- شهرنشینی و شبکه شهری در استان اصفهان، در دست انتشار.
- ۷- تذکرة الشعراى جدید خوانسار - در دست تألیف.
- ۸- فرهنگ جغرافیایی شهرهای ایران در دست تألیف.

